

فهرست مقالات



- ۱) طراحی مدل جامع تأثیر هوش مصنوعی بر شاخص‌های حکمرانی خوب در سیستم اداری: (رویکرد فراترکیب)
اسماعیل قالو، لطف‌الهی حقی و پرویز..... ۱
- ۲) تأثیر انقلاب‌های عربی بر امنیت رژیم صهیونیستی
جوزدانی..... ۲۲
- ۳) طراحی و اعتبار یابی مدل رهبری هوشمند در صنعت تلکام مبتنی بر نظریه داده بنیاد (مورد مطالعه: اپراتور همراه اول در خراسان رضوی)
حدادرضوی، حسین‌زاده و جان‌نثاراحمدی..... ۴۲
- ۴) تأثیر استراتژی‌های مدیریت جهادی بر توسعه پایدار اقتصاد دریایی
زینالی..... ۶۴
- ۵) طراحی الگوی حکمرانی اقتصادی با توجه به رهنمودهای رهبر انقلاب
ملکی‌سورکی، زاهدی و منتظری..... ۸۲



طراحی مدل جامع تأثیر هوش مصنوعی بر شاخص‌های حکمرانی خوب در سیستم اداری: (رویکرد فراترکیب)

فواد اسماعیل‌قالو^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹ ماهرخ لطف‌اللهی‌حقی^۲

محمدنظیر پرویز^۳

چکیده

هوش مصنوعی، به‌عنوان یک فناوری پیشرفته به‌طور فزاینده‌ای در حال ادغام در بخش‌های مختلف سیستم اداری با پتانسیل ایجاد تحولی در نحوه عملکرد تصمیم‌گیرندگان و سیاستمداران و ارائه خدمات بهتر به شهروندان است. با این حال اجرای آن باید با اصول حکمرانی خوب همسو شده تا از شفافیت، پاسخگویی، برابری، اثربخشی و کارایی بیشتر در این زمینه‌ها اطمینان حاصل شود.

روش کار: پژوهش حاضر از نوع مطالعات اسنادی و ثانویه است و پژوهش‌های موردنیاز مطالعه از پایگاه‌های اطلاعاتی علمی از سال ۲۰۲۴-۱۹۸۴ تعداد ۴۱۲ مقاله بود که پس از پالایش مقالات درنهایت تعداد ۲۴ مقاله علمی که به‌صورت مستقیم به موضوع هوش مصنوعی و شاخص حکمرانی خوب پرداخته بودند، به دست آمد. همچنین تحلیل داده‌ها با استفاده از روش سندلوسکی و باروسو ۲۰۰۶ انجام گرفت. یافته‌ها: پس از مرحله تلفیق داده‌ها از بین ۶ مؤلفه اصلی، تعداد ۲۶ مؤلفه فرعی و تعداد ۱۶۲ کد استخراج گردیدند. نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌ها مشخص شد که سازه کارایی، توسعه پایدار و مدیریت زیرساخت‌ها دارای بیشترین ضریب اهمیت بودند و درنهایت طبق شکل شماره ۹ چارچوب نهایی هوش مصنوعی و شاخص حکمرانی خوب در سیستم اداری ارائه گردید.

کلمات کلیدی

هوش مصنوعی، حکمران، شاخص حکمرانی، سیستم، اداره.

۱- دانشجوی دکتری، گروه مدیریت، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. foadesmaili81@gmail.com

۲- گروه مدیریت، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول) lotfollahi57@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری، گروه مدیریت، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. m.nazir.parviz@gmail.com

در طول تاریخ، مسئله حکمرانی همواره مورد توجه حاکمان، اندیشمندان و جامعه‌شناسان بوده است. رهبران سیاسی سعی داشته‌اند با ایجاد نظام‌های سیاسی کارآمد، برتری خود را در میان رقبا تثبیت کنند. با این حال، ناکارآمدی سیستم اداری، به‌ویژه در مواجهه با چالش جدید، همواره یکی از عوامل اصلی فروپاشی و تغییرات گسترده بوده است. امروزه، ظهور هوش مصنوعی به‌عنوان یک پدیده نوظهور، مسائل حاکمیتی و نظارتی جدیدی را ایجاد کرده است که نیازمند توجه ویژه سیاست‌گذاران است (وایرتز^۱ و همکاران ۲۰۲۲). تحولات سریع فناوری دیجیتال، به‌ویژه در حوزه هوش مصنوعی (AI)، تأثیرات عمیقی بر ساختارها و فرآیند مختلف اداری و حکمرانی در سراسر جهان گذاشته است. هوش مصنوعی با توانایی تحلیل حجم عظیمی از داده‌ها، ارائه الگو پیش‌بینی پذیر و بهینه‌سازی فرآیند تصمیم‌گیری، به‌عنوان یکی از ابزار نوین برای بهبود شاخص حکمرانی خوب مطرح شده است. شاخص حکمرانی خوب، از جمله شفافیت، پاسخگویی، کارایی، اثربخشی و مشارکت، معیار اساسی برای ارزیابی عملکرد سیستم اداری در تأمین منافع عمومی و ارتقای کیفیت خدمات ارائه‌شده به شهروندان هستند (تاییهاق^۲ و همکاران ۲۰۲۱).

شاخص حکمرانی خوب چارچوب‌ها، فرآیندها و ابزار را شامل می‌شوند که به همکاری برای تدوین ارزش مشترک هوش مصنوعی و تصمیم‌گیری مرتبط با توسعه مطلوب آن نیاز دارند (دافوی^۳ ۲۰۱۸، سیگفراید^۴ و همکاران ۲۰۲۲). حکمرانی خوب برای ارتقای رشد اقتصادی، دموکراسی و ثبات اجتماعی ضروری است. ادبیات توسعه حاکمیت هوش مصنوعی بر افزایش هماهنگی افقی و دخالت ذی‌نفعان تأکید دارد (لیهواکس^۵ ۲۰۲۰، ویپو^۶ ۲۰۱۹).

حکمرانی خوب به‌طور کلی به مدیریت اثربخش منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور به‌گون اطلاق می‌شود که این مدیریت باز، شفاف، پاسخگو و مشارکت‌جو باشد. هوش مصنوعی می‌تواند با سرعت بخشیدن به امور حکمرانی و ایجاد ثبات در سیستم اداری، نقش مؤثری ایفا کند. این فناوری که به‌سرعت در حال پیشرفت است، مزایای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زیادی به همراه دارد. توسعه هوش مصنوعی فرصت زیادی را فراهم می‌کند، اما خطرات ناشی از آن نیز باید مورد توجه قرار گیرد (استوارت^۷ و همکاران، ۲۰۱۵).

هوش مصنوعی یک زمینه به‌سرعت در حال پیشرفت و امیدوارکننده است که اعتقاد بر این است که مزایای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زیادی به همراه دارد. تحقیقات در زمینه هوش مصنوعی به این موضوع مربوط می‌شود که رایانه‌ها را قادر می‌سازد تا از استدلال انسان تقلید کنند.

طراحی مدل جامع تأثیر هوش مصنوعی بر شاخص‌های/اسماعیل قالو، لطف‌اللهی حقی و پرویز

(استوارت و همکاران ۲۰۱۵) توسعه هوش مصنوعی فرصت زیادی را به همراه دارد ولی خطرات جدی ناشی از آن را نباید فراموش کرد. تا جایی که نه تنها شما می‌توانید به روند کار کمک کنید بلکه می‌توانید بر اساس داده جمع‌آوری شده با تصمیم‌گیری خودمختار آن را مدیریت کنید. در چنین شرایطی یک رابطه جدید و تاکنون ناشناخته بین کارکنان و هوش مصنوعی شکل می‌گیرد. (نوویک^۸، ۲۰۲۱)

در سال‌های اخیر، سیاست‌گذاران در کشورهای مختلف برای بهبود شرایط استفاده از این فناوری نوظهور و مقابله با چالش‌ها و خطرات احتمالی آن، برنامه‌های متعددی تدوین کرده‌اند. این پژوهش باهدف تحلیل جامع تأثیر هوش مصنوعی بر شاخص حکمرانی خوب، به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا استفاده از سیستم هوش مصنوعی با توجه به شاخص‌های حکمرانی می‌تواند به پیشرفت روند امور در سیستم اداری کمک کند و چگونه می‌توان با به‌کارگیری این فناوری، کارایی و شفافیت در نظام حکمرانی را بهبود بخشید. پژوهشگر در این مطالعه تلاش دارد تا با ارائه مدلی مفهومی، راهکاری برای بهینه‌سازی حکمرانی در سیستم اداری مبتنی بر هوش مصنوعی ارائه دهد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

حکمرانی خوب

حکمرانی خوب مفهومی است که در دهه‌های اخیر به‌طور گسترده در مباحث مدیریت عمومی و علوم سیاسی مورد استفاده قرار گرفته است. این مفهوم به مدیریت اثربخش منابع اقتصادی و اجتماعی کشور اشاره دارد به‌گونه‌ای که این مدیریت، باز، شفاف، پاسخگو و مشارکت‌جو باشد. شاخص‌های حکمرانی خوب شامل شفافیت، پاسخگویی، کارایی، اثربخشی، حاکمیت قانون و مشارکت هستند. این شاخص‌ها ابزاری برای ارزیابی کیفیت حکمرانی و اثربخشی سیاست‌ها در بهبود زندگی شهروندان به شمار می‌روند.

بانک جهانی حکمرانی را به‌عنوان مجموعی از سنت‌ها و نهادها تعریف می‌کند که از طریق آن‌ها قدرت برای منافع عمومی اعمال می‌شود که شامل فرآیند انتخاب، نظارت و تفویض اختیار و توانایی دولت در اداره منابع و اجرای سیاست‌ها است. سازمان ملل نیز برای حکمرانی خوب هشت شاخص ارائه کرده است که شامل شفافیت، پاسخگویی، کارایی، مشارکت و سایر مؤلفه‌ها می‌باشد (بانک جهانی^۹، ۲۰۱۸).

مطالعات متعددی به بررسی حکمرانی AI پرداخته‌اند. برای مثال، (رابرت^{۱۰} و همکاران ۲۰۲۳) به بررسی مقررات AI در بریتانیا به‌عنوان یک چارچوب تنظیمی متناسب و طرفدار نوآوری پرداختند

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

و نشان دادند که چالش هماهنگی بین تنظیم‌کننده‌ها وجود دارد و پیشنهادهای فعلی برای حکمرانی این فناوری‌ها کافی نیست. (کوری^{۱۱} و همکاران ۲۰۲۳) با تمرکز بر اتحادیه اروپا و ایتالیا، به بررسی چالش اجتماعی ناشی از AI و تشویق به آگاهی‌بخشی در این زمینه پرداختند.

همچنین (الشدودی^{۱۲} و همکاران ۲۰۲۲) نقش AI در تقویت سیستم پشتیبانی تصمیم‌گیری را بررسی کردند همچنین (اولنیکان^{۱۳} و همکاران ۲۰۲۱) به مطالعه تجربیات حکمرانی AI در مقایسه با سایر فناوری‌های نوظهور پرداختند. این مطالعات تأکید می‌کنند که حکمرانی AI نیازمند رویکردی یکپارچه و مبتنی بر اصول حقوق بشر و اخلاق است تا از مزایای این فناوری بهره‌برداری شود و خطرات آن به حداقل برسد.



شکل ۱- شاخص‌های حکمرانی خوب بر اساس سازمان ملل (یاب کایوی^{۱۴}، ۲۰۰۹)

هوش مصنوعی (AI)

هوش مصنوعی به توانایی سیستم کامپیوتری برای انجام وظایفی گفته می‌شود که به‌طور معمول نیازمند هوش انسانی است. از جمله یادگیری، تصمیم‌گیری، حل مسئله و پردازش زبان طبیعی. در سال اخیر، AI به‌عنوان یک فناوری تحول‌آفرین در بسیاری از حوزه‌ها از جمله ادارات دولتی و حکمرانی مطرح شده است. این فناوری می‌تواند به بهبود فرآیند تصمیم‌گیری، افزایش کارایی و کاهش هزینه عملیاتی در سیستم اداری کمک کند.

هوش مصنوعی (AI) به‌طور چشمگیری نقش خود را در زندگی روزمره افراد گسترش داده و مباحث فراوانی پیرامون حکمرانی و نظارت بر این فناوری، عملکرد سیستم خودمختار، یادگیری

طراحی مدل جامع تأثیر هوش مصنوعی بر شاخص‌های/اسماعیل قالو، لطف‌الهی حقی و پرویز

ماشینی و داده‌های رباتیک مطرح شده است. این موضوع موجب شده تا سؤالات زیادی درباره چگونگی و میزان استفاده از AI در حوزه‌های مختلف حکمرانی مطرح شود و سیاست‌گذاران کشورها را به تحقیق و تمرکز بیشتر بر مواجهه با تحولات ناشی از گسترش AI وادار کند (رهوان^{۱۵} و همکاران، ۲۰۱۹). اگرچه مزایای بالقوه قابل‌توجهی برای افراد، کسب‌وکارها و جوامع فراهم می‌کند، اما چالش‌ها و مخاطراتی نیز به همراه دارد. به‌عنوان مثال، (فلوریدی^{۱۶} و همکاران ۲۰۱۸) و (برینجولفسن و مکافی^{۱۷} ۲۰۱۷) به بحث در مورد مزایا و معایب AI و تأثیر آن بر گروه‌های مختلف جامعه پرداخته‌اند، درحالی‌که (زوبوف^{۱۸}، ۲۰۱۹) و (کراوفورد^{۱۹}، ۲۰۲۱) به بررسی ارزش‌ها و اصول اخلاقی در تصمیم‌گیری با استفاده از AI پرداخته‌اند.

این مسائل نقش محوری در توسعه حکمرانی عمومی AI ایفا می‌کنند که هدف آن هدایت توسعه این فناوری برای کاهش خطرات و به حداکثر رساندن مزایای آن است. پس از رای برگزیت در سال ۲۰۱۶، دولت بریتانیا رشد از طریق فناوری‌های نوظهور از جمله AI را به‌عنوان یک اولویت شناسایی کرد و تلاش‌هایی برای توسعه مکانیسم حکمرانی مناسب برای AI آغاز شد. چندین نهاد دولتی و آزمایشگاه AI برای ترویج حکمرانی مؤثر و اخلاقی تأسیس شدند (لینسکی^{۲۰} ۲۰۱۷؛ شلزینگر^{۲۱}، ۲۰۲۲).

حکمرانی و هوش مصنوعی

به‌طور کلی رویکرد حکمرانی خوب، در حقیقت یک شیوه مدیریت پیچیده است که شهروندان از طریق آن و گروه‌های ذینفع کشور مطالبات خود را بیان و اعمال می‌کنند (موتی^{۲۲}، ۲۰۲۱). (رابرت و همکاران، ۲۰۲۳) در مطالعه "مقررات هوش مصنوعی در انگلستان: راهی به سوی خیر حکومت و رهبری جهانی؟" با بررسی مقررات هوش مصنوعی در بریتانیا به‌عنوان یک چارچوب تنظیمی متناسب و طرفدار نوآوری برای هوش مصنوعی، به این نتیجه رسیدند که علاوه بر علاقه زیاد بخش‌های مختلف بریتانیا به حاکمیت هوش مصنوعی، تحت فشار عوامل سیاسی، داخلی و بین‌المللی، چالش‌های هماهنگی بین تنظیم‌کننده‌ها وجود دارد و بعید به نظر می‌رسد که پیشنهادهاى فعلی برای حاکمیت این فناوری‌ها کافی باشد، بنابراین باید عملکرد مرکزی برای سیستم‌های هوش مصنوعی ایجاد کرد. (کوریا و همکاران، ۲۰۲۳) در پژوهشی تحت عنوان "رویکردی مبتنی بر اصول هوش مصنوعی: موردی برای اتحادیه اروپا و ایتالیا با بررسی مجموعه‌ای از تعهدات و توصیه‌های عملی برای توسعه برنامه‌ها و سیستم‌های مبتنی بر تکنیک هوش مصنوعی با این کار به گسترش آگاهی در مورد بسیاری از چالش‌های اجتماعی ناشی از هوش مصنوعی و تشویق آن کمک کنند. این مقاله به دنبال دیدگاهی

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

یکپارچه که هر دو مفاهیم حقوق بشر و اصول اخلاقی را ترکیب می‌کند تا از مزایای این دو رویکرد بهره‌مند شود، است. در نتیجه استانداردسازی برای سیستم هوش مصنوعی و ترفیع حقوق اساسی و رویکرد انسان‌محور، برای اطمینان لازم است. (الشدودی و همکاران، ۲۰۲۲) در پژوهشی تحت عنوان "نقش هوش مصنوعی در افزایش مدیریت سیستم‌های پشتیبانی تصمیم به مدیریت دانش وابسته" به مطالعه نقش هوش مصنوعی در تقویت سیستم پشتیبانی تصمیمات اداری به مدیریت دانش پرداختند و به این نتیجه رسیدند که مطالعه نقش هوش مصنوعی در حمایت از تصمیم‌گیری تکامل‌یافته طول می‌کشد و شرکت‌ها در این زمینه باید در دیجیتالی کردن تمام چرخه‌های صنعت سرگردان باشند؛ لذا استفاده از افزایش دانش هوش مصنوعی در این زمینه بسیار لازم است. (اولنیکان و همکاران، ۲۰۲۱) در مطالعه "حکمرانی خوب به‌عنوان پاسخی به نارضایتی‌ها؟ دژاوو، یا درسی برای هوش مصنوعی از سایر نوظهورها، فن آوری‌ها" با مطالعه این سؤال که آیا حکمرانی، سیاست و اخلاق هوش مصنوعی می‌تواند از دیگران بیاموزد؟ پیشرفت‌های اخیر در هوش مصنوعی بحث‌های عمومی فشرده‌ای را در مورد پتانسیل‌های آن به راه انداخته است. اسناد خط‌مشی هوش مصنوعی توسط دولت‌های ملی، سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای مختلف راه‌اندازی شده است. این فناوری تأثیرات گسترده و طولانی‌مدتی بر مشاغل، سیاست، اقتصاد و جامعه و نگرانی‌های عمده اثرات هوش مصنوعی بر سطح فردی و اجتماعی دارد و به این نتیجه رسیدند که راه‌حل‌های معمولی برای معامله با این نگرانی پیشنهادی در اسناد خط‌مشی هوش مصنوعی، تمرکز بر اخلاق و قوانین استفاده از آن همچنان مورد بحث است.

چارچوب مفهومی این پژوهش بر اساس ارتباط میان هوش مصنوعی و شاخص‌های حکمرانی خوب بنا شده است. در این چارچوب، AI به‌عنوان متغیر مستقل و شاخص‌های حکمرانی خوب (شفافیت، پاسخگویی، کارایی، اثربخشی، حاکمیت قانون و مشارکت) به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شوند. هدف این چارچوب بررسی نحوه تأثیر AI بر بهبود این شاخص‌ها در سیستم اداری است.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، توسعه‌ای از لحاظ ماهیت داده‌ها و سبک تحلیل داده‌ها از نوع پژوهش کیفی و بر اساس ماهیت، کدگذاری و از نظر جمع‌آوری داده‌ها نیز اسنادی است. از نظر روش انجام پژوهش، تحلیلی توصیفی است. از بین معتبرترین و معروف‌ترین الگوهای مورد استفاده در روش فراترکیب که شامل الگوی سه‌مرحله‌ای نوبلت وهیر، الگوی شش‌مرحله‌ای والش و داون و الگوی هفت‌مرحله‌ای (سندلوسکی و باروسو^{۲۳}، ۲۰۰۷) است، در این پژوهش از الگوی سندلوسکی و باروسو به

طراحی مدل جامع تأثیر هوش مصنوعی بر شاخص‌های/اسماعیل‌قالو، لطف‌الهی حقی و پرویز

دلیل استفاده متعددی که در پژوهش‌های فراترکیب از آن شده، مورد استفاده قرار گرفت. نمونه این مطالعه را مطالعات کیفی تشکیل می‌دهند که محقق بر اساس سؤال پژوهی موردعلاقه، آن‌ها را وارد مطالعه می‌کند. الگوی هفت‌مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو برای این منظور ارائه شده است.

مرحله اول: تنظیم اهداف مطالعه (تنظیم سؤال‌های پژوهش)

نخستین گام در روش فراترکیب مشخص کردن پرسش‌هایی است که در فرایند پژوهش مطرح می‌باشد. در این مطالعه پاسخ به چهار سؤال مدنظر بود: ۱- (شناسایی مؤلفه‌ها و عناصر و مفاهیم) مرتبط با هوش مصنوعی و شاخص حکمرانی خوب. ۲- (جامعه مورد مطالعه) که شامل مقالاتی بود که در آن‌ها بیشتر به تشریح و شناسایی عناصر، عوامل و مؤلفه‌های مربوط به شاخص‌های حکمرانی و هوش مصنوعی، پرداخته شده است. ۳- (چگونگی روش انجام کار) که به بررسی و شناسایی و یادداشت‌برداری نکات کلیدی تحلیل مفاهیم، دسته‌بندی مفاهیم و مؤلفه شناسایی شده اسناد می‌پرداختند. ۴- (بازه زمانی) مجموعه‌ای از آثار موجود حاصل ۴۰ سال کار تحقیقاتی انجام شده در این زمینه بین سال ۱۹۸۴ تا ۲۰۲۴ میلادی.

مرحله دوم: بررسی نظام‌مند ادبیات پژوهشی:

در این مرحله، مقالات منتشر شده به صورت سیستماتیک مورد نقد و بررسی قرار گرفتند، این پژوهش به دنبال آن است تا کلیه متون علمی پژوهشی در زمینه هوش مصنوعی و حکمرانی خوب را از زمان معرفی این مفاهیم تاکنون مورد ارزیابی و مطالعه قرار داده و علی‌رغم گذشت بیش از چهل سال یعنی از سال ۱۹۸۴ تا ۲۰۲۴ میلادی، مطالب به‌روزتری در مورد این عناوین را در نظر بگیرد. در این پژوهش معیارها بر اساس پذیرش و عدم پذیرش مطابق جدول شماره ۱ انجام گردیده‌اند.

جدول ۱: معیار پذیرش و عدم پذیرش مقالات در مرحله دوم

معیارها	پذیرش	عدم پذیرش
روش جمع‌آوری	کیفی	کمی
موضوع مطالعه	تعاریف، ابعاد و مدل و عوامل و رابطه هوش مصنوعی با شاخص‌های حکمرانی	غیر از موارد ذکر شده
دسترسی به مقالات	دسترسی به متون مقالات	عدم دسترسی به متون مقالات
زبان	انگلیسی	غیر انگلیسی
زمان	تحقیقات انتشار یافته از ۱۹۸۴ تا ۲۰۲۴	تحقیقات قبل از این تاریخ
اعتبار	مقالات چاپ شده در نشریات و پایگاه علمی و موتور جستجوی مختلف	پایگاه اطلاعات شخصی و بی‌ارزش

مرحله سوم: جستجو و انتخاب مقالات

در گام سوم پژوهشگر مشخص می‌کند که آیا مقالات انتخابی متناسب با عنوان اصلی پژوهش هستند یا خیر؟ به‌منظور این هدف تمامی مقالات در دسترس به‌دفعات از لحاظ پارامترهایی از قبیل: محتوای مقالات، عناوین، چکیده و کیفیت روش تحقیق مورد بازبینی قرار گرفتند. مقالاتی که در راستای مفاهیم موردنظر ما جایی نداشتند، حذف گردیده و مابقی مقالات طبق شکل شماره ۲ در نظر گرفته شدند تا به ترتیب مورد ارزیابی قرار بگیرند. در این مرحله پس از پالایش مقالات تعداد مقالات استخراجی و انتخابی اولیه ۴۱۲ مقاله بودند که ۱۷۰ مورد به خاطر عنوان مقالات، ۱۲۱ مورد به خاطر چکیده و ۹۷ مورد به خاطر محتوای مقالات حذف گردید و در آخر تعداد ۲۴ مقاله بعد از غربالگری‌های انجام‌شده بر روی آن‌ها، جهت تجزیه تحلیل و تبادل نظر انتخاب شدند.

برای گردآوری داده‌ها، از داده‌های ثانویه (متون علمی، اسناد و مدارک گذشته) استفاده گردید. منظور از اسناد و مدارک، مقالاتی هستند که در زمینه هوش مصنوعی و شاخص‌های حکمرانی خوب، بررسی و انتخاب‌شده‌اند که بر اساس کلیدواژه‌های هوش مصنوعی، حکمران، شاخص حکمرانی و سیستم در پایگاه اطلاعاتی: سانسس دایرکت (۲)، الزیور (۴)، امرالد (۵)، آکسفورد (۱)، وب آو ساینس (۳)، اسکوپوس (۳)، تیلور & فرانسیس (۲)، اسپرینجر (۲) جستجو گردید.

به‌منظور جستجوی نظام‌مند سؤالات پژوهش، قبل از هر اقدامی باید محدوده جستجو بر اساس روش فراترکیب مشخص گردد. تلاش شده است مجموعه مقالات پایگاه داده‌ها، مجلات معتبر و موتور جستجوی مختلف برای مطالعات انگلیسی از سال ۱۹۸۴ تا ۲۰۲۴ بررسی شود. سپس برای جستجوی واژگان کلیدی هوش مصنوعی، شاخص حاکمیتی، حکمران و شاخص‌های حکمرانی خوب مورد استفاده قرار گرفت که بر اساس نتایج اولیه حاصل از جستجو ۴۱۲ مقاله انگلیسی مرتبط شناسایی شد و این مطالعات بر اساس الگوریتم ارزیابی حیاتی (قاسمی و رعیت پیشه^{۲۳}، ۱۳۹۴) طبق عناوین مختلفی از قبیل (عنوان مقاله، چکیده و محتوای مقالات) مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفتند.

جدول ۲: مراحل پالایش منابع مورد استفاده

مراحل	بر اساس	هوش مصنوعی	حکمرانی خوب
مرحله نخست	مجموع منابع یافت شده	۱۸۰	۲۳۲
	منابع رد شده از نظر عنوان	۴۴	۴۸
مرحله دوم	منابع غربال شده بر اساس عنوان	۳۰	۳۱
	منابع رد شده از نظر چکیده	۴۰	۴۹

طراحی مدل جامع تأثیر هوش مصنوعی بر شاخص‌های/اسماعیل قالو، لطف‌الهی حقی و پرویز

مرحله سوم	منابع غربال شده بر اساس چکیده	۲۹	۳۱
	منابع رد شده از نظر محتوا	۲۳	۳۸
مرحله چهارم	منابع غربال شده بر اساس محتوا	۱۴	۳۵

اقدام بعدی در این مرحله ارزیابی کیفیت روش‌شناختی مطالعات است که محقق برای این منظور از روش مهارت ارزیابی حیاتی استفاده نموده است، این روش شامل ۱۰ سؤال است تا محقق به وسیله آن بتواند اهمیت، اعتبار و دقت مطالعات کیفی پژوهش را مشخص نماید. این سؤالات شامل این مواردند: ملاحظات اخلاقی، ارزش تحقیق، تجزیه و تحلیل داده‌ها، انعکاس‌پذیری، جمع‌آوری داده‌ها، روش نمونه‌برداری، طرح تحقیق، منطق روش‌شناسی، اهداف تحقیق. هر یک از این پژوهش‌ها مطالعه شده و به هر کدام از پژوهش‌های در دسترس به لحاظ دارا بودن ویژگی‌های مذکور، امتیازی بین ۱ تا ۵ اختصاص می‌یابد. سپس محقق با امتیازبندی برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی که بر اساس مقیاس ۵۰ امتیازی می‌باشد به هر کدام از پژوهش‌ها امتیازات خیلی ضعیف (۰ تا ۱۱)، ضعیف (۱۱ تا ۲۰)، متوسط (۲۱ تا ۳۰)، خوب (۳۱ تا ۴۰) و خیلی خوب (۴۱ تا ۵۰) داده و این مطالعات را بر اساس درجه کیفیت روش‌شناختی، تقسیم‌بندی می‌کند. بر اساس این برنامه، محقق پژوهش‌هایی که به حدنصاب پایین‌تر از امتیاز ۳۱ رسیده باشند را حذف می‌کند؛ که در این پژوهش تعداد ۲۴ مطالعه باقیمانده از بررسی عنوان، چکیده و محتوای مقالات که ذکر گردید با استفاده از این برنامه ارزیابی شدند و به امتیاز حدنصاب رسیدند. سرانجام پس از مراحل پالایش، از بین ۴۱۲ مطالعه، ۳۸۸ مورد آن حذف شده و تعداد ۲۴ مقاله آماده گردید. فهرست کد مقالات و همچنین ارزیابی آن‌ها با استفاده از برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی طبق جداول شماره ۳ قید گردید:

جدول ۳- ارزیابی مقالات منتخب برحسب برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی

معیار مقاله	روش تحقیق	اهداف تحقیق	جمع‌آوری داده‌ها	روش نمونه‌برداری	منطق روش‌شناسی	طرح تحقیق	انعکاس‌پذیری	ملاحظات اخلاقی	دقت تجزیه و تحلیل داده‌ها	بیان واضح داده‌ها	مجموع امتیازات
پ ۰۱	۳	۴	۴	۴	۳	۴	۲	۵	۳	۳	۳۴
پ ۰۲	۵	۲	۲	۵	۴	۲	۴	۵	۴	۳	۳۸
پ ۰۳	۴	۳	۲	۵	۵	۵	۴	۵	۴	۴	۴۱
...
پ ۲۳	۲	۵	۴	۴	۴	۲	۲	۵	۲	۳	۳۳
پ ۲۴	۳	۳	۴	۴	۳	۴	۳	۵	۴	۵	۳۸

مرحله چهارم: استخراج اطلاعات متون مقالات

در این مرحله با مطالعه و بررسی دقیق محتوای مقالات، شاخص‌ها و مفاهیم اصلی مقالات ذکر شده نمونه‌هایی از متون و پژوهش‌های علمی در قالب جدول شماره ۷ ارائه شده است. چون داده‌ها کیفی هستند، از کدگذاری باز استفاده شد. در این روش کدها از متن مقالات استخراج شده و بر روی این کد استخراج شده دوباره کدگذاری دیگری صورت می‌گیرد تا مقوله‌ها به دست بیایند.

مرحله پنجم: تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی

پژوهشگر در این مرحله از پژوهش به موضوعاتی می‌پردازد که در مطالعات پیش رو در فراترکیب ظاهر شده‌اند. به این مورد "بررسی موضوعی" گفته می‌شود. به محض شناسایی موضوعات، یک طبقه‌بندی از آن را شکل داده و طبقه‌بندی‌های مشابه و مربوط را در یک موضوع قرار داده که آن را به بهترین گونه توصیف می‌کند (فاین گلد^{۲۴}، ۲۰۰۶). پس از گردآوری کدهای استخراجی، ماتریس فرم مقیاس‌ها شکل می‌گیرند. این کار باعث تفسیری عالی از یک مطالعه به وجود آمده که دربرگیرنده تمام زوایا و جوانب است، در نتیجه یک مدل مفهومی ترسیم می‌شود.

مرحله ششم: کنترل کیفیت

روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی با پژوهش کمی تفاوت دارد. برای روایی تفسیری از دو نفر خبرگان به‌عنوان کدگذار و مفسر استفاده شد این افراد باید تجربه، توانایی و تخصص لازم برای تجزیه تحلیل و تفسیر نتایج حاصل از این پژوهش را داشته و در جلسات فی‌مابین هماهنگی و توافق نهایی در مورد کد مورد استفاده به دست آمد. در صورتی که کد این دو محقق به هم نزدیک باشند توافق بالا را نشان می‌دهد که بیان‌کنندگی پایایی است. برای روایی نظری هم پژوهش‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که از اعتبار علمی بالایی به‌ویژه از نظر ارجاع مقالات علمی، برخوردار باشند. برای سنجش میزان توافق بین دو کدگذار از آزمون ضریب پایایی پی اسکات (Scott's pi) استفاده شده است. این روش از دیگر روش‌های محاسبه ضریب قابلیت اعتماد، مناسب‌تر است زیرا تعداد زیر مقوله‌ها را در محاسبه ضریب در نظر می‌گیرد و توافق‌های شانس را در محاسبه ضریب پایایی اصلاح می‌کند. در فرمول زیر (PRA) نشان‌دهنده درصد توافق مشاهده بین دو کدگذار و (PRE) بیانگر درصد توافق مورد انتظار است.

$$\pi = \frac{PR(\alpha) - PR(E)}{1 - PR(E)}$$

سپس با استفاده از تفسیر نتایج حاصل از پژوهش، شاخص‌ها و کدها استخراج شده و به مؤلفه‌های

طراحی مدل جامع تأثیر هوش مصنوعی بر شاخص‌های /اسماعیل قالو، لطف‌الهی حقی و پرویز

مرتبط ترتیب بندی و خوشه‌بندی شده‌اند تا در آخر مدل جامع پژوهش از آن را بتوان استخراج کرد (جدول ۴).

مرحله هفتم: ارائه یافته‌ها

پس از بررسی نهایی شاخص‌ها و طبقه‌بندی کدها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا در قالب مفاهیم و مؤلفه‌ها در نهایت پیشران‌های هوش مصنوعی و شاخص‌های حکمرانی خوب استخراج گردید که در بخش یافته‌ها و در جدول ۴ ارائه شده‌اند.

یافته‌ها

در مجموع ۱۶۲ کد شناسایی شده و دسته‌بندی شده‌اند که مجموع فراوانی کدها ۹۰ بوده و در نهایت مضامین فرعی، تجزیه و تحلیل گردیده و در سازه‌ها و مضامین اصلی طبقه‌بندی شده‌اند، لذا ۳۰ مؤلفه فرعی در قالب ۶ سازه یا مضمون اصلی که شامل شفافیت و مسئولیت‌پذیری، کارایی و در دسترس بودن خدمات، امنیت اطلاعاتی، فرایند قانونی، مدیریت زیرساخت‌ها و توسعه پایدار می‌باشند، قرار گرفته است.

جدول ۴- خوشه‌بندی و تجمیع پیشران‌های هوش مصنوعی و شاخص‌های حکمرانی:

فراوانی	منبع	کد/ شاخص‌ها	مقوله فرعی	مقوله اصلی
۱۴	پ ۰۱-پ ۰۲-پ ۰۳-پ ۰۵- پ ۰۹-پ ۱۰-پ ۱۱-پ ۱۲- پ ۱۵-پ ۱۶-پ ۲۰-پ ۲۱- پ ۲۳-پ ۲۴	الگوریتم هوش مصنوعی، حجم وسیع داده‌ها، تجزیه و تحلیل، الگوها و روندها، تولید همبستگی، اطلاعات در دسترس، بهبود شفافیت، کاهش فرصت فساد، کاهش سوء مدیریت، مدل یادگیری ماشینی، سیستم هوش، فرایند تصمیم‌گیری منسجم، منصفانه بودن، بی‌طرفی، شفافیت، ایجاد اعتماد بین دولت‌ها، نظارت موقعیت‌ها، امکان پاسخ سریع داده، فناوری تشخیص چهره، حفظ نظم عمومی، رویداد عمومی، احترام به حقوق دیگران، پردازش، تدارکات، رویه اداری، نهاد تحقیقی و حسابرسی، افزایش شفافیت،	بهبود نظارت کاربرد قوانین تجزیه تحلیل داده‌ها نظارت به موقع	شفافیت و مسئولیت‌پذیری
۱۷	پ ۰۱-پ ۰۲-پ ۰۳-پ ۰۵- پ ۰۷-پ ۰۸-پ ۰۹-پ ۱۰- پ ۱۲-پ ۱۳-پ ۱۵-پ ۱۶- پ ۱۸-پ ۱۹-پ ۲۲-پ ۲۳- پ ۲۴	تمرکز کارکنان، خودکارسازی وظایف تکراری، ارائه بهتر خدمات، ربات دیجیتال، دستیاران مجازی، فناوری بینایی ماشین، سیستم تشخیص گفتار، حل درخواست‌ها، سیستم ترافیک هوشمند، سازگاری، بهینه‌سازی مسیرها، سیستم خودکار، کاهش زمان جواب، تحلیل پیش‌بینی کننده، رسیدگی به مسائل زیرساختی بالقوه، نظارت بر حسگرها، اولویت‌بندی، به حداقل رساندن اختلالات، صرفه‌جویی هزینه‌ها، کانال دیجیتالی، پلتفرم مبتنی بر هوش، در دسترس قرار گرفتن، کارکرد تبدیل متنی، پردازش زبان کاربران، رابط مکالمه با سیستم‌ها، بهبود دسترسی کاربر، بهینه‌سازی گردش کار، ذخیره منابع، افزایش بهره‌وری	تعمیر و نگهداری کاهش زمان پاسخگویی اتوماسیون وظایف دسترسی پیشرفته خدمات شخصی سازی شده امنیت پیشرفته عملیات ساده	کارایی و در دسترس بودن خدمات

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

		سازمانی، سیستم مسیریابی هوشمند، الگوریتم زمان‌بندی، تکنیک پیش‌بینی تقاضا، ساده‌سازی فرایندها، صرفه‌جویی در هزینه و زمان، شخصی‌سازی، ترجیحات فردی، بهبود رضایت کاری، کاهش زمان انتظار، صرفه‌جویی منابع، حفاظت داده‌ها، محرمانه بودن، سیستم احراز هویت بیومتریک، روش‌شناسی امن، دسترسی به امکانات، ابزار تحلیل رفتاری، شناسایی فعالیت غیرعادی		
۱۵	پ ۰۲-پ ۰۳-پ ۰۴-پ ۰۵- پ ۰۷-پ ۰۸-پ ۱۰-پ ۱۱- پ ۱۲-پ ۱۳-پ ۱۴-پ ۱۵- پ ۱۸-پ ۲۰-پ ۲۳	تأیید هویت نهادهای احراز هویت چندعاملی، شناسایی بیومتریک، سیاست رمز عبور قوی، امنیت همراه با اطمینان، سوابق مالی، اسرار تجاری، اطلاعات شناسایی شده، ذخیره‌سازی داده‌ها، پردازش یا انتقال، تغییر، تخریب داده‌ها، محافظت برابر تهدید، بدافزار، دسترسی مداوم، سیستم اضافی، منابع تغذیه پشتیبان، طرح بازیابی بلافاصله، زیرساخت شبکه کارآمد، کنترل دسترسی به منابع، دسترسی اجباری، مدرک غیرقابل انکار، انکار مسئولیت، امضای دیجیتال، تکنیک رایج، حفاظت از داده‌ها، اشتراک اطلاعات خصوصی، رمزگذاری، ناشناس‌سازی، ابزار حیاتی در حریم خصوصی	اطلاعات محرمانه یکپارچگی در دسترس بودن احراز هویت مجوزها حریم خصوصی	امنیت اطلاعاتی
۶	پ ۰۴-پ ۱۱-پ ۱۷-پ ۱۸- پ ۲۰-پ ۲۲	بررسی اسناد، رسیدگی به اختلافات، ایجاد نظم و ساختار، سیستم حقوقی، نقش‌ها و انتظارات، پشتیبانی، مدیریت پرونده، کشف الکترونیکی، تحقیقات حقوقی، کارآمدی و اثربخشی، رابطه افراد و ادارات، رسیدگی به مجوزها، تنظیم انطباق مقرراتی، تفسیر و اجرا، اجرای قوانین اساسی، تضمین پایبندی به حقوق بشر، تفکیک قوا، کنترل و تعادل، حاکمیت قانون	قانون مدنی حقوق جزا قانون اساسی قانون اداری	فرایند قانونی
۱۴	پ ۰۱-پ ۰۲-پ ۰۳-پ ۰۴- پ ۰۵-پ ۰۶-پ ۰۷-پ ۰۸- پ ۱۱-پ ۱۲-پ ۱۳-پ ۱۴- پ ۱۷-پ ۲۳	شفافیت منابع مالی، جزئیات پروژه برنامه اجرایی، ایجاد اعتماد بین ذینفعان، مکانیسم نظارت منابع مالی، سهل‌انگاری زیرساخت انرژی، مشارکت اعضا، برنامه‌ریزی اجرا و نگهداری، سرمایه‌گذاری، چارچوب قانونی، حقوق مالکیت معنوی، حفظ حریم‌ها، رقابت عادلانه، اجرای سیاست‌ها و مقررات فراگیر، ارتقاء مسکن ایمن، رویکرد شفاف و اخلاقی، تفکیک، پردازش، اولویت‌بندی محیط‌زیست	حمل‌ونقل شفاف زیرساخت انرژی پاسخگو شبکه مخابراتی حاکمیت قانون مسکن و توسعه شهری مسئولانه مدیریت عادلانه پسماند	مدیریت زیرساخت‌ها
۲۴	پ ۰۱-پ ۰۲-پ ۰۳-پ ۰۴- پ ۰۵-پ ۰۶-پ ۰۷-پ ۰۸- پ ۰۹-پ ۱۰-پ ۱۱-پ ۱۲- پ ۱۳-پ ۱۴-پ ۱۵-پ ۱۶- پ ۱۷-پ ۱۸-پ ۱۹-پ ۲۰- پ ۲۱-پ ۲۲-پ ۲۳-پ ۲۴	سرمایه‌گذاری در فناوری، انرژی تجدیدپذیر، بهبود بهره‌وری انرژی، نگهداری عمر دارایی‌ها، وابستگی به منابع تجدیدناپذیر، کاهش هزینه‌ها، استراتژی سازگار با محیط، اجرای تصفیه فاضلاب، غیرمتمرکز، ترویج استفاده کارآمد، افزایش استانداردها، آسیب‌زیست‌محیطی، اقتصاد دایره‌ای، کاهش مصرف، بازیافت، کاهش دفع زباله، انتشار گاز گلخانه‌ای، اولویت‌بندی آموزش، فناوری و مهندسی، خلاقیت، نگهداری پایداری	انرژی سیستم تأمین آب و فاضلاب مدیریت زباله مؤسسات آموزشی	توسعه پایدار

شفافیت و مسئولیت‌پذیری، به فرآیندی اطلاق می‌شود که از طریق بهبود نظارت، اجرای دقیق قوانین و تجزیه و تحلیل داده‌ها، امکان پایش و ارزیابی مستمر، عملکرد نهادها را فراهم می‌کنند. نظارت

طراحی مدل جامع تأثیر هوش مصنوعی بر شاخص‌های/اسماعیل قالی، لطف‌اللهی حقی و پرویز

به‌موقع در این مقوله به معنای پایش فرآیندها در زمان مناسب است تا شفافیت و پاسخگویی به حداکثر برسد و نهادها بتوانند به تعهدات خود به‌درستی عمل کنند.

کارایی و در دسترس بودن خدمات، با اقداماتی نظیر تعمیر و نگهداری منظم، کاهش زمان پاسخگویی به نیاز کاربران و اتوماسیون وظایف برای افزایش بهره‌وری ارتقا می‌یابد. همچنین، دسترسی پیشرفته به خدمات، ارائه خدمات شخصی‌سازی‌شده، امنیت پیشرفته و عملیات ساده، دسترسی آسان‌تر و کارآمدتر شهروندان به خدمات را تضمین می‌کند.

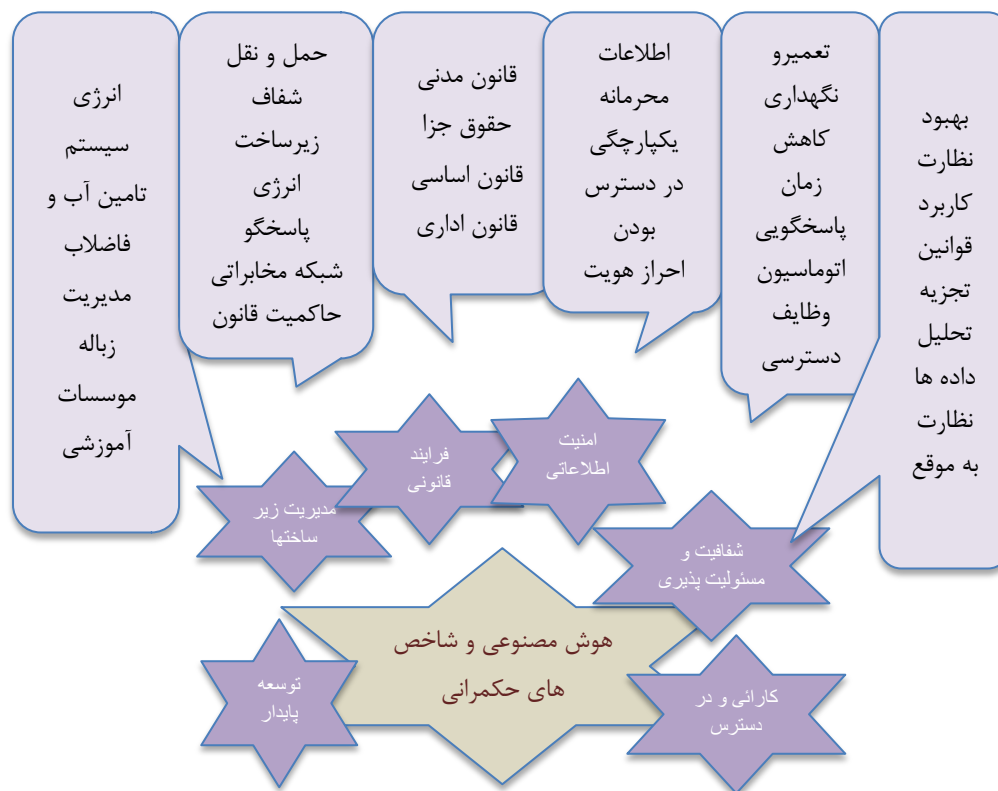
امنیت اطلاعاتی، بر حفاظت از اطلاعات حساس و شخصی تمرکز دارد و شامل اطمینان از محرمانگی، یکپارچگی و در دسترس بودن اطلاعات برای کاربران مجاز است. فرآیند احراز هویت و مدیریت مجوزها، امنیت سیستم‌ها را تقویت می‌کنند، درحالی‌که حفاظت از حریم خصوصی، اطلاعات شخصی را از دسترسی غیرمجاز مصون نگه می‌دارد.

فرآیند قانونی، با مجموعه‌ای از قوانین مانند قانون مدنی، حقوق جزا، قانون اساسی و قانون اداری ساختار و عملکرد، نظام حقوقی را تعریف می‌کند. این قوانین روابط میان افراد و سازمان‌ها را تنظیم کرده و برای حفظ نظم اجتماعی و اجرای عدالت اهمیت دارند.

مدیریت زیرساخت‌ها، به توسعه و نگهداری سیستم حمل‌ونقل شفاف، زیرساخت انرژی پاسخگو، شبکه مخابراتی تحت حاکمیت قانون، توسعه شهری مسئولانه و مدیریت عادلانه پسماند می‌پردازد. این فرآیندها برای تضمین عملکرد پایدار و پاسخگو بودن زیرساخت‌ها ضروری هستند.

توسعه پایدار، بر مدیریت منابع انرژی، سیستم‌های تأمین آب و فاضلاب، مدیریت پایدار زباله و تقویت مؤسسات آموزشی متمرکز است. این اقدامات برای حفظ منابع طبیعی، کاهش آسیب زیست‌محیطی و تضمین عدالت و فرصت برابر برای نسل آینده اهمیت دارند.

بر اساس یافته این پژوهش و رویکرد به کار گرفته‌شده بر پایه روش فراترکیب، مدل مفهومی تأثیر هوش مصنوعی بر شاخص‌های حکمرانی خوب در سیستم اداری مطابق با شکل شماره ۹، استخراج گردیده است.



شکل ۳- الگوی پیشران هوش مصنوعی و شاخص حکمرانی خوب در سیستم اداری

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش از روش هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو استفاده شد و در نهایت شش مؤلفه اصلی شامل کارایی و دسترس پذیری، شفافیت و مسئولیت‌پذیری، توسعه پایدار، مدیریت زیرساخت‌ها، فرآیند قانونی و امنیت اطلاعات، شناسایی شدند. این مؤلفه‌ها به ۲۶ مؤلفه فرعی و در مجموع ۱۶۲ شاخص طبقه‌بندی گردیدند. بررسی پیشینه مطالعات در این حوزه نشان می‌دهد که اهمیت این موضوع در تحقیقات انجام‌شده به‌خوبی مشهود است و مورد توجه اکثر سازمان‌ها و حوزه‌های حکمرانی در کشورهای مختلف قرار گرفته است. استفاده از روش نوآورانه و هوشمند می‌تواند به سیستم‌های اداری کمک کند تا خدمات بهتری ارائه دهند و کارایی و پاسخگویی بیشتری داشته باشند.

در این میان، شناخت عوامل تأثیرگذار یا پیشران‌های هوش مصنوعی می‌تواند کمک شایانی به سازمان‌ها در پیشبرد فعالیت‌ها و امور اداری داشته باشد. در این پژوهش، عوامل متعددی برای کاربرد

طراحی مدل جامع تأثیر هوش مصنوعی بر شاخص‌های/اسماعیل قالو، لطف‌الهی حقی و پرویز

هوش مصنوعی و ارتباط آن با شاخص‌های حکمرانی در ادارات شناسایی شده است. این مؤلفه‌ها خود به مفاهیم متعددی تقسیم شده‌اند. مؤلفه اصلی به چندین مفهوم فرعی تقسیم می‌شوند؛ به‌طور خاص، سازه «کارایی و دسترس‌پذیری» شامل هفت مفهوم فرعی است که ضرورت توجه به آن‌ها در سازمان را افزایش می‌دهد. دو مفهوم دیگر از سازه اصلی، یعنی «شفافیت و مسئولیت‌پذیری» و «مدیریت زیرساخت‌ها»، با طراحی مناسب می‌توانند زمینه تقویت فعالیت‌ها و ارائه خدمات واحد اداری را در سازمان فراهم کنند.

از سوی دیگر، سازه «توسعه پایدار» و مؤلفه فرعی آن ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و موجب تقویت عملکرد سازمانی و پیشرفت در امور سازمانی می‌شوند. همچنین، مفهوم «امنیت اطلاعاتی و فرآیند قانونی» که به اطمینان و اعتماد به قوانین و دستورالعمل‌های انضباطی مربوط می‌شود، می‌تواند باعث کاهش تخلفات اداری گردد.

حکمرانی خوب در یک سیستم اداری باهدف دستیابی به استفاده بهینه از منابع، انصاف و برابری در عین رعایت اخلاق و احترام به حاکمیت قانون است. محیطی مساعد برای ارائه خدمات کارآمد و مؤثر ایجاد می‌کند و سازمان‌ها و دولت‌ها را قادر می‌سازد تا به اهداف خود برسند و وظایف خود را برای خدمت به منافع عمومی انجام دهند. هوش مصنوعی به شبیه‌سازی هوش انسانی در ماشین‌هایی اشاره دارد که برای تفکر و یادگیری مانند بشر برنامه‌ریزی شده‌اند. سیستم هوش مصنوعی از سیستم خبره مبتنی بر قوانین ساده تا مدل یادگیری عمیق و پیچیده باقابلیت خودآموزی و سازگاری را شامل می‌شود. هدف نهایی تحقیقات هوش مصنوعی ساخت عوامل هوشمندی است که بتوانند درک کنند، استدلال کنند، بیاموزند، سازگار شوند و به‌طور مستقل در محیط‌های مختلف برای حل مشکلات و انجام وظایف خاص عمل کنند. باین‌حال، دوران مدرن هوش مصنوعی در اواسط قرن بیستم آغاز شد، زمانی که محققان شروع به توسعه الگوریتم‌هایی کردند که برای شبیه‌سازی استدلال انسان، حل مسئله و قابلیت یادگیری طراحی شده بودند.

کار اداری مانند پردازش اسناد، ورود داده‌ها و بازیابی اطلاعات را می‌توان باهوش مصنوعی خودکارتر کرد و زمان کارمندان را برای مسائل پیچیده‌تر آزاد کرد و خطاهای ناشی از مدیریت دستی داده‌ها را کاهش داد، همچنین با ساده‌سازی فرآیندها و حذف وظایف تکراری هوش مصنوعی، کارکنان اداری را قادر می‌سازد تا بر فعالیت‌های باارزش بالا تمرکز کنند که منجر به افزایش بهره‌وری سازمانی می‌شود. الگوریتم‌های هوش مصنوعی می‌توانند حجم وسیعی از داده‌ها را به‌سرعت و با دقت پردازش کنند و از نتایج ثابت در چندین مورد اطمینان حاصل کنند و خطر خطای انسانی را به حداقل برسانند.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

این منجر به تصمیم‌گیری دقیق‌تر، کاهش اختلافات و در کل ارائه خدمات بهتر می‌شود. علاوه بر این ابزار هوش مصنوعی می‌توانند تحلیل‌ها و بینش‌هایی در زمان واقعی نسبت به روندها و الگوهای موجود در داده‌های اداری ارائه دهند و پاسخ سریع‌تری به مسائل نوظهور و تصمیم‌گیری آگاهانه‌تر را ممکن سازند. در مورد هوش مصنوعی مطالعات فراوانی انجام شده، ولی مطالعه‌ای که در ارتباط با شاخص‌های حکمرانی در ادارات باشد، به انجام نرسیده است و همین موضوع ضرورت انجام پژوهش در این حوزه را آشکار می‌سازد، لذا در این تحقیق با استفاده از روش فراترکیب و استفاده از مطالعات پیشین به بررسی شاخص‌های حکمرانی خوب و مؤلفه‌های هوش مصنوعی پرداخته شد. در نتیجه، ادغام هوش مصنوعی در ساختار حاکمیتی فرصت‌های قابل‌توجهی را برای افزایش شفافیت، مسئولیت‌پذیری، برابری، اثربخشی و کارایی ارائه می‌دهد.

با این حال، مهم است که اهمیت هم‌راستایی برنامه‌های هوش مصنوعی با اصول حکمرانی خوب را نادیده نگیریم. دولت‌ها با اولویت دادن به جمع‌آوری و به اشتراک‌گذاری شفاف داده‌ها، فراگیر بودن، مسئولیت‌پذیری، ملاحظات اخلاقی، اثربخشی و کارایی، آموزش و توسعه مهارت، نوآوری مشترک و نظارت و ارزیابی مستمر، می‌توانند از هوش مصنوعی برای ایجاد تغییرات مثبت و ایجاد تفاوت معنادار در زندگی مردم استفاده کنند. به حداقل رساندن خطرات و پیامد منفی احتمالی این رویکرد تضمین می‌کند که هوش مصنوعی به جای تضعیف آن، به‌عنوان یک ابزار ارزشمند در ترویج حکمرانی خوب عمل می‌کند. در نهایت، یک رویکرد متفکرانه و استراتژیک برای پیاده‌سازی هوش مصنوعی به ایجاد جوامعی پاسخگو، فراگیر و عادلانه‌تر کمک می‌کند که در آن پیشرفت فناوری به نفع همه اعضای جامعه باشد. محدودیت اصلی این پژوهش وجود اطلاعات محدودی بود که پژوهشگر مکلف بود شاخص‌های موردنظر را از میان تعداد زیادی از متون انگلیسی که استخراج آن‌ها پروژه‌های زمان‌بر و مشکل بود، به دست آورد.

طراحی مدل جامع تأثیر هوش مصنوعی بر شاخص‌های/اسماعیل‌قالو، لطف‌اللهی حقی و پرویز

منابع

- ۱) الشودودی محمد اصغر، منصور محمدصادق، کوبا ح، ک، غنی ح م. (۱۴۰۱). نقش هوش مصنوعی در ارتقای سیستم‌های پشتیبان تصمیم‌گیری اداری با وابستگی به مدیریت دانش. نشریه مهندسی برق و انفورماتیک، ۱۱(۶)۳۵۷۷-۳۵۸۹.
- ۲) براینجولفسن ای، مک آبی ای. (۲۰۱۷). تجارت هوش مصنوعی چیست؟ چه چیزی می‌توانید برای سازمان خود انجام دهید و چه چیزی نمی‌توانید؟ ریو. اتوبوس هاروارد (۳)، ۷-۱۱.
- ۳) کوریا ف، فوسا ف، لورگیا ا، کوئینتارلی س، ساینزا س. (۲۰۲۳). رویکردی مبتنی بر اصول هوش مصنوعی: مورد اتحادیه اروپا. هوش مصنوعی و جامعه، ۳۸(۲)، ۵۲۱-۵۳۵.
- ۴) کرافورد ک. (۲۰۲۱). اطلس هوش مصنوعی: قدرت، سیاست و هزینه‌های هوش مصنوعی.
- ۵) دافو آ. (۲۰۱۸). حاکمیت هوش مصنوعی: یک دستور کار تحقیقاتی. آکسفورد: حاکمیت هوش مصنوعی، برنامه موسسه آینده بشریت، دانشگاه آکسفورد.
- ۶) فاینفگلد کانیت دی. (۲۰۰۶). فراترکیب حضور در پرستاری. پرستاری پیشرفته، ۵۵(۶)، ۷۰۸-۷۱۴.
- ۷) فلوریدی ال، کولز جی، کینگ تی سی، تادئو م. (۲۰۲۰). نحوه طراحی هوش مصنوعی برای خیر اجتماعی: هفت عامل اساسی، اخلاق علمی مهندسی، ۲۶، ۱۷۷۱-۱۷۹۶.
- ۸) فلوریدی ال، کولز جی، بلترامیتی ام، چاتیلا آر، چازیراند پی، دیگنوم وی. (۲۰۱۸). یک چارچوب اخلاقی برای یک جامعه هوش مصنوعی خوب: فرصت‌ها، ریسک‌ها، اصول و توصیه‌ها و ماشین‌های ذهن ۶۸۹، ۲۸-۷۰۷.
- ۹) قاسمی احمدرضا، رعیت پیشه محمدعلی. (۱۳۹۴). ارائه مدلی برای ارزیابی زنجیره تأمین. پژوهشنامه مدیریت اجرایی ۷(۱۴)، ۹۱-۱۱۲.
- ۱۰) لینسکی او. (۲۰۱۷)، قانون ال اس ای، ویژه برگزیت شماره ۷: برگزیت و صنعت فناوری بریتانیا (خلاصه خط‌مشی شماره ۲۶-۲۰۱۷) مجموعه خط‌مشی توجیهی قانون ال اس ای، مدرسه اقتصاد و علوم سیاسی لندن ۱-۴.
- ۱۱) موتی دی. (۲۰۲۱)، اجرای شیوه‌های حکمرانی خوب در ارائه خدمات به شهروندان در اداره شهر آدیس آبابا: مورد زیرشهر یکا، ۹(۱)، ۷-۲۷.
- ۱۲) نوویک پی. (۲۰۲۱). شخصیت الکترونیکی برای هوش مصنوعی در محل کار،
- ۱۳) رابرتز اچ، بابوتا آ، مورلی جی، توماسی سی، تادئو م، فلوریدی ال. (۲۰۲۳). مقررات هوش مصنوعی در انگلستان: راهی به سوی حکمرانی خوب و رهبری جهانی؟ بررسی سیاست اینترنت.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

۱۴) راهوان آی، سبریان م، اوبرادووچ ن، بونگارد جی، بونفون جی اف، بریزیل سی، لمن م. (۲۰۱۹). رفتار ماشین طبیعت، ۵۶۸(۷۷۵۳)، ۴۷۷-۴۸۶.

۱۵) سندلوسکی م، باروسو ج. (۲۰۰۷). کتاب راهنمای سنتز تحقیقات کیفی. شرکت انتشارات اسپرینگر، (۲۰۰۶)، ص ۳۱۱.

۱۶) شلزینگر پی. (۲۰۲۲). نئو مقررات پلتفرم‌های اینترنتی در انگلستان. سیاست و اینترنت، ۱۴(۱)، ۴۷-۶۲.

۱۷) سیگفردز آ، نیمینن م، لیکاس ج، پیککواهو پی. (۲۰۲۲). چگونه دولت‌های عمومی باید توسعه اخلاقی و استفاده از هوش مصنوعی را تقویت کنند؟ جلو، هوم، دینامیک. ۴، ۸۵۸۱۰۸.

۱۸) طیحاق علی. (۲۰۲۱). حاکمیت هوش مصنوعی. جامعه سیاست‌گذاری. ۱۳۷، ۴۰-۱۵۷.

۱۹) اولنیکان آی، اکه دی او، نایت دلیو، اوگوه جی، استال بی سی. (۲۰۲۱). حکمرانی خوب به‌عنوان پاسخی به نارضایتی‌ها؟ دژاوویا درس‌هایی برای هوش مصنوعی از سایر فناوری‌های نوظهور. بررسی‌های علوم میان‌رشته‌ای، ۴۶(۱-۲)، ۷۱-۹۳.

۲۰) ویپو. (۲۰۱۹). روندهای فناوری هوش مصنوعی. ژنو: سازمان جهانی مالکیت معنوی.

۲۱) ویرتز بی دلیو، وایرر جی سی، کهل ای، (۲۰۲۲). حاکمیت هوش مصنوعی: چارچوبی یکپارچه مبتنی بر ریسک و دستورالعمل فرماندار

۲۲) بانک جهانی. (۲۰۱۸). شاخص‌های حاکمیت موجود در

<https://info.worldbank.org/governance/wgi/>

۲۳) یاپ کیو، شنگ. (۲۰۰۹). حکمرانی خوب چیست"، کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه (یونیسف). ۳-۱.

۲۴) زوبوف س. (۲۰۱۹). عصر سرمایه‌داری نظارتی: مبارزه برای آینده انسانی در مرز جدید

25) Alshadoodee, H. A. A., Mansoor, M. S. G., Kuba, H. K., & Gheni, H. M. (2022). The role of artificial intelligence in enhancing administrative decision support systems by depend on knowledge management. *Bulletin of Electrical Engineering and Informatics*, 11(6), 3577-3589.

26) Brynjolfsson, E., and McAfee, A. (2017). The Business of artificial intelligence. what it can-and cannot—do for your organization. *Harvard Bus. Rev.* 7, 3-11.

27) Corea, F., Fossa, F., Loreggia, A., Quintarelli, S., & Sapienza, S. (2023). A principle-based approach to AI: the case for European Union and Italy. *Ai & Society*, 38(2), 521-535.

28) Crawford, K. (2021). *The Atlas of AI: Power, Politics, and the Planetary Costs of Artificial Intelligence*.

- 29) Dafoe, A. (2018). *AI Governance: A Research Agenda*. Oxford: Governance of AI Program, Future of Humanity Institute, University of Oxford.
- 30) Finfgled Connett, D. (2006). Meta Synthesis Of Presence in Nursing. *Journal of Advanced Nursing*, 55(6), 708-714.
- 31) Floridi, L., COWLS, J., King, T. C., and Taddeo, M. (2020). How to design AI for social good: seven essential factors. *Sci Eng Ethics* 26, 1771–1796. doi: 10.1007/s11948-020-00213-5
- 32) Floridi, L., COWLS, J., Beltrametti, M., Chatila, R., Chazerand, P., Dignum, V., et al. (2018), AI4Pe ople—an ethical framework for a good ai society: opportunities, risks, principles, and recommendations. *Minds Machines* 28, 689–707. doi: 10.1007/s11023-018-9482-5
- 33) Ghasemi, A. R., Rayat Pisheh, M., A. (2016). Presenting a model for supply chain sustainability assessment using meta-synthesis approach. *Executive Management*, 14, 91–112.
- 34) Lynskey, O. (2017). LSE law Brexit special #7:Brexit and the UK’s tech industry (Policy Brief No. 26–2017; LSE Law Policy Briefing Series, pp. 1–4). The London School of Economics and Political Science (LSE). <https://www.ssrn.com/abstract=2941375>
- 35) 11Moti, D. D. (2021). The Implementation of Good Governance Practices in Service Provisions to the Citizens in Addis Ababa City Administration: The Case of Yeka Sub-City. *Acta Humana–Emberi Jogi Közlemények*, 9(1), 7-27.
- 36) Nowik P. Electronic personhood for artificial intelligence in the workplace. *Comput Law Secur Rev* 2021:42 doi:10.1016/j.clsr.2021.105584
- 37) Roberts, H., Babuta, A., Morley, J., Thomas, C., Taddeo, M., & Floridi, L. (2023). Artificial intelligence regulation in the United Kingdom: a path to good governance and global leadership?. *Internet Policy Review*.
- 38) Rahwan, I., Cebrian, M., Obradovich, N., Bongard, J., Bonnefon, J. F., Breazeal, C Wellman, M. (2019). Machine behavior. *Nature*, 568(7753), 477–486
- 39) Sandelowski M, Barroso J. (2007). *Handbook for Synthesizing Qualitative Research*. Springer Publishing Company; 2006. 311 p.
- 40) Schlesinger, P. (2022). The neo- regulation of internet platforms in the United Kingdom. *Policy & Internet*, 14(1), 47–62. <https://doi.org/10.1002/poi3.288>
- 41) Sigfrids, A., Nieminen, M., Leikas, J., and Pikkuaho, P. (2022). How should public administrations foster the ethical development and use of artificial intelligence? A review of proposals for developing governance of AI. *Front. Hum. Dynamics* 4, 858108. doi: 10.3389/fhumd.2022.858108
- 42) Taeihagh, A. (2021). Governance of artificial intelligence. *Policy Society* 40, 137–157. doi: 10.1080/14494035.2021.1928377

- 45) Ulnicane, I., Eke, D. O., Knight, W., Ogoh, G., & Stahl, B. C. (2021). Good governance as a response to discontents? Déjà vu, or lessons for AI from other emerging technologies. *Interdisciplinary Science Reviews*, 46(1-2), 71-93.
- 46) Wipo. (2019). *WIPO technology trends 2019: Artificial intelligence*. Geneva: World Intellectual Property Organization
- 47) Wirtz, B. W., Weyerer, J. C., and Kehl, I. (2022). Governance of artificial intelligence: a risk and guideline-based integrative framework. *Gov. Inf. Q.* 39, 101685. doi: 10.1016/j.giq.2022.101685
- 48) World Bank (2018). *Governance Indicators*, Available at: <https://info.worldbank.org/governance/wgi/>
- 49) Yap Kioe, Sheng (2009). "What Is Good Governance", United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific (UNESCAP), 1-3
- 50) Zuboff, S. (2019). *The Age of Surveillance Capitalism: The Fight for a Human Future at the New Frontier of Power*. New York, NY: Public Affairs.

یادداشت‌ها:

-
- | | | | |
|----|--------------------|----|--------------------------|
| 1 | Wirtz, et al | 13 | Ulnicane, et al |
| 2 | Taeihagh, et al | 14 | Yap Kioe |
| 3 | Dafoe | 15 | Rahwan, et al |
| 4 | Sigfrids, et al | 16 | Floridi, et al |
| 5 | Lehoux | 17 | Brynjolfsson & McAfee |
| 6 | Wipo | 18 | Zuboff |
| 7 | Stuart, et al | 19 | Crawford |
| 8 | Nowik | 20 | Lynskey |
| 9 | World bank | 21 | Schlesinger |
| 10 | Roberts, et al | 22 | Moti |
| 11 | Corea, et al | 23 | Sandelowski M, Barroso J |
| 12 | Alshadoodee, et al | 24 | Finfgled |

Designing a comprehensive model for the impact of artificial intelligence on good indicators in the administrative system: metacombination characteristics

Fouad Ismail Qalo¹

Receipt: 29/09/2024

Acceptance: 18/01/2025

Mahrokh Lotf Elahi Haqi²

Mohammad Nazir Parviz³

Abstract

Artificial intelligence, as an advanced technology, is increasingly being integrated into various parts of the administrative system with the potential to revolutionize the way decision makers and politicians work and provide better services to citizens. However, its implementation should be aligned with the principles of good governance to ensure transparency, accountability, equality, effectiveness and more efficiency in these fields. Methodology: The current research is a type of documentary and secondary studies, and the required research was 412 articles from the scientific database from 1984-2024. Also, data analysis was done using the method of Sandelowski and Barroso 2006.

Findings: After the data integration stage, 26 sub-components and 162 codes were extracted from the 6 main components.

Conclusion: Based on the findings, it was determined that the efficient structure, sustainable development and infrastructure management had the highest coefficient of importance, and according to Figure 9, the artificial intelligence framework and good governance index were presented in the administrative system.

Keyword

Artificial intelligence, rulers, governance index, system, administration.

1- PhD Student, Department of Management, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran. foadesmaili81@gmail.com

2- Department of Management, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran. (Corresponding Author) lotfollahi57@gmail.com

3- PhD Student, Department of Management, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. m.nazir.parviz@gmail.com



تأثیر انقلاب‌های عربی بر امنیت رژیم صهیونیستی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۲۷ امیرحسین جوزدانی

چکیده

بیداری اسلامی در کشورهای عربی موجب ایجاد امید و تحول در بین مردم این کشورها شد. این انقلاب‌ها از سال ۲۰۱۰ میلادی نمایان گردید و موجب دگرگونی چهره منطقه و اثرگذاری‌های داخلی و خارجی شد. برخی گرایش‌های فعلی در جغرافیای استراتژیک غرب آسیا، نتیجه بیداری اسلامی در کشورهای عربی است. این گرایش‌ها صرفاً در کشورهای عربی باقی نماند و اسرائیل را نیز تحت تأثیر خود قرار داد. دیده‌بانی سازمان‌های اطلاعاتی این رژیم از جنبش‌های عربی اقدامات اطلاعاتی-امنیتی، پی‌درپی به‌منظور متوقف ساختن نیروهای انقلابی، عملیات پنهانی و خرابکارانه در درون کشورهای عربی، جمع‌آوری گسترده اخبار و اطلاعات از تحولات انقلابی، بهره‌گیری و استقرار سیستم‌های پیشرفته فناورانه علیه کشورهای عربی، بخشی از اقدامات این سرویس‌ها علیه این انقلاب‌ها می‌باشد. این مطالعه به ارزیابی امنیت اسرائیل اختصاص یافته است، زیرا اسرائیل یکی از مهم‌ترین دولت‌هایی است که رویدادهای منطقه عربی را با دقت و نگرانی زیر نظر دارد. اسرائیلی‌ها از مدت‌ها قبل نسبت به ظرفیت‌های نهفته انقلاب و مهیا بودن تمام شروط آن در کشورهای عربی مطلع بودند، زیرا استبداد در دهه‌های هشتاد و نود از قرن بیستم بر شرق اروپا، آمریکای لاتین و غرب آسیا استیلا یافته بود.

کلمات کلیدی

انقلاب، انقلاب عربی، اسرائیل، موساد، رژیم صهیونیستی.

تأثیر انقلاب‌های عربی بر امنیت رژیم صهیونیستی / جوردانی

انقلاب‌های عربی

انقلاب‌های عربی در جهان عرب فقط به کشورهای میزبان محدود نماند و اسرائیل را نیز تحت تأثیر امواج خود قرار داد. بعد از آنکه اسرائیل از شوک این انقلاب‌ها و تأثیر آن بر امنیت خود در منطقه خارج گردید و توانست وضعیت خود را در محیط بحرانی تثبیت کند به واسطه سازمان‌های امنیتی و نهادهای نظامی تصمیم‌ساز خود لحظه به لحظه تمامی رویدادهای این انقلاب‌ها را جهت پیش‌بینی رویدادهای آینده آن و تأثیرشان بر امنیت داخلی و خارجی خود را رصد می‌نماید.

همچنین ویژگی‌های اندیشه امنیتی اسرائیلی در برخورد با انقلاب‌های عربی در دو سطح کلان قابل طبقه‌بندی و تحلیل است:

- شکست فاجعه‌آمیز اسرائیل در پیش‌بینی وقوع انقلاب‌ها و مسیر آن‌ها به واسطه ناتوانی مراکز پژوهشی و دستگاه‌های امنیتی و برآوردهای امنیتی و برآوردهای بخش اطلاعات نظامی
- نگرانی شدید اسرائیل در قبال خروجی این انقلاب‌ها بر اساس برآوردهای سازمان‌های امنیتی خود

اولین شراره‌های انقلاب‌های عربی از تونس بالا گرفت و به سوی مصر و لیبی و سپس یمن و سوریه و سایر دولت‌های عربی دامن گسترده. روشن است که این انقلاب‌ها جدا از نقشی که در آینده منطقه و نقشه سرزمینی کشورهای آن ایفا می‌کنند در قالب یک زلزله امنیتی، تمام نهادهای اطلاعاتی منطقه‌ای و جهانی را در هم ریخته‌اند.

نگاه اسرائیل به انقلاب‌های عربی توأم با دیده‌بانی، پیش‌بینی و نگرانی است و بر همین اساس سرویس امنیتی اطلاعاتی اسرائیل و نظارت آن بر انقلاب‌های عربی می‌نگرد تا از این راه بر سناریوهای آینده پس از انقلاب‌ها در کشورهای عربی اشراف یابد. قدر مسلم دولت‌هایی که با اسرائیل روابط سیاسی دارند و معاهده صلح امضاء کرده‌اند، بیش از سایر دولت‌های عربی مدنظر خواهند بود.

این نوشته تصمیم دارد از مسیرهای ذیل بر تعاملات امنیتی اسرائیل با انقلاب‌های عربی متمرکز شود:

- ۱- دیده‌بانی دستگاه‌های اطلاعاتی از جنبش‌های عربی در خیابان‌های اطراف و پایتخت اسرائیل
- ۲- اقدامات اطلاعاتی امنیتی پی‌درپی به منظور متوقف ساختن پیامدهای منفی انقلاب‌های عربی

بر سرنوشت اسرائیل

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

۳- هماهنگی امنیتی سرویس‌های اسرائیل با نظام‌های عربی و سایر هم‌پیمانانش در جهان برای کنترل موج این انقلاب‌ها

مطالعه حاضر سناریوهای آینده پس از انقلاب‌ها را نیز در نظر دارد تا بر روابط بین سناریوها و امنیت اسرائیل اختصاص یافته است، خاورمیانه در سال ۲۰۱۱ میلادی وارد مسیری شده است که در مقیاس تاریخی با نهضت عربی در پایان قرن نوزده برای می‌کرد، عصری که دولت‌های عربی پس از جنگ جهانی اول از دل امپراتوری عثمانی سر برآوردند و مرزهای آنان بر اساس قرارداد بین فرانسه و بریتانیا ترسیم شد.

سرویس‌های امنیتی اسرائیل از سالیان قبل نسبت به ظرفیت‌های نهفته انقلاب و مهیا بودن تمام شروط آن در کشورهای عربی مطلع بودند، زیرا استبداد در دهه‌های هشتاد و نود از قرن بیستم بر شرق اروپا، آمریکای لاتین و غرب آسیا استیلا یافته بود. جهان در قرنی که گذشت شاهد انتقال قدرت سیاسی از دولت‌های توتالیتر به نهادهای طرفدار آزادی بیشتر، رشد اقتصادی قوی‌تر و پیشرفت فنی عالی‌تر بود. بر این اساس، سرویس‌های امنیتی اسرائیل بارها در پژوهش‌ها و حلقه‌های فکری خویش همراه این سؤال را مطرح می‌کردند که چرا جهان عرب در مسیر فوق گام بر نمی‌دارد؟

گمانه‌زنی‌های گذشته هم‌اکنون به واقعیت بدل شده و نشان می‌دهد که سرویس‌های امنیتی اسرائیل در برابر رویدادهای پیرامونی این رژیم اشغالی دست‌وپا بسته نبودند، پیگیری‌های مداوم اطلاعاتی اسرائیل از تحولات میدانی در پایتخت‌های عربی با نظر به زمینه‌های سیاسی، امنیتی و نظامی آن در همین چارچوب قابل ارزیابی است. در نظر گرفتن این مهم که بخش اعظم فعالیت‌های اطلاعاتی امنیتی اسرائیل در کشورهای عربی همچنان پنهان است، اعراب در قبال اقدامات امنیتی اسرائیل اعم از بُعد داخلی که محدود به سرزمین‌های اشغالی است و بُعد خارجی آن واکنش خصمانه دارند.

سؤال‌های این پژوهش

- ۱- چگونه دستگاه‌های امنیتی اسرائیل انتظار انقلاب‌های عربی نداشتند؟
 - ۲- ارزیابی امنیتی اسرائیل از اثرگذاری انقلاب‌های عربی بر فلسطین اشغالی چیست؟
 - ۳- نگاه دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل بر ارزیابی این انقلاب‌ها چگونه است؟
- همچنین در کنار این سؤال‌ها به مطالعه و تحلیل تعداد از مهم‌ترین سناریوهای قابل پیش‌بینی برای منطقه خاورمیانه، می‌توان پرداخت.

تأثیر انقلاب‌های عربی بر امنیت رژیم صهیونیستی / جوزدانی

دلایل و ویژگی‌های انقلاب‌های عربی

سرویس‌های امنیتی اسرائیل از طریق مراکز پژوهشی مرتبط با دستگاه‌های امنیتی و نظامی به آماده‌سازی ارزیابی‌های پی‌درپی از انقلاب‌های عربی سرگرم است. این ارزشیابی‌ها طیفی از دلایل، عوامل، ملاحظات، اعتبارات، روزشمار، طرفداران و همراهان انقلاب‌ها را در برمی‌گیرد.^۱ از لابه‌لای تحقیقات منتشرشده توسط متخصصان اسرائیلی می‌توان به ویژگی‌های بسیار درباره انقلاب‌های عربی پی برد که عبارت‌اند از:

۱. انقلاب‌های عربی بدون رهبری است، به‌سختی می‌توان نام‌هایی را به‌عنوان رهبر جنبش‌ها مطرح کرد، شخصیتی قوی که بتواند این جنبش‌ها را رهبری کند یافت نمی‌شود؛
 ۲. انقلاب‌ها از ایدئولوژی سیستماتیک برخوردار نیست؛ اما از زمانی که اخوان المسلمین با فرایند انقلاب همراه شده است؛ رویکردی عقیدتی با محوریت اسلام سیاسی در جنبش دیده می‌شود. این در حالی است که مجموع دولت‌های عربی علاوه بر میراث سیاسی و تاریخی منحصر به خود، نمودی از مسائل قومی، دینی، اجتماعی و اقتصادی مختلف هستند؛
 ۳. قدرت شبکه‌های اجتماعی باید در نظر گرفته شود؛ زیرا اعراب از آن‌ها استفاده می‌کنند، پس نمی‌توان شبکه‌های اجتماعی را مسدود کرد. در حال حاضر نیز خاورمیانه و کشورهای عربی شاهد رشد شبکه‌های اجتماعی به‌مراتب قوی‌تر از فیس‌بوک و الجزیره هستند. مساجد نیز در کنار شبکه‌های اجتماعی وارد کارزار انقلاب شده‌اند؛ اعراب در هر شبانه‌روز برای پنج بار در مساجد گرد هم می‌آیند. از سوی دیگر، انجمن‌های رفا، تربیت، هم یاری و دعوت اخوان المسلمین نیازمندی‌های شهروندان کم‌درآمد را برطرف می‌کنند. با این حساب نتیجه انتخابات در مصر و تونس را باید فیصله یافته [به نفع انقلابی‌ها] در نظر گرفت.
- اسرائیلی‌ها با تکرار کلمه‌های زلزله، طوفان، آتش‌فشان و تحرکات در توصیف رویدادهای بهار عربی، صاحب‌گفتمان ویژه خود هستند؛ زیرا نظام‌های عربی پس از دهه‌ها پایداری اکنون در خطر سقوط قرار گرفته‌اند و به دنبال آن‌ها تمام منطقه در خطر بی‌ثباتی است.
- ناآرامی‌ها در جهان عرب به نام مدرنیته، سکولاریسم و دموکراسی آغاز شد و به‌سرعت به سمت قیام‌های گسترده پیش رفت. بعداز آن انقلاب‌ها به جنبش‌های مقاومت ثبات منطقه را به چالش کشیدند و به توانمندی نظام‌های اسلامی کمک کردند.^۲

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

ژنرال گیورا ایل‌اند^۳، رئیس پیشین موسسه پژوهش‌های امنیت ملی اسرائیل و یکی از متفکران امنیتی اسرائیل که به مراکز تصمیم‌گیری در تل‌آویو نزدیک است، درباره انقلاب‌های عربی هشدارهای متوالی داد و گفت: اگرچه انقلاب بزرگ و با تغییرات ریشه‌ای در صحنه منطقه و همچنین در روابط دوجانبه سیاسی و اقتصادی دیگران با اسرائیل رخ نداده، ولی تغییرات تاکتیکی در قالب گسترش قاچاق سلاح و عملیات‌های خصمانه پدیدار شده است؛ اما با وجود این خطر واقعی در پیامدهای صدور بهار عربی به دولت‌های هم‌جوار اسرائیل به‌ویژه پادشاهی اردن نهفته است؛ زیرا انقلاب دمکراتیک اردن زمینه قدرت‌یابی اکثریت فلسطینی ساکن این پادشاهی را فراهم می‌آورد و به دنبال آن ماهیت درگیری اسرائیلی فلسطینی با فرض ارائه پیشنهاد‌های جدید برای حل و فصل ماجرا تغییر می‌کند.

به این ترتیب در همان زمان، اسرائیلی‌ها ترسشان را نسبت به اثرپذیری منفی از انقلاب‌های عربی بابت سیطره جنبش‌های اسلامی بر این انقلاب‌ها پنهان نکردند؛ زیرا این جنبش‌ها بیش از پیش از گروه‌های دیگر فرایند تحولات سیاسی جوامع دستخوش انقلاب، مشارکت داشتند. سوارشدن جنبش‌های اسلامی بر موج انقلاب‌ها با ناامیدی اعراب از حل و فصل قضیه فلسطینی‌ها و اسرائیل و از دست رفتن فرصت‌های پیاپی برای حل اختلاف‌ها مصادف شده است.

یوسی ورتز؛ مستشرق اسرائیلی می‌گوید ((کارشناسان امنیتی اسرائیل در توصیف جنبش‌های منطقه عنان از کف داده و از عبارت سونامی عربی استفاده می‌کنند که استقرار اسرائیل را در خانه‌اش، به خطر انداخته است. آنان از ناظران امر می‌خواهند با چشمان باز و با لزوم تقویت سازوبرگ امنیتی خویش برای انواع سناریوهای ممکن به‌ویژه از اعتبار افتادن توافقنامه‌های پیشین یا هر تغییر دیگر در حاکمیت طرف عربی آماده باشند)).^۴

سیلوان شالوم، معاون اسبق نخست‌وزیر اسرائیل، نیز با اطمینان می‌گوید: انقلاب‌های عربی منطقه به‌منزله یک فاجعه برای اسرائیل است؛ زیرا هم‌پیمانان اسرائیل، حسنی مبارک، بن علی را از قدرت ساقط کرد و فرمانروایانی که دوست اسرائیل نخواهند بود را بر سرکار آورد.^۵

اسرائیلی‌ها تلاش می‌کنند تا دامنه وسیع انقلاب‌های عربی و خروجی این انقلاب‌ها و تأثیر آن بر آینده رژیم اشغالگر را در دو نقطه مشخص کنند.

۱. نقطه اول: ضعف دولت‌های هم‌پیمان با غرب به دنبال کاهش نفوذ آمریکا در خاورمیانه، علاوه بر کاهش قدرت اعراب به نفع دیگران از جمله ایران و ترکیه

۲. نقطه دوم: شکل‌گیری صحنه جدید در منطقه با استعداد تهدیدات بی‌شمار برای اسرائیل که در موارد زیرنمایان می‌شود.

تأثیر انقلاب‌های عربی بر امنیت رژیم صهیونیستی / جوزدانی

الف) شک و تردید نسبت به رفتار حاکمان دولت‌های هم‌جوار با فلسطین اشغالی نسبت به انقلاب‌ها و تهدیدها و چالش‌های برخاسته از آن؛
ب) افزایش فعالیت‌های خصمانه؛
ج) کاهش قدرت بازدارنده اسرائیل؛
د) رشد انزوای منطقه‌ای اسرائیل؛
و) ادامه چالش هسته‌ای ایران؛^۶

اما بخش سیاسی انقلاب‌های عربی یک تنگنای استراتژیک برای اسرائیل می‌آفریند که به‌صورت مستقیم بر وضعیت سیاسی اسرائیل اثر مخرب می‌گذارد. از جمله:

۱. افزایش انزوای اسرائیل در منطقه به دنبال سقوط حسنی مبارک، در مصر که هم‌پیمان مهمی برای اسرائیل به حساب می‌آمد
۲. نگرانی اسرائیل از نتایج درگیری بین نیروهای دموکراسی خواه و اسلام‌گراها بر سر حاکمیت در کشورهای عربی در مرحله پس از انقلاب. اسرائیل بابت حل‌وفصل درگیری به نفع اسلام‌گراها و قدرت‌یابی آنان در وحشت به سر می‌برد.
۳. از بین رفتن نقش منطقه‌ای حسنی مبارک به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین دوستان اسرائیل و به دنبال آن از بین رفتن توازن دقیق قوا در خوار میانه به زبان اسرائیل با نظر بیامین بن الیعزر^۷
۴. وحشت اسرائیل از تبدیل شدن تدریجی مصر به دولتی قوی در منطقه مانند ایران و ترکیه تا جایی که اسرائیل در برابر یک محور منطقه‌ای با حضور ایران و ترکیه و مصر قرار گیرد.
۵. نگرانی از ادامه بی‌ثباتی در منطقه عربی و این مسئله برای اسرائیل به‌مراتب از موضوع دموکراسی مهم‌تر است.

در پرتو دگرگونی‌های دنباله‌داری که در انقلاب‌های عربی به وقوع می‌پیوندد، دو چالش اساسی پیش روی اسرائیل قرار می‌گیرد که به شرح ذیل است.

۱. سطح اول: به‌صورت مستقیم متوجه وضعیت مصر است؛ زیرا وقتی که در مصر یک نظام دموکراتیک معتدل بر سرکار بیاید اسرائیل نیز به دلیل همسایگی با مصر در موقعیت سختی قرار می‌گیرد و با مشکلات دشواری روبه‌رو می‌شود که ساده‌ترین راه بیان آن چنین است: یقین به شک یا به عدم اطمینان تبدیل می‌شود؛
۲. سطح دوم: به نتایج کلی در خاورمیانه مربوط می‌شود: زمانی که جنبش‌های مردمی ثبات سیاسی را در دولت‌هایی که سر جنگ با اسرائیل ندارند بیش از سایر کشورها متزلزل کنند. پادشاهی

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

اردن و حکومت خود گران فلسطین بر اساس نظر اسرائیل در زمره دولت‌های معتدل هستند. افرادی که قائل به سناریوی سطح دوم هستند، حتی ذره‌ای به عواقب این تهدید خوش‌بین نیستند.

مشکل استراتژیک اسرائیل به دنبال انقلاب‌های عربی در انزوای حداکثری این رژیم در خاورمیانه و از دست دادن دوستانش قابل‌تعبیر است. این مهم با فروپاشی پیمان ترکی اسرائیلی، انزوای گسترده اسرائیل در منطقه و ضعف آشکار آمریکا در خاورمیانه پدیدار شده است؛ بنابراین شرایط، اسرائیل باید به دنبال هم‌پیمانان جدید باشد و این چالشی است که ایتمار لوین، پژوهشگر دیپلماسی اسرائیل به آن پرداخته و معتقد است تحولات کنونی از اسرائیل مطلبد تا آمادگی تاکتیکی و استراتژیکی خود را در سطوح مختلف به شدت بالا ببرد.^۸

به نظر می‌رسد قوی‌ترین جملات در رابطه با بن‌بست اسرائیل در برابر انقلاب‌های عربی بر زبان رئیس سابق این رژیم، شیمون پرز جاری شده است که به روشنی بر بدبینی او نسبت به وضعیت بین‌المللی اسرائیل اشاره دارد. او گفت حتی یک نفر هم نمی‌داند اعتراضاتی که کشورهای عربی را در بر گرفته چگونه پایان خواهد یافت؛ زیرا تندروهای اسلام‌گرا در مصر و تونس توانسته‌اند در هرم قدرت بالا بروند و نیروهایشان را مستحکم کنند.

بر اساس این مطالبی که مطرح شد گرایش غالب در تحلیل اسرائیلی‌ها از انقلاب‌های عربی بر این مهم تأکید دارد که رویدادهای پیرامونی هشدار برای تغییر محیط استراتژیک اسرائیل و برچیده شدن قضاوت‌های سابق است؛ زیرا تفکر سیاسی اسرائیل تا پیش از بهار عربی اسیر صورتی قدیمی بود که از جنبش‌های مردمی در سال‌های گذشته برای خود رسم کرده بود؛ دولت‌های عربی بر اساس این تصور قدیمی توجهی به نوسان تغییرات جامعه عربی از سال ۱۹۷۳ نداشته است یا به عبارت درست‌تر، مجال به‌روآوری پیدا نکرده است.

بازگشت به گذشته امکان ندارد، این درسی که اسرائیل باید از انقلاب‌های کنونی بگیرد و با پیامدهای دشوار آن‌ها دست‌وپنجه نرم کند. تجربه ثابت کرده که نهایت تصمیم با مردم و آینده در دستان آن‌هاست. این یعنی اسرائیل باید در سیاست گذشته خویش تغییرات ریشه‌ای ایجاد کند و بداند که ادامه سیاست‌های سابق که در دهه اخیر با افراط‌گری بیشتری همراه شده دیگر ممکن نیست؛ دوره‌ای که احزاب راستی‌تر شده‌اند و قواعد جدید اسرائیل برای حل‌وفصل مناقشه عربی اسرائیلی به معنای جنگ ابدی خواهد بود.^۹

ذکر این نکته ضروری است که دیدگاه فوق در ابتدای قیام‌های عربی برای اسرائیلی‌ها ایجاد شد؛ اما باگذشت حدود یک سال به‌ویژه پس از انقلاب مصر در اواسط سال ۲۰۱۳ موضع‌گیری اسرائیلی‌ها نیز

تأثیر انقلاب‌های عربی بر امنیت رژیم صهیونیستی / جوردانی

تغییر کرد؛ نیروهای امنیتی اسرائیل متوجه شدند دگرگونی‌های اطرافشان با وجود زیان‌هایی که به وجود آمده، به نفع آن‌ها نیز تمام شده است. به عبارت دیگر، صرف‌نظر از سقوط تعدادی از رژیم‌های موافق با کیان اسرائیلی، اما دامنه اعتراضات به کشورهای ضد اسرائیلی از جمله سوریه نیز کشیده شده است و نظامی که تا چندی پیش دشمن سرسخت اسرائیل به حساب می‌آمد، اکنون درگیر جنگ داخلی شده و به دنبال آن تهدیدات پیرامونی رژیم اسرائیل نیز فروکش کرده است. به‌ویژه آنکه رفتار مشابه ارتش‌های عربی سوریه و مصر با مردم باعث شد تا ارتش‌های سوریه، مصر و عراق (به خاطر درگیری با داعش) دیگر به مناقشه عربی اسرائیلی فکر هم نکنند.

با تمام این تفاسیر اما محیط استراتژیک اسرائیل تا قبل از جنبش‌های عربی وضعیت بهتری داشت. سرویس امنیتی اسرائیل در همان اوایل اطمینان حاصل کرد که جوانی به اسم محمد بو عزیز، در شهرستان سیدی بو زید تونس، در اعتراض به اوضاع بد اقتصادی خودش را به آتش کشیده است.

حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مصر به فاصله هجده روز از کرسی قدرت به زیر کشیده شد. جوانان یمنی تجربه میدان‌التحریر مصر را تکرار کردند و جهانیان را با حضور پرشور و انقلاب مسالمت‌آمیز خویش شگفت‌زده کردند و انقلابی‌ها در لیبی در هفدهم فوریه کار خود را برای سرنگونی قذافی و روی کار آوردن نظام جدید آغاز کردند.

مراکز پژوهشی و تصمیم‌ساز اسرائیل به دنبال شکل‌گیری قطب مردمی تلاش کردند و به یک سؤال اساسی پاسخ بدهند؛ اسرائیل چگونه می‌تواند از اغتشاشات کنونی خاورمیانه در راستای بهبود و استحکام سیطره خویش بر منطقه بهره‌برداری کند و قیام‌های فعلی را به خدمت خویش در آورد؟ اسرائیل با چشمان خود دید که جمعیت متراکم توانست در تونس و مصر دو رئیس‌جمهور به نام‌های زین‌العابدین، حسنی مبارک را سرنگون کند. حال این جمعیت اعتراضی در حال گستردن دایره نفوذشان در همه خاورمیانه بودند.

حلقه‌های امنیتی اسرائیل به هنگام برآورد موقعیت استراتژیک این رژیم در برخورد با انقلاب‌های عربی گزینه‌هایی را مطرح کرده‌اند که به شرح ذیل است:

۱. بی‌ثباتی اسرائیل و شکل‌گیری ساختارهایی که آشتی‌جویی کمتری با رژیم خواهند داشت
۲. نیرومند ساختن ائتلاف ضد ایرانی در خلیج‌فارس به منظور مقابله با افزایش نفوذ این کشور در سوریه و لبنان
۳. امکان بروز درگیری طولانی‌مدت با سوریه و فلسطینی‌ها

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

۴. کاهش وزنه منطقه‌ای مصر و سوریه به دلیل سرگرم شدن به درگیری‌های داخلی و افزایش تأثیر منطقه‌ای ترکیه و عربستان سعودی

۵. فشار بر حزب‌الله این امکان را فراهم آورد تا مسائل امنیتی با لبنان به گونه‌ای حل و فصل شود که بتواند از ثبات آن تا حدی زیادی اطمینان داشت.^{۱۰}

برداشت امنیتی اسرائیل در تفسیر انقلاب‌های عربی گرد محورهای در گردش است:

۱. تمام شرایط قیام‌های عربی از سال‌های دور فراهم بوده است. نظام‌های استبدادی در سال‌های دهه هشتاد و نود قرن بیستم در بسیاری از مناطق جهان از جمله شرق اروپا، آمریکای لاتین و آسیا بر سرکار آمدند. درحالی‌که هم‌زمان دنیای ما شاهد تغییراتی نیز در نظام‌های توتالیتر بود و همین دولت‌های اقتدارگرا به سمت فضای باز، اعطای آزادی‌ها، پیشرفت اقتصادی و مدرن سازی گام برداشتند.

۲. انقلاب‌های عربی از پشتوانه رهبری محروم بودند؛ بنابراین دستگاه‌های امنیتی اسرائیل به‌سختی می‌توانستند نام‌هایی را به‌عنوان رهبران قیام‌ها مطرح کنند و به‌عبارت‌دیگر از آن دست شخصیت‌های برجسته دیگر انقلاب‌ها نمی‌توان سراغی گرفت.

بنیان امر در تمام کشورهایی که فرایند انقلاب در آن‌ها تکمیل شده و یا زدوخورد در آن‌ها همچنان ادامه دارد از میان آوردن اساس حاکمیت سیاسی خویش اعم از اینکه مبنا مردم یا قرآن یا سنت باشد خودداری می‌کنند. اسمی هم از دکترین اقتصادی دولت‌های انقلابی به میان نمی‌آورند که مثلاً قرار است با کدام‌یک از شیوه‌های سوسیالیستی یا سرمایه‌داری یا اسلامی کشور را از بحران‌های دیرینه اقتصادی رهایی بخشند؟^{۱۱}

نگرش‌های اسرائیل در قبال انقلاب‌های عربی (برندگان و بازندگان)

اسرائیل باگذشت چهار سال از شروع انقلاب‌های عربی و وارد شدن آن به پنجمین سال همچنان مثل روز اول در حال چارچوب‌بندی برندگان و بازندگان بازی است.

رویدادهای جهان عرب در مسیرهای مختلف و حتی متضاد با یکدیگر در حال حرکت هستند، درحالی‌که راه نرفته بیش از مسافتی است که پیموده شده است و اکثر شاخص‌های منطقه‌ای توازن بین قوا را نشان می‌دهند؛ اما باوجوداین سرویس‌های امنیتی اسرائیل بنا بر مصالح رژیم اشغالگر، پیوسته در حال بررسی داده‌های اطلاعاتی خویش هستند تا بتوانند یک پاسخ اساسی به این سؤال بدهند: برندگان و بازندگان زمین انقلاب‌های عربی چه کسانی هستند؟

تأثیر انقلاب‌های عربی بر امنیت رژیم صهیونیستی / جوردانی

تیم اول: برندگان

الف) جنبش‌های اسلامی

جنبش‌های اسلامی برنده بزرگ بازی در سال اول انقلاب‌های عربی (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲) در تونس، لیبی، مصر و سوریه دستخوش جنگ داخلی بودند تا حدی که علائم صعود آنان در هرم قدرت کشورهای خاورمیانه آشکار شد؛ اما در حوزه مسائل استراتژیک، رئیس پیشین شاباک، کرمی گلگون، وحشت خود را درباره نفوذ رو به فزونی اخوان المسلمین در مصر بنا به دلایل ذیل علنی کرد:

۱. عقیده اخوان المسلمین درباره اسرائیل متفاوت از سکولارها است،
۲. اخوان المسلمین در قیاس با نیروی سیاسی حاضر در منطقه از انسجام سیاسی و اجتماعی به مراتب بهتری برخوردار است؛
۳. اگر میدان تحریر مصر از حامیان آن‌ها پر شود خودبه‌خود مجوز قانونی بودن فعالیت‌های آنان صادر می‌شود.

ب) قطر

نظر سرویس‌های امنیتی اسرائیل بر این است که شبکه قطری الجزیره با میزانی از چهره‌های برجسته انقلاب‌های عربی و افراد تصمیم‌گیرنده در این انقلاب‌ها علاوه بر نقش منحصر به فردی که در تحریک جنبش‌های عربی بازی می‌کند به دنبال تثبیت موقعیت منطقه‌ای خویش است. بر همین اساس، کارشناسان حمله بی‌امان خود را برای تخریب چهره شبکه الجزیره و زیر سؤال بردن صداقت این خبرگزاری شروع کردند. مرکز گفتگوهای استراتژیک دانیال آهام، سمیناری با موضوعیت عملکرد شبکه الجزیره در فرایند انقلاب‌های عربی با مشارکت اپرایم سنه، جانشین وزیر پیشین دفاع اسرائیل در دانشکده نتانیا، برگزار کرد. او مدعی شد که شبکه الجزیره به محور مقاومت ضد اسرائیلی پیوسته است و بر اساس تمام معیارها برای اسرائیل یک دشمن و یک خطر وجودی به شمار می‌آید. او ادامه داد که شبکه الجزیره درگیری بین اسلام‌گراها و بین کسانی که می‌خواهند در اردوگاه غرب باشند را مدیریت می‌کند.^{۱۲}

ج) ترکیه

مطابق با ارزیابی امنیتی اسرائیل، ترک‌ها خود را برنده انقلاب‌های عربی تصور می‌کنند، به عبارت دیگر، آن‌ها با وجود پرداخت هزینه سنگین سیاسی بابت موضع‌گیری مبهم در قبال بحران لیبی، زیان دهی میلیاردها دلاری در سرمایه‌گذاری‌های لیبی و سوریه، برخورد با چالش‌های سخت به

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

خاطر هم‌جواری با سوریه و دست‌وپنجه نرم کردن با جنبش کردها در داخل، اما همچنان خود را برنده ناآرامی‌های جهان عرب می‌دانند.

افرا بنجیو، مسئول سابق امنیتی موساد در بخش کردهای خاورمیانه گفت ترکیه در پرتو نوسانات خاورمیانه به دستاوردهای بسیاری دست‌یافته است. برای مثال حادثه کشتی ماوی مرمره در سال ۲۰۱۰ و موضع‌گیری آن‌ها در قبال یورش اسرائیل بر غزه که عملیات الرصاص المصبوب، در سال ۲۰۰۹ مشهور است، ناگهان موقعیت ترک‌ها را در جهان عرب تقویت کرد، به‌گونه‌ای که آنان اجازه یافتند وارد بازار و بسیاری دیگر از کانال‌های عربی شوند.^{۱۳}

د) اسرائیل

واگرایی و به خود سرگرم شدن محیط شدن استراتژیک پیرامون اسرائیل از منظر امنیتی به نفع اسرائیل تمام شد. تعدادی از امنیتی‌های اسرائیلی از جمله موشه یلعون وزیر جنگ اسرائیل، گیورا ایل‌اند و عاموس یدلین هرچند به‌صورت پراکنده در این باره سخن گفته‌اند.

تیم دوم: بازندگان

زمانی که سخن از بازندگان انقلاب‌های عربی به میان آمد، سرویس‌های امنیتی اسرائیل به‌صورت مشروح و مفصل به ارزیابی‌های دوره‌ای پرداختند و اسامی بازندگان انقلاب‌ها را به شرح ذیل مشخص کردند.

الف) حاکمان عرب

رهبران مصر، تونس، لیبی و یمن سرنگون شدند و صدها هزار نفر در لیبی و سوریه کشته شدند و فریاد خشم مردم در سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی این شش دولت طنین‌انداز شد.

ب) ایالات متحده آمریکا و غربی‌ها

دو هم‌پیمان مهم ایالات متحده در مصر و تونس سرنگون شدند و سرنگونی مبارک به شکل ویژه برای سعودی و اسرائیل گران تمام شد، علاوه بر این‌ها به‌موازات بی‌ثبات شدن لیبی و یمن فرصت نیرومندی القاعده در منطقه فراهم آمد.

ج) اسرائیل

به نظر می‌رسد اسرائیل به بدترین وجه بازنده انقلاب‌های عربی است و همچنان انتظار می‌رود وضعیت به زیان این رژیم ادامه داشته باشد. ممکن است به نظر به برسد که اسرائیل به آرامش نسبی پس از طوفان انقلاب‌ها و تغییرات عربی رسیده است و افق رویدادها هرگز به نفع اسرائیل نخواهد بود.

د) ایران

ایران در ابتدای انقلاب‌های عربی بابت سرنگونی حکومت‌های سرسپرده به غرب و هم‌پیمان اسرائیل راضی به نظر می‌رسید. خوشحالی ایران زمانی بیشتر شد که شیعیان بحرین علیه آل خلیفه قیام کردند و قیمت جهانی نفت نیز رو به افزایش گذاشت؛ اما با رسیدن بهار عربی به سوریه، هم‌پیمان بزرگ ایران در جهان عرب، ناگهان دچار زیان جبران‌ناپذیری گردید؛ زیرا تهدید حاکمیت سوریه به تقویت پایگاه سلفی‌ها در سعودی و تضعیف حاکمیت شیعه منجر می‌شد.

بر اساس مطالعات و ارزیابی‌های صورت گرفته، تغییرات جهان عرب به نفع جمعیتی رقم خورد که با آمریکا دشمنی ریشه‌ای دارند.

مئیر لیتواک، تحلیلگر ارشد دانشگاه تل‌آویو در امور ایران اعتقاد دارد که هرچند ایران بابت سقوط مبارک در مصر نفسی راحت کشید، اما در روند انقلاب‌های مداوم عربی ضررهای بسیاری دیده است. برای نمونه ایران هنوز نتوانسته است با نصر بعد از حسنی مبارک ارتباط قدرتمندی برقرار کند. (محمد مرسی رئیس‌جمهور گذشته مصر که تنها شخصی است که به‌صورت دمکراتیک انتخاب شده به در حاشیه دیدار با رئیس‌جمهوری وقت ایران (محمود احمدی‌نژاد) در اجلاس سران غیر متعهدها دیدار داشته است و بیان نمود ایران کشور دوست و برادر ما می‌باشد).

یادآوری این نکته ضروری است که در ارزیابی برندگان و بازندگان انقلاب‌های عربی نوعی عدم استقرار و سیالیت وجود دارد، برای مثال حتی درباره اسرائیل که بابت شعله‌ور شدن انقلاب در مصر و سقوط مبارک، خسارت سنگینی متحمل شد و به‌سرعت از شورش‌های سوریه ابراز شادمانی کرد نمی‌توان نظر ثابتی ارائه کرد.

اسرائیل مصادف با شعله‌ور شدن انقلاب‌های عربی و تا هم‌اکنون موضعی خصمانه در قبال آن‌ها در پیش گرفته است. این برداشت منفی به عواملی برمی‌گردد که به تعدادی از مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم:

۱. نظام مصر به‌عنوان مهم‌ترین هم‌پیمان اسرائیل در دهه‌های گذشته در امواج انقلاب غرق شد. این در حالی است که خدمات مصر مبارک به اسرائیل قابل ارزش‌گذاری نیست.

۲. ظرفیت واقعی و قابل‌لمس انقلاب‌ها به آن‌ها امکان می‌دهد دولت‌های عربی را از ساختار استبدادی و فاسد موجود رهایی بخشند و نظامی دمکراتیک و مدرن بر سرکار بیاورند. نظام‌های برآمده از انقلاب‌ها علاوه بر گسترش آزادی مدنی مدرن سازی کشورهای عربی می‌توانند خود را با گذشته، حال حاضر و محیط عربی سازگار کرده و برای بازیابی آرامش، اقتدار و استقلال عربی فعالیت کنند. این

چیزی است که اسرائیل علاقه‌ای به آن ندارد.

۳. اسرائیل با حاکمیت دموکراسی در کشورهای عربی منطقه مخالف است و ادامه کار نظام‌های دیکتاتوری را در کشورهای عربی ترجیح می‌دهد؛ زیرا هم این نظام‌ها و هم اسرائیل از خطر اسلام سیاسی هراس دارند. علاوه بر این، اسرائیل بر اساس تجربه می‌داند که برقراری آشتی و پیگیری منافع مشترک خانواده‌های حاضر در رأس حکومت‌های استبدادی و فاسد به مراتب شدنی‌تر است تا اینکه بخواهد با نظام‌های مردم‌سالار رابطه دوستی و مودت برقرار کند.

۴. انقلاب‌های عربی اهمیت افکار عمومی اعراب را با این ویژگی که مخالف سیاست اسرائیل هستند بر ملا کرد.

با وجود آنکه سرویس‌های امنیتی اسرائیل بارها از دولت اشغالگر خواستند به آشکار در حمایت از یک طرف و مخالف با طرف دیگر موضع‌گیری نکنند و وانمود کنند در رابطه با انقلاب‌ها و جنبش‌های عربی بی‌طرف است؛ اما آنچه در خیابان‌های قاهره، تونس، طرابلس، دمشق و صنعاء روی داد به ما ثابت کرد قیام‌های عربی فقط یک موضوع داخلی نیست بلکه منافع و مصالح اسرائیل از این قیام‌ها متأثر هست.

دو سرویس امنیتی موساد و آمان به خاطر وحشت از اثرگذاری ناگهانی تحولات منطقه بر امنیت اسرائیل در حال جمع‌آوری فوجی از گزارش‌ها و اخبار اطلاعاتی هستند که توسط پیگیری‌های رسمی اسرائیل در رابطه با تحولات کشورهای منطقه در ابعاد سیاسی، نظامی، امنیتی و استراتژیک هستیم.

دستگاه‌های امنیتی. اداره‌های تصمیم‌سازی اسرائیل جلساتی را با مشارکت اعضای کابینه وزیران با تخصص امور سیاسی و امنیتی، افسران بلندپایه بخش اطلاعات نظامی و تمام گروه‌ها و مراجع متخصص در برآورد موقعیت‌ها به منظور بحث و بررسی درباره گزارش‌های اطلاعاتی میدانی از صحنه منطقه تشکیل دادند. خروجی این جلسات بر این تکیه داشت که اسرائیل باید حداکثر فرصت‌ها را با در نظر گرفتن خطرهای ناشی از زلزله انقلاب‌های عربی به دست بیاورد.

تونس‌ها پیش‌قدم تحولات جهان عرب شدند، اما انقلاب مصر و شورش‌های داخلی سوریه بود که توسط اسرائیل به عنوان تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی در نظر گرفته شد؛ زیرا هم مصر و هم سوریه اهمیت تاریخی، جغرافیایی و جمعیتی برخوردار هستند و هر حادثه‌ای که این دو کشور را با خود درگیر کند می‌تواند انزوا و محاصره بین‌المللی اسرائیل را تشدید کند و بر توازن قوای منطقه نیز تأثیرگذار باشد.^{۱۵}

جایگاه اسرائیل در انقلاب‌های عربی

اسرائیل در دهه‌های گذشته همواره بر سیاست همسایه‌های ضعیف، پراکنده و بی‌طرف متمرکز بوده

تأثیر انقلاب‌های عربی بر امنیت رژیم صهیونیستی / جوردانی

است؛ بنابراین طبیعی است که این رژیم در طول چهار سالی که از شروع انقلاب‌های عربی می‌گذشت (۲۰۱۱-۲۰۱۵) تا هم‌اکنون در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در تنگنای استراتژیکی، امنیتی، نظامی به سر می‌برد.

آهارون زیوی فرکش، رئیس پیشین بخش تحقیقات در اطلاعات نظامی اسرائیل عقیده دارد انقلاب‌های عربی آرامش اسرائیل را به‌واسطه بر هم زدن واقعیت ایده آل برای این رژیم بر هم زده است. اردن به حاشیه رانده شده است، لبنان غرق در هرج‌ومرج و درگیری‌های داخلی است و مصر از همه مهم‌تر است، زیرا یک‌طرف توافقنامه‌های صلحی است که بندهای آن عدم درگیری در صحرای سینا را تضمین می‌کند و سوریه همچنان ظرفیت خطرآفرینی را دارد؛ اما در حقیقت این مسئله جدی نیست، زیرا بخش قابل توجهی از تمرکز سوریه صرف سیطره بر لبنان می‌شود.^{۱۶}

تحلیل استراتژیک اسرائیلی‌ها در رابطه با انقلاب‌های عربی شکل اسفناکی در پیش‌بینی رویدادها و سرنوشت قیام‌ها با شکست مواجه شد. مراکز پژوهشی، سرویس‌های امنیتی و ارزیابی‌های اندیشمندان این رژیم حتی با وجود رویکردهای متفاوت نتوانست پیش‌بینی درستی از رویدادها و سرنوشت قیام‌ها ارائه بدهد؛ اما رژیم اسرائیل با وجود نگرش منفی به انقلاب‌های عربی بابت ارزیابی جریان‌های فکری منبعث از این انقلاب‌ها به شدن احساس نگرانی کرد؛ زیرا از ابتدا قرار بر این بود که تمام سناریوها در نظر گرفته شود، حتی اگر اسرائیل به انقلاب‌های عربی بدبین باشد.

با این حال، اسرائیل رویکرد امنیتی خود را در قبال انقلاب‌های عربی بر مجموعه‌ای از ضوابط و عوامل تعیین‌کننده به شرح ذیل بنا نموده است:

۱. هم‌اکنون راه برای نیروهایی که مخالف اسرائیل هستند و می‌خواهند به نام دمکراسی بر کرسی قدرت بنشینند باز است. اگر این روند ادامه پیدا کند فرایند آشتی با اعراب دچار ضرر خواهد شد؛
۲. قطب‌های ضد اسرائیلی منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، وقتی ببینند دشمنان اسرائیل در کشورهای میزبان انقلاب‌ها به قدرت دست‌یافته‌اند برای استحکام و تقویت نفوذ خود رد خاورمیانه تلاش خواهند کرد. در اینجا اگر اسرائیل برای حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها با کشورهای عربی عجله نکند باید شاهد کمک‌های حداکثری به جنبش‌های مقاومت فلسطینی و استحکام مواضع و قدرت این جنبش‌ها در برابر خود باشد؛
۳. نیازهای امنیتی اسرائیل رو به افزایش است، پس افزایش بودجه ارتش و در پیش گرفتن سیاست آماده‌سازی آن نیز لازم است.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

انقلاب‌های عربی از طرف اسرائیل به دلیل دامن زدن به جنبش‌های مردمی دگر خواه تخریب روابط اسرائیل و اعراب و بی‌مسئولیتی در قبال فرایند صلح، متهم به اخلاص استراتژیکی در منطقه شده‌اند. بر همین اساس، بحث‌های امنیتی اسرائیل با در نظر گرفتن تحلیل دوید بو کایل، از دانشگاه حیفا، به موارد ذیل تقسیم می‌شود:

۱. ناآرامی‌های جهان عرب نشان داد که مناقشه فلسطین دلیل بی‌ثباتی خاورمیانه نیست بلکه استبداد سیاسی و فقر دو عامل محوری در ناآرامی منطقه است. در تائید این مسئله باید گفت موضوع فلسطین در شعارهای معترضان حاضر در صحنه انقلاب‌ها بروز چندانی نداشت؛

۲. انقلاب‌های عربی با طرح احتمالات تازه به سرگشتگی تفکر امنیتی اسرائیل دامن زد تا جایی که نهادهای امنیتی رژیم اشغالگر قدس از تحلیل و واکنش متحد در قبال رویدادهای منطقه ناتوان شدند؛

۳. دستیابی اسرائیل به حل و فصل اختلافات با سوریه به تضعیف ائتلاف ایران و سوریه کمک خواهد کرد و به دنبال آن بنیادگرایی در منطقه رو به افول خواهد گذاشت. این مسئله زمانی اهمیت خود را آشکار می‌کند که اسرائیل پس از ایران [پهلوی]، ترکیه را نیز به واسطه حوادث کشتی مرمره (۲۰۱۰) در سواحل غزه از دست داد. نگرانی بابت از دست رفتن نقش مصر در مهار جنبش حماس را نیز باید بر موارد قبلی افزود. (آنچه آمد نظر ایلان میزراحی، معاون سابق رئیس موساد است)

۴. خطرات انقلاب‌های عربی، اسرائیل را به انجام اقدامات پیشگیرانه از جمله اشغال دوباره غزه واداشت، زیرا اخوان المسلمین تلاش می‌کنند تا در پرتو فضای باز سیاسی جدید در مصر به غزه در برابر اسرائیل کمک کنند و همین امر به ناامنی اسرائیل و البته خود غزه منتهی گردید.

دگرگونی‌های مداوم امنیتی در جهان عرب یک سؤال اساسی برای اسرائیل مطرح کرده است: آیا اقدامات امنیتی دولت به منظور پیگیری تغییرات منطقه‌ای و به‌طور کلی پیامدهای آن‌ها کافی بوده است؟ زیرا طوفان حوادث تاریخی که خاورمیانه را درنوردید، هم‌اکنون یکسری نتیجه‌گیری‌های کلی را می‌طلبد تا بتوان به‌وسیله آن پاسخی به تغییرات آینده و آثار احتمالی‌اش بر روابط اسرائیل با دولت‌های برآمده از انقلاب‌ها داد.

نظام ارزیابی امنیتی اسرائیل برای تحلیل انقلاب‌های عربی و ابعاد و آثار بالقوه آن‌ها بر رژیم اشغالگر یکسری فرضیه‌ها را در نظر گرفته است. این فرضیه‌ها به شرح ذیل هستند.

۱. با وجود شباهت‌های بسیار، اما جنبش‌های منطقه از یک جنس نیستند؛

۲. منابع آشفتگی در تظاهرات‌های مردمی صورت قابل‌لمسی پیدا کرده است تنها به براندازی

تأثیر انقلاب‌های عربی بر امنیت رژیم صهیونیستی / جوردانی

نظام‌های استبدادی منحصر نمی‌شود بلکه بعد روانی سیاست و مادی اقتصاد نیز در لیست منابع آشفتنگی قرار دارند؛

۳. قرار نیست تمام تغییرات ناشی از مکانیزم انقلاب‌ها به‌ویژه تغییرات منطقه‌ای برای اسرائیل منفی باشد، اما انقلاب‌ها به تهدیدات و خطرهای اساسی اشاره می‌کنند.

اسرائیل نقش زیادی در برنامه‌ریزی، توطئه و به شکست کشاندن انقلاب‌های عربی داشته است. بر اساس این دلایل، اسرائیل از طریق سیستم امنیتی‌اش به خود می‌نگرد و با احتیاط و از طریق عدم اتخاذ اقدامات خطرناک همراه با اولویت بخشیدن به گزینه انتظار و نظارت بر حوادث عربی به سمت برخورد با تحولات منطقه پیش می‌رود زیرا تا این لحظه، به‌صورت نهایی تصویر منطقه شکل نگرفته و شکل‌گیری کامل تصویر منطقه، تأثیرات و پیامدهای زیادی برای اسرائیل خواهد داشت. به‌عبارت‌دیگر، انقلاب‌های عربی به ضرر اسرائیل خواهد بود.

نتیجه‌گیری

به‌هرحال دولت اسرائیل در ارزیابی خروجی انقلاب‌ها و تأثیر آن بر کشور، بافت و جهت‌گیری‌هایش ناتوان است؛ اما تا حدی می‌تواند از تندوتیزی پیامدها و خطرات بالقوه آن‌ها بکاهد و دامنه تهدیدهای پیرامونی کیان اسرائیلی را کاهش بدهد. با این حال خطر بزرگی پیش‌روی اسرائیل شاید در هشداری حسی مبارک به آمریکا نهفته باشد؛ مبارک گفته بود تنها جایگزین واقعی به‌جای حکومت دیکتاتوری‌اش یک حکومت اسلامی است که نه‌تنها در مصر، بلکه در تمام منطقه می‌تواند بر سرکار بیاید.

اسرائیل در روند انقلاب‌های عربی خود را در برابر شرایطی کاملاً ناآشنا دید که از او طلب می‌کرد تا درباره توانایی‌های خویش و آثار سیاسی به وجود آمده بیندیشد؛ بنابراین آماده‌سازی نقشه‌های احتیاطی در صورت وقوع بدترین سناریوها، استحکام خطوط دفاع مرزی، برپایی سریع پایگاه‌های فرماندهی و واکنش احتمالی به درخواست اعراب برای بازبینی دوباره شرایط صلح باید در مدنظر اسرائیل قرار می‌گرفت.

تحولات عربی و تأثیر آن بر سیستم امنیتی اسرائیل شبیه گلوله برفی است که به‌تدریج بزرگ‌تر می‌شود و اگر نظام‌های عربی نزدیک به غرب یا همسو با اسرائیل تغییر کنند، موضع‌گیری‌ها نیز به‌صورت ریشه‌ای و اساسی تغییر خواهند کرد و آن نظام‌ها هرگز نمی‌توانند احساسات مردمشان را درباره ارتباط با تل‌آویو نادیده بگیرند. حتی کشورهایی که بنا بر ملاحظات خاص، امکان تغییر نظامشان وجود ندارد، مواضعشان نسبت به مسئله فلسطین و درگیری عربی اسرائیلی تغییر می‌کند.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

بعضی از مراکز نزدیک به دایره سیاست‌گذاری اسرائیل، برای مقابله با پیامدهای احتمالی تحولات عربی سناریوهایی را ارائه دادند. همچنین گروه‌های تحقیقاتی و پژوهشی اسرائیلی، دلایل و عوامل را مطرح کردند مبنی بر اینکه تحولات عربی به نفع اسرائیل نیست. این دلایل عبارت‌اند از:

۱. درباره مصر در بین محافل و مراکز اسرائیلی همچنان این سؤال مطرح است که حجم خسارت اسرائیل در روابطش با مصر و ساختار نظام آینده به چه صورت خواهد بود؟ آیا نظام مصر، نظامی پراگماتیسم خواهد بود که پایبند قرارداد صلح امضاء شده هست یا اینکه روابط شاهد بازگشتی جدید است؟

در طول سی سال، اسرائیل به این اطمینان رسید که هرگونه تنش با مصر و هر حادثه‌ای که در عرصه‌های دیگر اتفاق بیفتد، هرگز منجر به آغاز درگیری نظامی حقیقی بین دو کشور نمی‌شود. به همین دلیل، اسرائیل می‌تواند نیروهای خود را در دیگر جبهه‌ها متمرکز کند اما اکنون اسرائیل اطمینان ندارد که در دوره بعدی نیز وضعیت ادامه داشته باشد. این امر بیانگر ضرورت فراهم کردن منابع فراوان برای تأمین نیازهای نظامی امنیتی اسرائیل است تا ارتش بتواند هم‌زمان در چند جبهه فعالیت کند. پیش‌بینی می‌شود که در مرحله بعد شاهد کاهش سیطره امنیت مصر بر مرزها باشیم. به عبارت دیگر، امکان وقوع عملیات فدایی در اراضی مصر وجود دارد.

بعد از کودتا علیه مرسى، سيسى به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید مصر به قدرت رسید. سيسى، فرصت استراحت را به اسرائیل داد. درگیری ارتش مصر با گروه‌های مسلح در سینا باعث شد که اسرائیل وقت خود را صرف جبهه‌های دیگر کند.

۲. در مورد اردن، محافل نزدیک به مراکز سیاست‌گذاری اسرائیل با قاطعیت اظهار داشتند که قدرت نظام اردن به‌صورت نه‌چندان زیاد کاهش می‌یابد و برای اولین بار در اردن اختیارات پادشاه اردن و ضرورت تودیع اختیارات وی بین پارلمان و قصر و قوانین انتخاباتی موجود مورد بحث‌وجدل قرار می‌گیرد.

۳. در عرصه فلسطین، باوجود اینکه سازمان‌های امنیتی اسرائیل شاهد آرامش نسبی در این عرصه هستند اما طبق دیدگاه اسرائیل، این آرامش بیانگر وجود تحرکات زیرزمینی است که از خطری بزرگ، یعنی انتقال موج تحولات عربی به عرصه فلسطین خبر می‌دهد. به همین دلیل، مقامات سیاسی تل‌آویو باید اقدامات پیشگیرانه برای ممانعت از وقوع انتفاضه جدید اتخاذ نمایند. از سوی دیگر، حوادث منطقه روی ملاحظات و طرح‌های اسرائیل در قبال فلسطینی‌ها تأثیر می‌گذارد.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

۱۴) مارک هیلر، من المبکر الاحتفال بما يحصل فی القاهره، معهد ابحت الامن القومی الاسرائیلی، ۲۰۱۱/۰۳/۰۱ (چاپ متنی) یحیی دبوق، موتمر هر تسلیا مشغول بالثورات العربیه، الاخبار ۲۰۱۱/۰۹/۱۶ (چاپ متنی)

۱۵) ولید عبدالحی، اسرائیل حیره امام الثورات العربیه المعاصره، مرکز الزيتونیه للدراسات و الاستشارات، ۲۰۱۱/۱۱/۲۷ (چاپ متنی)

۱۶) احمد الفاعوری، التحولات الاقلیمیة العربیه و اثرها علی نظریه الامن الاسرائیلی فی الفتره (۲۰۰۶-۲۰۱۲)، پایان نامه کارشناسی ارشد گروه علوم سیاسی دانشکده ادبیات و علوم، دانشگاه خاورمیانه ۲۰۱۱ (چاپ متنی)

The Impact of the Arab Revolutions on the Security of the Zionist Regime

Receipt: 21/11/2024

Acceptance: 17/12/2024

Amirhossein jozdani

Abstract

Islamic awakening in Arab countries created hope and transformation among the people of these countries. These revolutions appeared since 2010 and caused a change in the face of the region and internal and external influences. Some current trends in the strategic geography of West Asia are the result of Islamic awakening in Arab countries. These trends did not remain only in the Arab countries and affected Israel as well. The surveillance of the intelligence organizations of this regime from the Arab movements, intelligence-security measures, successively in order to stop the revolutionary forces, covert and subversive operations inside the Arab countries, extensive collection of news and information about the revolutionary developments, use and establishment of advanced technological systems. Against the Arab countries, it is part of the actions of these services against these revolutions. This study is devoted to the assessment of Israel's security, because Israel is one of the most important states that closely monitors the events of the Arab region. The Israelis were aware of the hidden capacities of the revolution and the readiness of all its conditions in the Arab countries, because tyranny had conquered Eastern Europe, Latin America and West Asia in the 1980s and 1990s

Keyword

Revolution, Arab Revolution, Israel, Mossad, Zionist regime.



فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی

دوره چهارم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۴۰۳

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۴۲-۶۳

طراحی و اعتبار یابی مدل رهبری هوشمند در صنعت تلکام مبتنی بر نظریه داده بنیاد (مورد مطالعه: اپراتور همراه اول در خراسان رضوی)

مهرداد حدادرضوی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۲۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۱۸ علی حسین‌زاده^۲

هدی جان‌نثاراحمدی^۳

چکیده

هدف پژوهش، طراحی و اعتبار یابی مدل رهبری هوشمند در صنعت تلکام است. به این منظور از طریق مصاحبه‌های عمیق با ۱۲ نفر از خبرگان حوزه، وضعیت رهبر بازار با نام همراه اول در استان خراسان رضوی بررسی گردید. مدل پیشنهادی بر اساس نظریه داده بنیاد و رویکرد کیفی می‌باشد. تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی با استفاده از مکس کیودا انجام شده است. یافته‌های رهبری هوشمند عبارت‌اند از: ۱- مدل رهبری شامل علل، بستر، عوامل مداخله‌گر و استراتژی‌ها، پیامدها و مقوله محوری است. ۲- شرایط علی شامل فرهنگ‌سازمانی، ساختار و تعهد مدیریتی، پویایی‌های بازار، تغییرات تکنولوژیک و الزامات قانونی می‌باشد. ۳- مقوله محوری ترکیبی از رهبری تحول‌گرا، سیستمی، فناوری، مشارکتی و مشتری است. ۴- شرایط زمینه‌ای شامل استراتژی، تحقیق و توسعه، زیرساخت‌های فناوری، فرهنگ‌سازمانی، منابع انسانی، مشتری، بازاریابی، هوش مصنوعی و یادگیری ماشین است. ۵- استراتژی‌ها شامل امنیت و حاکمیت داده و شرکتی، بازاریابی، محصول، برنامه‌ریزی، مدیریت عملکرد، منابع انسانی، همکاری و مشارکت است. ۶- مدل رهبری منجر به بهبود شامل عملکرد سازمانی و مالی، رضایت مشتری، فرهنگ‌سازمانی، مزیت رقابتی و نوآوری می‌باشد.

کلمات کلیدی:

رهبری هوشمند، صنعت تلکام، نظریه داده بنیاد، هوش مصنوعی.

۱- دانشجوی دکتری، گروه مدیریت بازرگانی، واحد تربت‌حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران. M.haddadrazavi@gmail.com
۲- استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد تربت‌حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران. (نویسنده مسئول) Hosseinzadeh56@gmail.com
۳- استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد تربت‌جام، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت جام، ایران. h.j.ahmadi@gmail.com

عصر ارتباطات دوران بلوغ خود را می‌گذارند و پیش‌بینی می‌شود یکی از نیازمندی‌های اصلی عصر هوش مصنوعی خواهد بود. به این بابت صنعت ارتباطات در شدیدترین وضعیت رقابتی خود قرار دارد به‌گونه‌ای که رهبران بازار در حال بلعیدن شرکت‌های ضعیف و یا ضربه زدن به یکدیگر در عرصه سهم بازار می‌باشند. لذا تبیین رهبری هوشمند در تمامی ابعاد از جمله رهبری تحول‌آفرین، تداوم و ثبات نقاط قوت، رهبری در ارائه بهترین تجربه مشتری و غیره بسیار پراهمیت می‌باشد. لذا اندک انحراف از مسیر پیشرفت باعث از دست دادن بخش عظیمی از سهم بازار و سقوط آن خواهد بود که به‌عنوان نمونه به شرکت نوکیا در ابتدای قرن ۲۱ می‌توان اشاره نمود. دهکده جهانی بر پایه تبادل اطلاعات تشکیل شده است و این مقوله بدون ارتباطات بی‌سیم که تلکام بخش اساسی آن است بی‌معنی خواهد بود. صنعت تلکام به‌عنوان یکی از ارکان اساسی تحول‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات به‌گونه‌ای است که دیگر فقط در زمره صنایع تکنولوژیک شناخته نمی‌شود. بلکه اکنون به‌مانند صنایعی مانند فولاد یا برق زیرساختی و پایه‌ای محسوب می‌شود و نقش حیاتی در توسعه جوامع دارد؛ اما این نقش زیرساختی باعث نشده که رقابت در این صنعت کم رونق شود زیرا با چالش‌های فراوانی مانند سرعت‌بالای تغییرات در فناوری، تغییر سلیقه افراد و افزایش توقع مشتریان روبه‌رو است. این مسائل بر اهمیت رهبری هوشمند در این حوزه افزوده است. رهبری هوشمند که مبتنی بر اصولی مانند هوش هیجانی، فرهنگی، معنوی و استراتژیک است و از منظر دیگر در حوزه‌های رفتارشناسی، جامعه‌شناسی و مدیریت فرآیندها می‌بایست سرآمد باشد تا در شرایط پیچیده و متغیر، تصمیماتی آگاهانه و کارآمد بگیرند (اصغرnia و همکاران، ۱۴۰۱). پژوهش حاضر باهدف طراحی و اعتباریابی یک مدل از رهبری هوشمند در اپراتور همراه اول در استان خراسان رضوی انجام می‌شود. این پژوهش به دنبال شناسایی پارامترها و ابعاد کلیدی است که می‌تواند به بهبود ارتباطات، افزایش رضایت مشتریان و تقویت وفاداری آن‌ها منجر شود. همچنین این مدل می‌تواند راهنمایی کاربردی برای رهبران و مدیران در صنعت تلکام ارائه داده و نقش مهمی در موفقیت و بقا در بازار رقابتی این صنعت ایفا نماید. در محیط رقابتی کنونی، شرکت‌های خدماتی به‌منظور حفظ و افزایش مشتریان و بقای خود در میدان رقابت، به شناسایی عوامل کلیدی مانند جذب یا رضایت و وفاداری مشتریان نیاز دارند. این عوامل به‌ویژه از سبک رهبری مدیر و استراتژی‌های او در فرآیندها و ارتباط با کارمندان و مشتریان نشأت می‌گیرند. رهبران هوشمند با تکیه بر اخلاقیات و ارزش‌های اخلاقی، جو سازمان را بر اساس اصول اخلاقی هدایت می‌کنند که منجر به افزایش اعتماد و رضایت ذی‌نفعان و مشتریان می‌شود. این امر تأثیر مستقیمی بر پرچم‌داری در بازار

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

دارد و به ایجاد نیروی بازاریابی قوی از طریق تبلیغات دهان‌به‌دهان منجر می‌شود (نظریان جشن‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۲). پژوهش حاضر، به تحلیل داده‌های مشترکین، ذینفعان و شرایط محیطی پرداخته و با تمرکز بر ترکیب هوش عاطفی، اجتماعی و همچنین با تحلیل شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر راهکارهای نوآورانه‌ای به منظور ارائه یک مدل رهبری هوشمند پرداخته است و ابزاری مؤثر برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری استراتژیک در صنعت تلکام فراهم می‌آورد. این مدل با استفاده از الگوریتم‌های یادگیری ماشین، به شناسایی الگوهای پنهان و پیش‌بینی روندهای آینده کمک می‌کند تا بدین ترتیب قابلیت‌های پویا و چابک سازمانی را بهبود بخشد. همچنین، این مدل به توانمندسازی کارکنان و افزایش رضایت و وفاداری مشتریان از طریق توسعه فرهنگ نوآوری و یادگیری مستمر کمک نموده و به شناسایی و مدیریت ریسک‌های استراتژیک و نوآوری در سازمان‌ها منجر می‌گردد. همچنین با بهره‌گیری از روش نظریه داده بنیاد، به دنبال شناسایی و تحلیل مجموعه‌ای از اهداف فرعی می‌باشد. این اهداف شامل شناسایی شرایط علی که منجر به شکل‌گیری مدل رهبری هوشمند می‌شود، تعیین مقوله محوری این مدل و بررسی شرایط زمینه‌ای و واسطه‌ای مداخله‌گر مؤثر بر آن است. در جریان این پژوهش راهبردهای اجرایی و پیامدهای حاصل از پیاده‌سازی مدل مذکور در سازمان‌های تلکام مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج این پژوهش می‌تواند به بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری استراتژیک و ارتقای عملکرد سازمان‌ها در این صنعت رقابتی کمک نماید.

با توجه به اهداف و موضوع تحقیق و خلأهای ذکرشده، یک سؤال اصلی و ۶ سؤال فرعی در این پژوهش قابل طرح می‌باشند:

سؤال اصلی: مدل رهبری هوشمند در صنعت تلکام چیست؟

سؤال فرعی اول: شرایط علی مؤثر بر مدل رهبری هوشمند در صنعت تلکام چیست؟

سؤال فرعی دوم: مقوله محوری مدل رهبری هوشمند در صنعت تلکام چیست؟

سؤال فرعی سوم: شرایط زمینه‌ای بر مدل رهبری هوشمند در صنعت تلکام کدام‌اند؟

سؤال فرعی چهارم: شرایط واسطه‌ای یا مداخله‌گر مؤثر بر مدل رهبری هوشمند در تلکام کدام‌اند؟

سؤال فرعی پنجم: راهبردهای مدل رهبری هوشمند در صنعت تلکام کدام‌اند؟

سؤال فرعی ششم: پیامدهای مدل رهبری هوشمند در صنعت تلکام کدام‌اند؟

مبانی نظری

ادبیات سازمانی با مقوله‌های مهمی مانند رهبری سروکار دارد که به دلیل اهمیت آن، مدت‌ها

طراحی و اعتباریابی مدل رهبری هوشمند در.../حدادرضوی، حسینزاده و جاننثاراحمدی

موردتوجه پژوهشگران و متخصصان بوده است. با توجه به تغییرات سریع در سازمان‌ها طی دهه‌های اخیر، رهبری و مدیریت سازمان‌ها به یکی از مباحث چالش‌برانگیز تبدیل شده است. بیشتر صاحب‌نظران بر این باورند که بقای سازمان‌ها در دنیای کنونی به توانایی آن‌ها در پاسخگویی مؤثر به تغییرات وابسته است. در این زمینه، رهبری تحول‌آفرین به‌عنوان نوعی رهبری جدید معرفی شده است که با بهره‌گیری از نظام ارزشی و تقویت هویت کارکنان، سعی در جبران کاستی‌های ساختارهای بوروکراتیک دارد و سازمان‌های دانش‌محور را به سمت بهبود عملکرد و تحقق اهداف سوق می‌دهد (لی و دو^۱، ۲۰۲۴).

ورود رقابت شدید در دهه ۱۹۸۰ بسیاری از سازمان‌ها را به بازنگری در رویکردهای رهبری خود واداشت؛ این تغییرات منجر به شکل‌گیری رویکردهای جدیدی مانند رهبری تحول‌آفرین شد که با ایجاد تغییرات اساسی در ساختارها و زیربنای سازمانی، تلاش می‌کند تا مزیت‌های راهبردی جدیدی را به سازمان‌ها ارائه دهد (نبی‌زاده و زنگویی، ۱۴۰۲). این نوع رهبری با تمرکز بر بهره‌برداری از دانش و تقویت توانمندی‌های کارکنان در راستای ثبات نقاط قابل‌اتکا سازمان‌ها، کمک می‌کند تا در مواجهه با چالش‌های جدید محیطی به موفقیت برسند و در رقابت‌های پیچیده امروزی بقا یابند (جونگ^۲، ۲۰۲۱).

در سه دهه اخیر، صنعت ارتباطات سیار به‌سرعت توسعه یافته و به یکی از اصلی‌ترین ارکان توسعه اقتصادی جهانی تبدیل شده است. این فناوری با ارائه خدمات متنوع به افراد در سرتاسر جهان، تأثیر قابل‌توجهی بر تعاملات اقتصادی و اجتماعی کاربران داشته است (آهوکانگاس و همکاران^۳، ۲۰۲۴).

با توجه به توسعه سریع زیرساخت‌های نسل‌های جدید ارتباطات سیار و ظهور مفاهیمی مانند کلان داده و رایانش ابری، انتظار می‌رود که در آینده نزدیک، این صنعت نقش بیشتری در ایجاد ارزش‌افزوده و تسهیل کسب‌وکارهای نوین ایفا کند (آقاجانی و بدیع، ۱۴۰۳). علاوه بر این، با توجه به پیش‌بینی رسیدن بازار ارتباطات سیار به نقطه اشباع، اپراتورها به دنبال توسعه خدمات جدیدی هستند که شامل داده‌های حجیم و رایانش ابری می‌شود، این خدمات می‌توانند درآمدهای قابل‌توجهی را برای اپراتورها به ارمغان آورند، اما مستلزم نوآوری در زیرساخت‌ها و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین است (همای‌پور و همکاران، ۱۴۰۰).

با افزایش استفاده از گوشی‌های هوشمند و توسعه برنامه‌های کاربردی، حجم داده‌های منتقل شده از طریق شبکه‌های بی‌سیم به‌طور چشمگیری افزایش خواهد یافت و این امر نیازمند تخصیص بهینه طیف فرکانسی و مدیریت مؤثر آن از سوی دولت‌ها و اپراتورها است (بنافا و همکاران^۴، ۲۰۲۳). دستیاران مجازی مبتنی بر هوش مصنوعی، با توانایی مدیریت کارآمد سؤالات و تراکنش‌های خدماتی، به ارائه‌دهندگان خدمات مخابراتی امکان می‌دهند تا با سرعت و دقت بیشتری به درخواست‌های پشتیبانی مشتریان پاسخ دهند و هم‌زمان هزینه‌های مرتبط با این فعالیت‌ها را کاهش

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

دهند (الدوسری و همکاران^۵، ۲۰۲۳). علاوه بر این، جایگزینی سیستم‌های منسوخ با اپلیکیشن‌های هوش مصنوعی به شرکت‌های مخابراتی کمک می‌کند تا با بهینه‌سازی جریان کار و ارتقای کیفیت خدمات شبکه، سودآوری خود را افزایش دهند (بهادرا و همکاران^۶، ۲۰۲۳). الگوریتم‌های یادگیری ماشینی نیز با شناسایی و مقابله با فعالیت‌های مشکوک و کلاهبرداری، امنیت شبکه‌ها را ارتقا می‌بخشند و به ارائه خدمات با کیفیت‌تر و ایمن‌تر کمک می‌کنند (نریمانی و همکاران، ۱۴۰۲). اینترنت اشیا^۷ تأثیرات گسترده‌ای بر صنعت مخابرات داشته و با ایجاد امکان دسترسی به حجم عظیمی از داده‌ها، به شرکت‌های مخابراتی اجازه می‌دهد تا از این اطلاعات برای تحلیل‌های پیشرفته و توسعه مدل‌های پیش‌بینی استفاده کنند؛ این فناوری همچنین از طریق شبکه‌های کم‌مصرف، ارتباطات ماشین به ماشین را تسهیل می‌کند و امکان نظارت مستمر بر تجهیزات ارتباطی و بهبود امنیت سایت‌های راه دور را فراهم می‌سازد (اریبی و همکاران، ۱۴۰۱). با استفاده از دوربین‌های هوشمند و فناوری‌های نظارتی مبتنی بر اینترنت اشیا، شرکت‌های مخابراتی می‌توانند پروتکل‌های امنیتی خود را تقویت کرده و از سرقت و خسارت به تجهیزات گران‌قیمت جلوگیری کنند؛ این نوآوری‌ها نه تنها به بهبود کارایی عملیات منجر می‌شود بلکه به حفظ درآمد و اعتبار شرکت‌ها نیز کمک می‌کند. شرکت همراه اول به‌عنوان نخستین و بزرگ‌ترین اپراتور تلفن همراه و اینترنت پرسرعت در ایران، با حدود ۸۶ میلیون مشترک، نقش بسزایی در توسعه صنعت ارتباطات کشور ایفا می‌کند. این شرکت که از زیرمجموعه‌های شرکت مخابرات ایران است، از سال ۱۳۸۹ به سهامی عام تبدیل شد و در سال ۱۳۹۱ در بورس اوراق بهادار ایران پذیرفته شد. همراه اول با بهره‌گیری از زیرساخت‌های پیشرفته، خدمات متنوعی از جمله سیم‌کارت‌های اعتباری و دائمی، اینترنت نسل 3G، 4G و 4/5G و سرویس‌های آنلاین مانند سامانه همراه من را به مشترکین خود ارائه می‌دهد. این اپراتور همچنین در زمینه ارائه خدمات محتوا و فعالیت‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات، باهدف ارتقاء کیفیت خدمات و افزایش رضایت مشتریان، در سطح ملی و بین‌المللی فعالیت می‌کند (شجاعی‌فرد و نادری‌نژاد، ۱۴۰۲). علاوه بر خدمات ارتباطی، همراه اول با تمرکز بر توسعه زیرساخت‌ها و فناوری‌های نوین، دامنه وسیعی از فعالیت‌ها را در حوزه‌های مختلف از جمله تولید سخت‌افزار و نرم‌افزار، تجارت الکترونیک و خدمات پرداخت، همکاری‌های بین‌المللی به انجام می‌رساند (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۱). این شرکت با ایجاد بسترهای مناسب برای توسعه شبکه‌های مخابراتی و ارتباطی، توانسته است نقش مهمی در افزایش ضریب نفوذ تلفن همراه و اینترنت در کشور ایفا کند. همچنین، همراه اول با مشارکت در فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی، به توسعه مهارت‌ها و ارتقاء دانش فنی در صنعت ارتباطات ایران کمک شایانی کرده است

طراحی و اعتباریابی مدل رهبری هوشمند در.../حدادرضوی، حسینزاده و جاننثاراحمدی

(عبیدی و همکاران، ۱۴۰۳).

پیشینه پژوهش داخلی

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی در ایران باهدف بررسی و توسعه مدل‌های رهبری نوین، به‌ویژه رهبری هوشمند، انجام شده است.

۱. در پژوهش پایخوان و همکاران (۱۴۰۲)، باهدف شناسایی، اعتباریابی و رتبه‌بندی پیشران‌های مؤثر در کسب مزیت رقابتی در مراکز آموزش عالی، از روش تحقیق آمیخته اکتشافی استفاده شده است. این تحقیق در سه بخش انجام گرفت: بخش کیفی شامل مصاحبه با ۱۲ خبره با استفاده از روش گراند تئوری، بخش اعتباریابی با نظرسنجی از ۲۰ خبره با تکنیک دلفی و بخش اولویت‌بندی با مشارکت ۳۵ مدیر با استفاده از تکنیک فرایند تحلیل سلسله مراتبی^۱. یافته‌ها نشان داد که مدل پارادایمی پژوهش شامل ۲۶ پیشران است و مؤلفه‌های مدیریت و رهبری هوشمند بیشترین اهمیت را در کسب مزیت رقابتی مراکز آموزش عالی دارند. این نتایج بر ضرورت توجه به عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری برای بهبود عملکرد علمی مراکز آموزش عالی تأکید دارند.

۲. پژوهش حیدری سورشجانی و همکاران (۱۴۰۲) به بررسی نقش سبک رهبری هوشمند بر وفاداری سازمانی معلمان با تأکید بر نقش میانجی دانش‌آفرینی سازمانی در استان چهارمحال و بختیاری پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که رهبری هوشمند که شامل ابعاد رهبری معنوی، هیجانی، عقلانی و جمعی است، تأثیر قابل‌توجهی بر افزایش وفاداری سازمانی معلمان دارد. همچنین، دانش‌آفرینی سازمانی به‌عنوان یک متغیر میانجی، نقش مهمی در تقویت این ارتباط ایفا می‌کند.

۳. پژوهش آرپناهی ایستادگی و همکاران (۱۴۰۳) حاضر باهدف شناسایی و ارائه بدیل‌های مدل کسب‌وکار اپراتورهای تلفن همراه در ایران، هم‌زمان با ورود نسل‌های جدید تکنولوژی شبکه همراه، انجام شده است. روش تحقیق «کاربردی - توسعه‌ای» و «توصیفی - تحلیلی» بوده و به شیوه آمیخته اکتشافی اجرا گردیده است. جامعه آماری شامل مدیران و خبرگان صنعت تلکام و اپراتورهای تلفن همراه در ایران بوده است. یافته‌ها ۱۳ بدیل اصلی را شناسایی کرده که شامل تحول اپراتورها از نقش انتقال‌دهنده صرف به فعال‌کننده هوشمند، توسعه کسب‌وکارهای مبتنی بر کلان داده، تمرکز بر زیر بازارهای خاص و تنوع‌بخشی به مدل‌های کسب‌وکار برای جذب گروه‌های جدید مشتریان می‌باشد. این بدیل‌ها می‌توانند به تحول و تنوع در مدل‌های درآمدی اپراتورهای تلفن همراه در ایران کمک کنند و نیازمند توجه به عوامل زمینه‌ای مرتبط هستند.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

۴. هاشمی و شیربگی (۱۴۰۳) با استفاده از نظریه داده بنیاد به توسعه مدل‌های مدیریتی در زمینه رهبری معلمان فاقد صلاحیت در مدارس ابتدایی پرداخته‌اند. این مطالعه با روش کیفی و از طریق مصاحبه با ۴۶ نفر از اعضای جامعه مدرسه در سندج، داده‌ها را جمع‌آوری و تحلیل نموده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عوامل فرهنگی، اقتصادی و ساختاری نظام آموزشی، نقش بسزایی در جذب معلمان فاقد صلاحیت دارند و مدیریت اثربخش این معلمان نیازمند به‌کارگیری مهارت‌های مدیریتی، ارتباطی و اصلاحات‌سازمانی است. این پژوهش به ارائه مدل‌هایی از رهبری اثربخش معلمان فاقد صلاحیت با توجه به شرایط خاص جامعه ایرانی پرداخته است که به‌عنوان نمونه‌ای از کاربرد نظریه داده بنیاد در توسعه مدل‌های مدیریتی می‌تواند در سایر زمینه‌ها نیز مورد استفاده قرار گیرد.

پیشینه پژوهش خارجی

در سطح بین‌المللی نیز پژوهش‌های بسیاری به بررسی مفاهیم مرتبط با رهبری هوشمند پرداخته‌اند.

۱. بهیما و همکاران^۹ (۲۰۲۳) به بررسی نقش هوش مصنوعی در بهبود سیستم‌های مدیریت اطلاعات و ارتقای رهبری سازمانی در صنعت تلکام می‌پردازند. هوش مصنوعی با خودکارسازی وظایف و ارائه بینش‌های پیش‌بینانه از داده‌های تاریخی، توانمندی تصمیم‌گیری را افزایش داده و به سازمان‌ها مزیت رقابتی می‌بخشد. با این حال، پیاده‌سازی هوش مصنوعی با چالش‌های فنی و اخلاقی مانند تطابق الگوریتم‌ها با سیستم‌های موجود و نیاز به تخصص فنی بیشتر مواجه است. این پژوهش بر اهمیت آموزش کارکنان و تشکیل تیم‌های چند رشته‌ای برای مدیریت این چالش‌ها و ضرورت توجه به اصول اخلاقی در توسعه و استفاده از هوش مصنوعی تأکید دارد.

۲. پژوهش سوسانتی و همکاران^{۱۰} (۲۰۲۴) به بررسی تأثیر فرهنگ‌سازمانی بر موفقیت رهبری هوشمند در سازمان‌های تلکام پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که سبک رهبری تطبیقی که شامل توجه عمیق به نیازهای کارکنان و اهداف سازمانی است، تأثیر مستقیمی بر افزایش چابکی سازمانی دارد. فرهنگ‌سازمانی مبتنی بر نوآوری، آمادگی کارکنان، توانمندی‌های تکنولوژیکی و ساختار سازمانی به‌عنوان عوامل میانجی عمل می‌کنند که ارتباط بین سبک رهبری هوشمند و چابکی سازمانی را تقویت می‌کنند. این یافته‌ها بر اهمیت ایجاد و تقویت فرهنگ نوآوری و ساختارهای حمایتی در سازمان‌های تلکام تأکید دارند تا رهبری هوشمند بتواند به‌طور مؤثرتری به موفقیت سازمانی منجر شود.

۳. رامدینی و واهیونینگتیا^{۱۱} (۲۰۲۳) به بررسی تأثیر رهبری تحول‌آفرین و فرهنگ‌سازمانی بر رفتار نوآورانه کارکنان در صنعت تلکام اندونزی پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که رهبری

طراحی و اعتباریابی مدل رهبری هوشمند در.../حدادرضوی، حسین زاده و جان نثار احمدی

تحول آفرین و فرهنگ‌سازمانی، نقش مهمی در تقویت رفتار نوآورانه دارند و این تأثیرات با جهت‌گیری یادگیری کارکنان تقویت می‌شود. با کاهش سهم بازار شرکت‌ها در این صنعت، نوآوری در محصولات، خدمات و روش‌های کاری ضروری است. داده‌ها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری و با استفاده از مدل معادلات ساختاری^{۱۲} در نرم‌افزار لیزرل^{۱۳} تحلیل شدند. این مطالعه بر اهمیت ایجاد یک فرهنگ‌سازمانی حمایت‌کننده از نوآوری و رهبری تحول آفرین برای دستیابی به اهداف مالی و افزایش سهم بازار تأکید دارد.

۴. پژوهش سندو و النقیبی^{۱۴} (۲۰۲۳) به بررسی نقش رهبری تحول آفرین در صنایع پویا از جمله تلکام پرداخته و نشان می‌دهد که رهبری تحول آفرین با ایجاد یک محیط حمایتی برای نوآوری، تأثیر مثبتی بر خلاقیت و عملکرد نوآورانه کارکنان دارد. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که در صنایع تلکام، ایجاد یک جو نوآوری و خلاقیت از طریق رهبری تحول آفرین می‌تواند بهبود عملکرد نوآورانه را تسهیل کند. این تحقیق بر اهمیت سرمایه‌گذاری در بهبود فضای سازمانی برای تقویت نوآوری و خلاقیت در محیط‌های کاری تأکید دارد و یکی از نخستین مطالعاتی است که به بررسی این روابط در سازمان‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات^{۱۵} و تلکام در یک کشور در حال توسعه مانند امارات متحده عربی می‌پردازد.

روش‌شناسی پژوهش

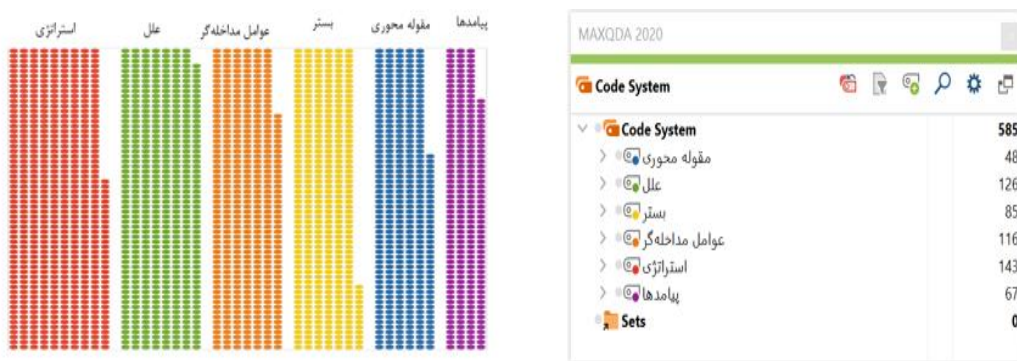
در این پژوهش، از رویکردهای کیفی برای بررسی موضوع رهبری هوشمند در صنعت تلکام استفاده شده است. در مرحله کیفی، پژوهش با استفاده از مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته با ۱۲ نفر از خبرگان و مدیران حوزه مدیریت، منابع انسانی، بازاریابی و فنی در صنعت تلکام، به‌ویژه اپراتور همراه اول، آغاز گردیده است. هدف از این مرحله، شناسایی مفاهیم، مقوله‌ها و ابعاد کلیدی مرتبط با رهبری هوشمند است. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق این مصاحبه‌ها با استفاده از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد^{۱۶} تحلیل شده‌اند. این تحلیل شامل سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی است که به استخراج مفاهیم و ساخت مدل مفهومی رهبری هوشمند منجر می‌شود. برای تحلیل داده‌ها در این مرحله، از نرم‌افزار مکس کیودا^{۱۷} استفاده شده که ابزاری قدرتمند برای کدگذاری و تحلیل داده‌های کیفی است (اشمیدر و راجرز^{۱۸}، ۲۰۲۴). همچنین، در این مرحله با استفاده از تکنیک‌هایی نظیر درگیری طولانی‌مدت با موضوع، بازبینی داده‌ها توسط مشارکت‌کنندگان و تأیید آن‌ها، روایی و پایایی داده‌های کیفی مورد اطمینان قرار گرفته است. برای تضمین روایی و پایایی داده‌های کیفی، از روش‌هایی مانند مشاهده مستمر، توافق بین کدگذاران و بازبینی توسط خبرگان استفاده شد تا اطمینان حاصل شود که داده‌های کیفی به‌درستی منعکس‌کننده دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان هستند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

این بخش به‌طور جداگانه به تحلیل یافته‌های پژوهش می‌پردازد و مفاهیم، مقولات و مؤلفه‌های کلیدی به همراه نتایج آماری ارائه خواهد شد. در پایان، مدل نهایی رهبری هوشمند در صنعت تلکام ارائه و پیامدهای نظری و عملی آن مورد بحث قرار می‌گیرد. ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان به گونه‌ای است که از تعداد مجموع ۱۲ مصاحبه‌شونده، میزان برابر مرد و زن حضور داشتند که این توزیع متوازن جنسیتی، به کاهش سوگیری‌های احتمالی کمک می‌کند. ۷ نفر از مصاحبه‌شوندگان دارای مدرک دکتری و ۵ نفر دیگر دارای مدرک فوق‌لیسانس بودند که نشان‌دهنده سطح بالای دانش و تخصص آن‌ها می‌باشد. حضور افرادی با تخصص‌های متنوع از جمله مهندسی برق، علوم ارتباطات، مهندسی کامپیوتر، علوم سیاسی، بازاریابی و روانشناسی به رویکرد چند رشته‌ای پژوهش کمک کرده است. سابقه کاری مصاحبه‌شوندگان بین ۷ تا ۳۰ سال متغیر بوده و طیف وسیعی از سمت‌های سازمانی را شامل می‌شدند که این تنوع در تجربیات و موقعیت‌های سازمانی، به جامعیت و اعتبار نتایج پژوهش افزوده است. این ترکیب از تخصص و تجربه، به ایجاد پیوندی مؤثر میان نظریه و عمل در حوزه رهبری هوشمند در صنعت تلکام کمک می‌کند. در این پژوهش، از رویکرد استقرایی برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با خبرگان استفاده شده است. فرآیند کدگذاری داده بنیاد در سه مرحله انجام شده است: کدگذاری باز، محوری و انتخابی. در مرحله کدگذاری باز، کدهای اولیه از عبارات معنایی استخراج شده‌اند. در تحلیل داده‌های این پژوهش، از روش کدگذاری نظریه‌پردازی داده بنیاد بر اساس رویکرد کوربین و اشتراوس^{۱۹} (۲۰۱۴) استفاده شده است. مطابق این رویکرد، نظریه‌ها از طریق تحلیل پیشامدها و فعالیت‌های واقعی که به‌عنوان داده‌های خام محسوب می‌شود، ساخته نمی‌شوند. بلکه این پیشامدها به‌عنوان نشانه‌های بالقوه پدیده، به‌صورت کدهای باز تحلیل گردیده و به آن‌ها برجسب‌های مفهومی داده می‌شود. سپس از تطبیق و ترکیب این کدهای باز، مفاهیم شکل می‌گیرند که اساس ساخت نظریه را تشکیل می‌دهند. شکل (۱) ماتریس کدهای محوری اسناد پژوهش را نشان می‌دهد. تحلیل ۵۸۵ کد استخراج شده از ۱۱ مصاحبه در این پژوهش، نشان‌دهنده غنای داده‌های کیفی و رسیدن به اشباع نظری است. این کدها که بر اساس مدل پارادایمی کوربین و اشتراوس (۲۰۱۴) طبقه‌بندی شده‌اند، نشان می‌دهند که مصاحبه‌شوندگان بر استراتژی‌ها (۲۴/۴۴٪) و شرایط علی (۲۱/۵۴٪) تمرکز ویژه‌ای داشته‌اند که این امر بیانگر درک عمیق آن‌ها از عوامل مؤثر بر پدیده رهبری هوشمند در صنعت تلکام است. همچنین اهمیت بالای عوامل مداخله‌گر (۱۹/۸۳٪) و شرایط زمینه‌ای (۱۴/۵۳٪) تأکیدی بر تأثیر محیط و موقعیت‌های خاص بر این پدیده دارد. در مقابل،

طراحی و اعتباریابی مدل رهبری هوشمند در.../حدادرضوی، حسینزاده و جاننثاراحمدی

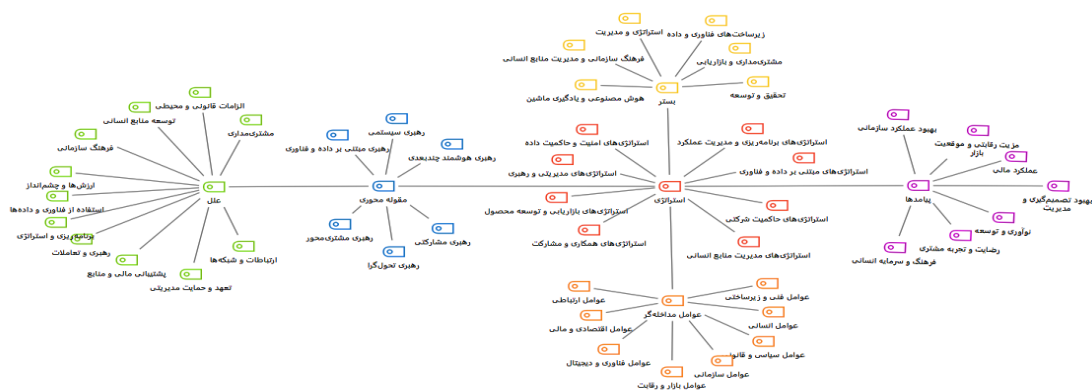
تعداد کمتر کدهای مرتبط با مقوله محوری (۸/۲۱٪) و پیامدها (۱۱/۴۵٪) نشان‌دهنده پیچیدگی مفهوم رهبری هوشمند و نیاز به بررسی بیشتر پیامدهای آن است.



شکل ۱- ماتریس کدهای محوری با نمودار پرتره - (منبع: یافته‌های پژوهشگر)

بررسی سؤالات پژوهش:

سؤال اصلی: تحلیل داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مدل رهبری هوشمند در صنعت تلکام شامل شش بعد کلیدی است: علل، بستر، عوامل مداخله‌گر، استراتژی‌ها، پیامدها و مقوله محوری. این مدل به بررسی عواملی چون استفاده از فناوری‌های نوین، مدیریت تغییر و تعهد مدیریتی می‌پردازد و بر ضرورت توسعه زیرساخت‌های فناوری، نوآوری و تقویت مهارت‌های تحلیلی کارکنان تأکید دارد. استراتژی‌های اصلی شامل بهره‌گیری از داده‌ها و هوش مصنوعی، تقویت امنیت سایبری و مدیریت تغییر است. پیامدهای مورد انتظار این مدل شامل بهبود بهره‌وری، ارتقاء رضایت مشتریان و دستیابی به مزیت رقابتی پایدار می‌باشد.



شکل ۲- مدل پارادایمی تحقیق - (منبع: یافته‌های پژوهشگر)

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

سؤال فرعی اول: تحلیل شرایط علی در مدل رهبری هوشمند صنعت تلکام نشان می‌دهد که عوامل درون‌سازمانی مانند فرهنگ سازمانی، ساختار مدیریتی و تعهد مدیریتی، همراه با عوامل برون‌سازمانی نظیر پویایی‌های بازار، تغییرات تکنولوژیک و الزامات قانونی، به‌طور مستقیم بر شکل‌گیری و اجرای استراتژی‌های سازمانی تأثیر می‌گذارند. این شرایط به‌عنوان نیروهای محرک یا بازدارنده، نقش اساسی در تحول و توسعه سازمانی ایفا می‌کنند. تدوین استراتژی‌های بازاریابی مؤثر، مزیت رقابتی پایدار ایجاد کرده و ارزش‌افزوده بیشتری برای مشتریان و سهامداران فراهم کنند. در صنعت تلکام، این شرایط می‌توانند به ارتقای چابکی سازمانی، بهبود تجربه مشتری و ایجاد فرهنگ نوآوری منجر شود.

جدول ۱- شرایط علی مدل رهبری هوشمند در صنعت تلکام

دسته‌بندی	کدهای ثانویه (اصلاح)	عبارات اولیه (کدهای باز)
تعهد و حمایت مدیریتی	تعهد و حمایت از سوی مدیریت ارشد	تعهد رهبری - پشتیبانی مدیریت ارشد - حمایت و تعهد از سوی مدیران - حمایت همه‌جانبه هیات مدیره در اجرای فنون
	تعیین اهداف چالشی و تعهد به انجام آن‌ها	تعهد به انجام اهداف - تعیین اهداف چالشی
فرهنگ سازمانی	ایجاد فرهنگ داده محور و نوآوری	ایجاد فرهنگ داده محور - ایجاد فرهنگ نوآوری
	تقویت فرهنگ سازمانی و انعطاف‌پذیری	فرهنگ سازمانی - فرهنگ سازمانی سازگار - انعطاف‌پذیری در پاسخ به نیازهای مشتری
توسعه منابع انسانی	توانمندسازی و آموزش نیروی کار	توانمندسازی نیروی کار - آموزش نیروی کار - دوره‌های آموزشی برای توسعه مهارت‌های لازم
	ارتقاء مهارت‌های تحلیلی و دیجیتالی	مهارت‌های دیجیتالی کارکنان - مهارت‌های لازم برای استفاده از فناوری - توانایی رهبر در تحلیل داده‌های پیچیده
برنامه‌ریزی و استراتژی	برنامه‌ریزی استراتژیک و تفکر بلندمدت	برنامه‌ریزی - تفکر استراتژیک - آینده‌نگری
	مدیریت تغییر و انطباق با گرایش‌های صنعتی	مدیریت تغییر - توانایی انطباق با گرایش‌های صنعتی - گرایش‌های صنعتی - تغییرات سریع تکنولوژی
پشتیبانی مالی و منابع	تأمین مالی و سرمایه‌گذاری به‌موقع	تأمین مالی به‌موقع - سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین - تمایل به سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی
	مدیریت داده و تحلیل‌های مالی	مدیریت داده - تحلیل محور بودن - تحقق وضعیت مالی
ارتباطات و شبکه‌ها	توسعه شبکه‌های ارتباطی و همکاری بین‌بخشی	توسعه شبکه‌های ارتباطی - همکاری بین‌بخشی
	بهبود سیستم‌های ارتباطات و فرایندها	بهبود سیستم‌های ارتباطات و فرایندها
نوآوری و خلاقیت	تشویق به نوآوری و خلاقیت در تصمیم‌گیری	تصمیم‌گیری خلاق - نوآوری در ارائه سرویس - نوآوری فناوری
الزامات قانونی و محیطی	رعایت الزامات تنظیمی و سیاست‌های حکومتی	الزامات تنظیمی - سیاست‌ها و تصمیمات حکومتی
	شرایط محیطی و رقابت شدید بازار	شرایط محیطی - رقابت شدید بازار

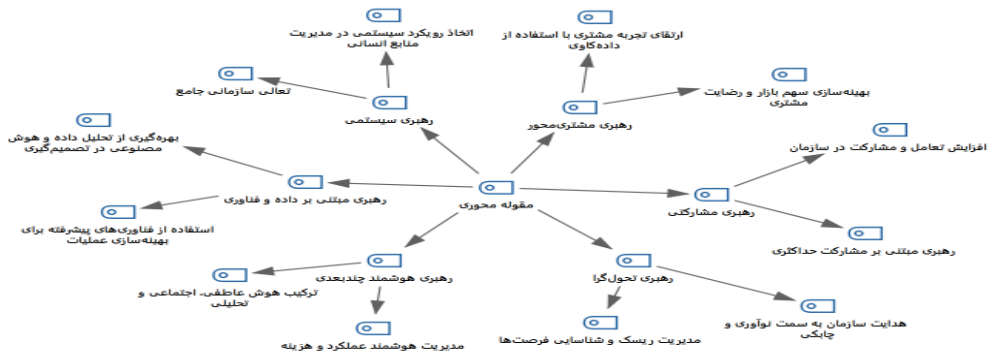
طراحی و اعتباریابی مدل رهبری هوشمند در.../حدادرضوی، حسینزاده و جاننثاراحمدی

تعامل رهبر و زیرمجموعه - توانایی رهبر در ارتباط مؤثر - توانایی برقراری ارتباطات مؤثر با تیم و سایر ذینفعان	تعامل مؤثر رهبر با تیم و ذینفعان	رهبری و تعاملات
خودآگاهی - خودمدیریتی - درک و مدیریت احساسات خود و دیگران	خودآگاهی و مدیریت احساسات	
چشم‌انداز سازمان - ارزش‌های سیستم - همسو بودن اهداف سازمانی	تعیین چشم‌انداز سازمانی و ارزش‌های سیستم	ارزش‌ها و چشم‌انداز
بهره‌گیری از دانش به‌روز بازاریابی و فروش	دانش به‌روز بازاریابی	
انتظارات مشتری - انتظارات مشتریان برای خدمات بهتر - تمرکز بر ارتباط سرویس قابل‌ارائه به مخاطب - ایجاد ارزش‌افزوده برای مشتریان - خدمات شخصی‌تر - سریع‌تر و مقرون‌به‌صرفه‌تر	تمرکز بر نیازها و انتظارات مشتریان	مشتری‌مداری
جمع‌آوری و تجزیه‌وتحلیل داده‌های مربوط به مشتریان - شبکه و عملی	جمع‌آوری و تحلیل داده‌های مشتریان	
استفاده از داده‌ها و هوش مصنوعی برای درک بهتر نیازهای مشتریان - تجزیه‌وتحلیل داده‌ها با استفاده از هوش مصنوعی - استخراج بینش‌ها از داده‌ها - اتخاذ تصمیمات مبتنی بر داده - استفاده از ابزارهای هوشمند - استفاده از داده‌ها	بهره‌گیری از هوش مصنوعی و داده‌ها برای تصمیم‌گیری	استفاده از فناوری و داده‌ها
تکنولوژی به‌روز - فناوری‌های نوظهور - درک فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی و اینترنت اشیا - دسترسی به ابزارهای پیشرفته - دسترسی به فناوری‌های نوظهور	به‌کارگیری فناوری نوین	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

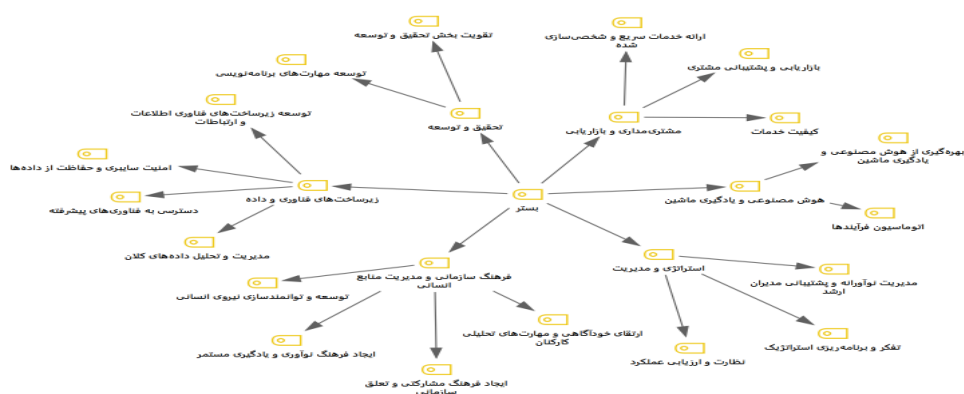
سؤال فرعی دوم: در این پژوهش، مقوله محوری رهبری هوشمند چندبعدی به‌عنوان مفهوم مرکزی در مدل رهبری هوشمند در صنعت تلکام معرفی شده است. این مقوله، ترکیبی از رهبری تحول‌گرا، سیستمی، مبتنی بر داده و فناوری، مشارکتی و مشتری‌محور است که به رهبران امکان می‌دهد تا با چالش‌های پیچیده و متغیر این صنعت به‌طور مؤثر مواجه شوند. رهبری هوشمند چندبعدی با تأکید بر نوآوری، چابکی، استفاده هوشمندانه از داده‌ها و فناوری و تمرکز بر مشتری، به‌عنوان رویکردی جامع در هدایت سازمان‌ها در عصر دیجیتال شناخته می‌شود. این مدل با ترکیب مهارت‌های مدیریتی، تحلیلی و بین‌فردی، به بهبود عملکرد سازمانی و ایجاد مزیت رقابتی پایدار کمک می‌کند.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳



شکل ۳- مقاله محوری مدل رهبری هوشمند - (منبع: یافته‌های پژوهشگر)

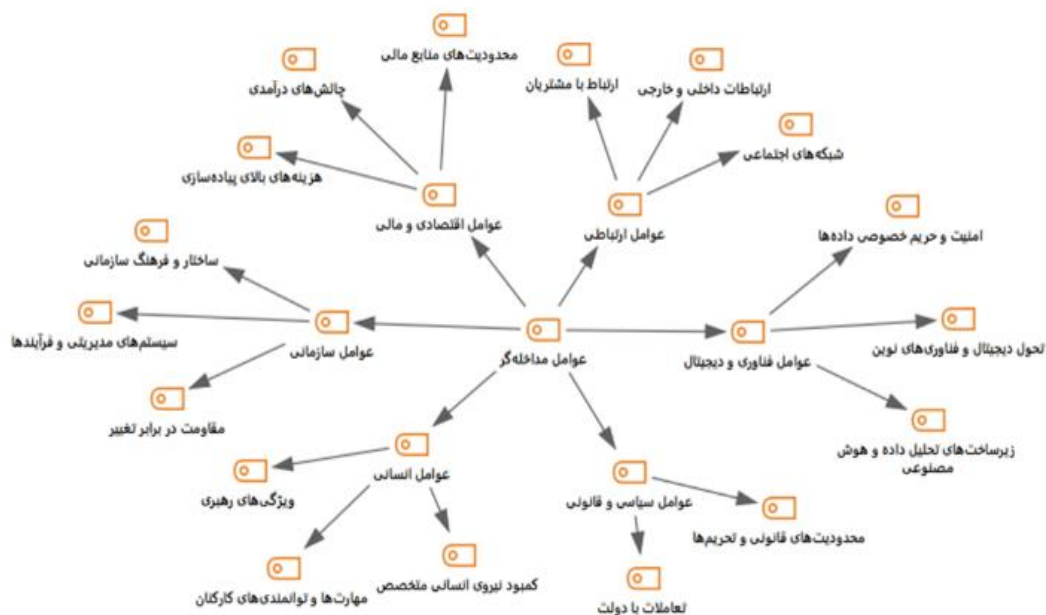
سؤال فرعی سوم: تحلیل شرایط زمینه‌ای (بستر) در مدل رهبری هوشمند صنعت تلکام نشان می‌دهد که این شرایط شامل شش مقوله اصلی است: استراتژی و مدیریت، تحقیق و توسعه، زیرساخت‌های فناوری و داده، فرهنگ‌سازمانی و مدیریت منابع انسانی، مشتری‌مداری و بازاریابی و هوش مصنوعی و یادگیری ماشین. این شرایط به‌عنوان پایه و محیطی که پدیده رهبری هوشمند در آن رخ می‌دهد، نقش حیاتی در شکل‌گیری و موفقیت این مدل ایفا می‌کنند. استراتژی‌های مدیریتی نوآورانه، سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، بهبود زیرساخت‌های فناوری و داده، ایجاد فرهنگ‌سازمانی نوآور و مشتری‌محور و بهره‌گیری از هوش مصنوعی و یادگیری ماشین از جمله عوامل کلیدی هستند که به رهبری هوشمند در این صنعت کمک می‌کنند. رهبران هوشمند در این صنعت باید با درک عمیق از این شرایط، محیطی را ایجاد کنند که نوآوری، یادگیری مستمر و انعطاف‌پذیری را تشویق کرده و در عین حال، کیفیت خدمات و رضایت مشتریان را در اولویت قرار دهد.



شکل ۴- بستر مدل رهبری هوشمند - (منبع: یافته‌های پژوهشگر)

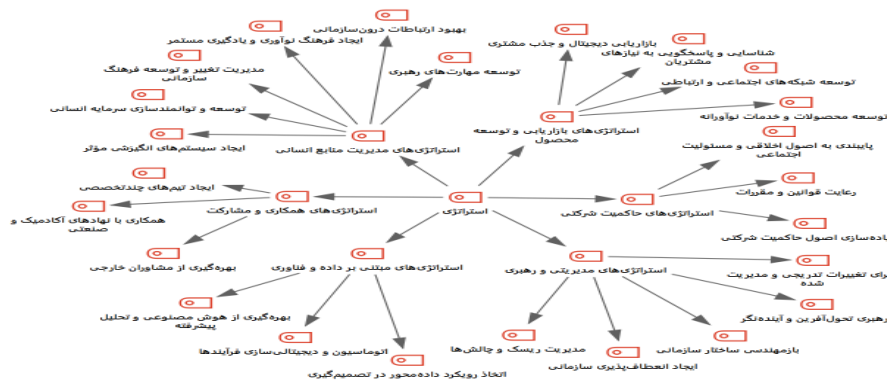
طراحی و اعتباریابی مدل رهبری هوشمند در.../حدادرضوی، حسینزاده و جاننثاراحمدی

سؤال فرعی چهارم: تحلیل عوامل مداخله‌گر در مدل رهبری هوشمند در صنعت تلکام نشان می‌دهد که این عوامل شامل هشت مقوله اصلی هستند: عوامل ارتباطی، اقتصادی و مالی، انسانی، بازار رقابت، سازمانی، سیاسی و قانونی، فناوری و دیجیتال و دیجیتال و فنی و زیرساختی. این عوامل به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر اجرای استراتژی‌ها و پیامدهای رهبری هوشمند تأثیر می‌گذارند. به‌عنوان مثال، ارتباط مؤثر با مشتریان و مدیریت منابع انسانی متخصص، از جمله عواملی هستند که می‌توانند موفقیت رهبری هوشمند را تسهیل کنند. در مقابل، محدودیت‌های مالی، چالش‌های فنی و مقررات قانونی می‌توانند به‌عنوان موانعی بر سر راه این رهبری عمل کنند. رهبران هوشمند در صنعت تلکام باید توانایی مدیریت این عوامل متنوع و پیچیده را داشته باشند تا بتوانند به اهداف سازمانی خود دست یابند.



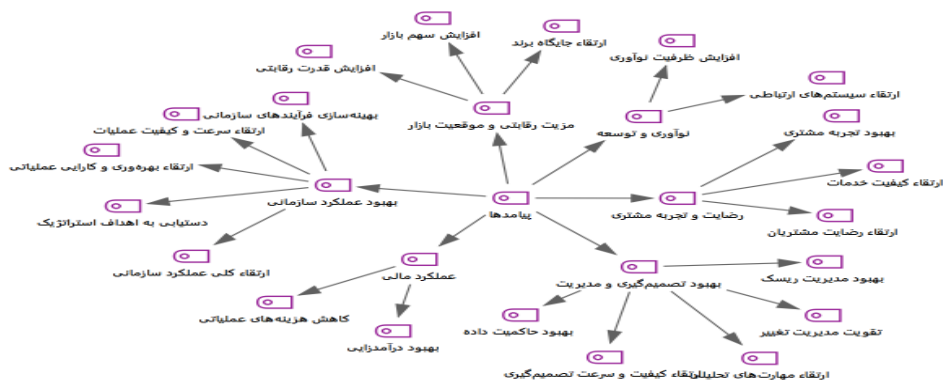
شکل ۵- مدل پارادایمی عوامل مداخله‌گر رهبری هوشمند - (منبع: یافته‌های پژوهشگر)

سؤال فرعی پنجم: تحلیل استراتژی‌های رهبری هوشمند در تلکام نشان می‌دهد که این استراتژی‌ها شامل امنیت و حاکمیت داده، بازاریابی و توسعه محصول، برنامه‌ریزی و مدیریت عملکرد، حاکمیت شرکتی، مدیریت منابع انسانی و همکاری و مشارکت است. به‌کارگیری فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی و تحلیل داده‌های کلان، امنیت سایبری را تقویت، فرآیندهای کسب‌وکار را بهینه‌سازی و تعاملات با مشتریان را بهبود می‌بخشد. همچنین، ایجاد فرهنگ نوآوری و یادگیری مستمر، انعطاف‌پذیری سازمانی و مدیریت تغییر از دیگر راهبردها در این صنعت است.



شکل ۶- مدل پارادایمی استراتژی‌های مدل رهبری هوشمند - (منبع: یافته‌های پژوهشگر)

سؤال فرعی ششم: تحلیل پیامدهای مدل رهبری هوشمند در صنعت تلکام نشان می‌دهد که این مدل می‌تواند منجر به بهبود در تصمیم‌گیری و مدیریت، عملکرد سازمانی، رضایت مشتری، عملکرد مالی، فرهنگ سازمانی و سرمایه انسانی، مزیت رقابتی و نوآوری شود. با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و تحلیل داده‌ها، سازمان‌ها می‌توانند تصمیمات آگاهانه‌تری بگیرند. این مدل همچنین به سازمان‌ها امکان می‌دهد تا با ایجاد فرهنگ نوآوری و بهینه‌سازی فرآیندها، موقعیت رقابتی خود را در بازار تقویت کرده و ظرفیت نوآوری خود را افزایش دهند که در نهایت به رشد پایدار و موفقیت بلندمدت منجر می‌شود.



شکل ۷- مدل پارادایمی پیامدهای رهبری هوشمند - (منبع: یافته‌های پژوهشگر)

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با ترکیب ابعاد مختلفی چون رهبری تحول‌گرا، سیستمی، مبتنی بر داده و فناوری، مشارکتی و مشتری‌محور، به رهبران صنعت تلکام کمک می‌کند تا با چالش‌های پیچیده و متغیر این

طراحی و اعتباریابی مدل رهبری هوشمند در.../حدادرضوی، حسینزاده و جاننثاراحمدی

صنعت به طور مؤثر مواجه شوند. در مراحل مختلف پژوهش، شرایط علی، زمینه‌ای و واسطه‌ای مؤثر بر رهبری هوشمند شناسایی و تحلیل شد و در نهایت، استراتژی‌ها و پیامدهای اجرای این مدل مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مدل رهبری هوشمند در صنعت تلکام، شامل شش بعد کلیدی است: شرایط علی، بستر، عوامل مداخله‌گر، استراتژی‌ها، پیامدها و مقوله محوری. این مدل بر ترکیب هوش عاطفی، اجتماعی و تحلیلی تأکید دارد و نشان می‌دهد که رهبران هوشمند با استفاده از فناوری‌های نوین، تحلیل داده‌ها و تمرکز بر مشتری‌مداری، می‌توانند به تصمیم‌گیری‌های دقیق‌تر و مؤثرتری دست یابند. شرایط علی مانند تعهد مدیریتی و فرهنگ سازمانی، بستریهایی چون توسعه زیرساخت‌های فناوری و تحقیق و توسعه و عوامل مداخله‌گری نظیر پویایی‌های بازار و محدودیت‌های قانونی، تأثیر بسزایی در موفقیت این مدل دارند. از سوی دیگر، استراتژی‌هایی چون بهره‌گیری از هوش مصنوعی و تحلیل پیشرفته، توسعه مهارت‌های رهبری و ایجاد فرهنگ نوآوری و یادگیری مستمر، به رهبران کمک می‌کند تا بهینه‌سازی فرآیندها، افزایش رضایت مشتریان و بهبود عملکرد سازمانی را تسهیل نمایند. پیامدهای این مدل نیز شامل ارتقای بهره‌وری، افزایش مزیت رقابتی، بهبود رضایت مشتریان و تقویت تعلق و تعهد سازمانی می‌باشد. با توجه به یافته‌های این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که رهبری هوشمند چندبعدی می‌تواند به‌عنوان یک رویکرد جامع و کارآمد در صنعت تلکام به کار گرفته شود. این مدل نه تنها به بهبود عملکرد سازمان‌ها و افزایش رضایت مشتریان کمک می‌کند، بلکه موجب تقویت نوآوری، چابکی سازمانی و ایجاد مزیت رقابتی پایدار می‌گردد. این دستاوردها، اهمیت توجه به توسعه مهارت‌های مدیریتی و استفاده هوشمندانه از داده‌ها و فناوری‌های نوین را در صنعت تلکام برجسته می‌کند. یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های رامدینی و واهیبونینگتیاس (۲۰۲۳) و سند و النقبی (۲۰۲۳) که به بررسی تأثیر رهبری تحول‌آفرین و فرهنگ سازمانی بر نوآوری و چابکی سازمانی پرداخته‌اند، همسو است. این پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهند که رهبری تحول‌گرا، با تأکید بر نوآوری و چابکی سازمانی، می‌تواند به بهبود عملکرد و مزیت رقابتی در صنعت تلکام منجر شود. دلیل این همسویی را می‌توان در تأکید هر دو پژوهش بر اهمیت استفاده از رویکردهای نوآورانه و مبتنی بر فناوری در رهبری و مدیریت سازمان‌های فناوری محور نظیر تلکام دانست. این مطالعات نیز مانند پژوهش حاضر، بر این باورند که رهبری هوشمند، به‌ویژه در محیط‌های پرقابیت و پیچیده، نقش کلیدی در توانمندسازی سازمان‌ها و تطبیق با تغییرات سریع محیطی ایفا می‌کند. پژوهش حاضر به‌طور خاص به تأثیرات چندبعدی رهبری هوشمند پرداخته و نقش عواملی چون فرهنگ سازمانی و مدیریت تغییر را به‌عنوان عناصر مداخله‌گر و پیچیده‌تر در موفقیت رهبری

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

هوشمند مورد توجه قرار داده است. علاوه بر این جنبه‌ها، به ابعاد انسانی و فرهنگی رهبری نیز توجه داشته است. به‌طور کلی، پژوهش‌هایی که به بررسی نقش رهبری تحول‌گرا و مشتری‌محور در بهبود عملکرد سازمانی و نوآوری در صنعت تلکام پرداخته‌اند، نتایج همسویی با پژوهش حاضر دارند. در مقابل، پژوهش‌هایی که صرفاً بر تأثیرات فنی و تکنولوژیکی تمرکز داشته و به ابعاد فرهنگی و انسانی توجه کمتری داشته‌اند، در برخی نتایج با این تحقیق تفاوت دارند. این امر نشان می‌دهد که درک جامع و چندبعدی از رهبری هوشمند که به ابعاد انسانی، فرهنگی و تکنولوژیک توجه داشته باشد، می‌تواند به نتایج دقیق‌تر و کاربردی‌تری در زمینه رهبری و مدیریت در صنعت تلکام منجر گردد.

پیشنهادها:

۱. توسعه زیرساخت‌های فناوری و داده برای بهره‌برداری از تحلیل‌های پیشرفته و هوش مصنوعی.
۲. تقویت فرهنگ سازمانی مبتنی بر نوآوری و یادگیری مستمر برای افزایش چابکی سازمانی.
۳. ایجاد تیم‌های چند تخصصی و افزایش مشارکت کارکنان در تصمیم‌گیری‌های سازمانی.
۴. تدوین راهبردهای مؤثر برای مدیریت تغییرات و افزایش انعطاف‌پذیری در مواجهه با تحولات.
۵. استفاده از داده‌های مشتریان برای ارائه خدمات شخصی‌سازی شده و افزایش وفاداری.
۶. ایجاد سیاست‌های مشخص در حوزه حاکمیت برای تضمین امنیت اطلاعات و حریم خصوصی.
۷. استفاده از دانش و تجربیات مشاوران و متخصصان خارجی برای بهبود فرآیندها.

محدودیت‌ها

۱. تغییرات در اقتصاد کلان، محیط سازمانی و بازار ممکن است نتایج را تحت تأثیر قرار دهد.
۲. تأثیر فرهنگ سازمانی خاص هر منطقه ممکن است بر نتایج پژوهش تأثیرگذار بوده و تعمیم آن به سایر فرهنگ‌های سازمانی را دشوار سازد.
۳. روش‌های کیفی و نظریه داده، بنیادممکن است باعث تفسیرهای وابسته به نظر پژوهشگر شود.
۴. تعداد محدود مصاحبه‌شوندگان و جامعه آماری ممکن است بر جامعیت نتایج تأثیرگذار باشد.
۵. دسترسی به فناوری‌های نوین و تحلیل داده‌ها به امکانات فنی و زیرساخت‌های موجود محدود بوده و ممکن است بر کیفیت و دقت نتایج اثرگذار باشد.
۶. تغییرات سریع و نوآوری‌های فناوری ممکن است باعث شود نتایج به‌سرعت قدیمی شوند.

طراحی و اعتباریابی مدل رهبری هوشمند در.../حدادرضوی، حسینزاده و جاننثاراحمدی

منابع

- ۱) آرپناهی ایستادگی، شاهین. کیماسی. چیتساز. اسفینانی، (۱۴۰۳). ارائه بدیل‌ها در مدل کسب‌وکار پراتورهای تلفن همراه در ایران با ورود نسل‌های جدید تکنولوژی شبکه همراه. تکنولوژی در کارآفرینی و مدیریت استراتژیک، ۳(۲)، ۲۲۲-۲۰۶.
- ۲) اریبی، توحید. صدقی. خواجه محمدلو. (۲۰۲۲). آنتن فشرده چند بانده چند ورودی چند خروجی برای کاربردهای نسل‌های جدید مخابرات بی‌سیم و اینترنت اشیا. مهندسی مخابرات جنوب، ۱۲(۴۵)، ۱۹-۳۰.
- ۳) اصغرینیا، مرتضی. احمدی زاد. فرهادی، (۱۴۰۱). چالش‌ها و الزامات اجرای راهبرد تحول دیجیتال در صنعت تلکام. بررسی‌های بازرگانی، ۲۰(۱۱۶)، ۱۵۸-۱۳۳.
- ۴) آقاجانی، حسن. بدیع. (۱۴۰۳). قابلیت تحلیل کسب‌وکار با بهبود مدیریت امنیت داده‌ها رایانش ابری. کنفرانس بین‌المللی مطالعات بین‌رشته‌ای در مدیریت و مهندسی.
- ۵) پایخوان، حمیرا. زمانی مقدم. شعبان‌نژاد. (۱۴۰۲). شناسایی، اعتباریابی و رتبه‌بندی پیشران‌های آموزش کسب‌مزیت رقابتی مراکز آموزش عالی. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، ۱۷(۲)، ۱۲۲-۱۶۳.
- ۶) حیدری سورشجانی، نسرین. نصیری. قنبری. (۱۴۰۲). تأثیر رهبری هوشمند بر وفاداری سازمانی؛ نقش میانجی دانش‌آفرینی. فناوری آموزش، ۱۷(۳)، ۵۷۳-۵۸۸.
- ۷) شجاعی‌فرد، علی. نادری‌نژاد. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر استراتژی‌های مدیریت دانش بر قابلیت‌های نوآوری با نقش میانجی فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت و فناوری اطلاعات و ارتباطات در شرکت همراه اول. فصلنامه مطالعات رفتاری و تعالی سازمانی، ۱(۲)، ۳۸-۵۴.
- ۸) قاسمی، فرزانه. قلی‌پور. ابویی. (۱۴۰۱). شناسایی و اولویت‌بندی معیارهای مشاغل استراتژیک (مورد مطالعه: شرکت همراه اول). پژوهش‌های مدیریت عمومی، ۱۵(۵۷)، ۳۰-۵.
- ۹) عبیدی، مهدیه. ذوالفقاری زعفرانی. حقیقی. (۱۴۰۳). شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های شایستگی منابع انسانی در عصر تحول دیجیتال. فصلنامه مدیریت و چشم‌انداز آموزش، ۶(۲)، ۳۴۷-۳۲۶.
- ۱۰) لطفعلی، زهرا. خالقی بیزکی. (۱۴۰۲). نسل پنجم مخابرات سیار دروازه‌ای به نسل چهارم صنعت. مجله نوآوری‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات کاربردی.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

۱۱) ملکی‌پور غربی، محمود. قدرتی. جباری. پناهیان، فرزین‌فر. (۱۴۰۲). طراحی الگوی فرایندی مسئولیت‌های اجتماعی - اخلاقی در مؤسسات حسابرسی (رویکرد کیفی: تئوری داده بنیاد). اقتصاد مالی، ۱۷(۶۵)، ۱۹۴-۱۷۷.

۱۲) نظریان جشن‌آبادی، جواد. رونقی. علی‌محمدلو. ابراهیمی. (۱۴۰۲). چهارچوب عوامل مؤثر بر بلوغ هوشمندی کسب‌وکار. مطالعات مدیریت کسب‌وکار هوشمند، ۱۲(۴۶)، ۱-۳۹.

۱۳) نبی‌زاده، محمد. زنگویی. (۱۴۰۲). اثربخشی هوش معنوی تربیت محور بر سبک رهبری تحول‌آفرین مدیران و اساتید دانشگاه. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۱(۵۹)، ۵۸-۳۹.

۱۴) نریمانی، احسان. لطفی. هدایتی. (۱۴۰۲). مروری بر کاربردهای یادگیری ماشین در مرکز عملیات امنیت و تشخیص حملات. پژوهش‌های کاربردی در فنی و مهندسی، ۳۲(۴)، ۲۲۵-۲۱۱.

۱۵) همای‌پور، هدیه. منوریان. قلی‌پور. (۱۴۰۰). طراحی مدل ارزیابی عملکرد شرکت ارتباطات سیار ایران با رویکرد سازمان دانش‌محور. مدیریت دانش سازمانی، ۴(۱)، ۱۹۵-۱۵۵.

۱۶) هاشمی، سیده پردیس. شیربگی. (۱۴۰۳). کاربرد نظریه داده بنیاد جهت ارائه مدل رهبری اثربخش معلمان فاقد صلاحیت در مدارس ابتدایی. پژوهش‌های رهبری آموزشی، ۸(۳۰)، ۴۸-۶.

17) Ahokangas. Atkova. Yrjölä. & Matinmikko-Blue. (2024). Business model theory and the becoming of new mobile communications technologies. Springer International Publishing, 263-293.

18) Aldoseri, Al-Khalifa. & Hamouda, A. (2023). A roadmap for integrating automation with process optimization for AI-powered digital transformation. Preprints.

19) Banafaa. Shayea. Din. Azmi. Alashbi. Daradkeh. & Alhammadi. (2023). 6G mobile communication technology: Requirements, targets, applications, challenges, advantages, and opportunities. Alexandria Engineering Journal, 64, 245-274.

20) Bhadra. Chakraborty. & Saha. (2023). Cognitive IoT Meets Robotic Process Automation: The Unique Convergence Revolutionizing Digital Transformation in the Industry 4.0 Era. Springer Nature Singapore, 355-388.

21) Bhima. Zahra. Nurtino. & Firlil. (2023). Enhancing organizational efficiency through the integration of artificial intelligence in management information systems. APTISI Transactions on Management, 7(3), 282-289.

22) Corbin. & Strauss, A. (2014). Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory. Sage publications.

- 23) Jeong. (2021). A cross-level analysis of organizational knowledge creation: How do transformational leaders interact with their subordinates' expertise and interpersonal relationships? *Human Resource Development Quarterly*, 32(2), 111-130.
- 24) Le. & Do. (2024). Stimulating innovation performance through knowledge-oriented leadership and knowledge sharing: The moderating role of market turbulence. *International Journal of Innovation Science*, 16(3), 527-549.
- 25) Ramdini. & Wahyuningtyas. (2023). The Role of Learning Orientation in Moderating the Influence of Transformational Leadership and Organizational Culture on Innovative Work Behavior of PT Telkomsel Employees. *Journal of Business and Management Studies*, 5(5), 12-23.
- 26) Susanty. Budiharjo. & Winarto. (2024). Achieving an agile organisation in an Indonesian telecommunications company: investigation on leadership impact and mediation variables. *Journal of Science and Technology Policy Management*, 15(1), 6-30.
- 27) Sandhu. & Al Naqbi. (2023). Leadership behavior and innovation performance in the UAE's telecom and ICT industries. *Benchmarking: An International Journal*, 30(5), 1695-1712.
- 28) Schmieder. & Rogers. (2024). Using MAXQDA for a Large Qualitative Dataset: Identifying Relevant Data and Analyzing It With Thematic Analysis. *The Practice of Qualitative Data Analysis: Research Examples Using MAXQDA*, 2, 127-147.
- 29) Vahidinia. & Hasani. (2023). A comprehensive evaluation model for smart supply chain based on the hybrid multi-criteria decision-making method. *Journal of Soft Computing and Decision Analytics*, 1(1), 219-237.

-
1. Le & Do
 2. Jeong
 3. Ahokangas et al.
 4. Banafaa et al.
 5. Aldoseri et al.
 6. Bhadra et al.
 7. Internet of Things (IoT)
 8. Analytic Hierarchy Process (AHP)
 9. Bhima et al.
 10. Susanty et al.
 11. Ramdini & Wahyuningtyas
 12. Structural Equation Model (SEM)
 13. Lisrel
 14. Sandhu & Al Naqbi
 15. Information and Communication Technology (ICT)
 16. Grounded Theory
 17. MaxQDA
 18. Schmieder & Rogers
 19. Corbin & Strauss

Design and Validation of Intelligent Leadership Model in Telecom Industry Based on Foundation Data Theory
(Study Case: First Mobile Operator in Razavi Khorasan)

Receipt: 17/12/2024 Acceptance: 07/01/2025

Mehrdad haddadrazavi¹

Ali Hosseinzadeh²

Hoda JannesarAhmadi³

Abstract

The purpose of the research is to design and validate the intelligent leadership model in the telecom industry. For this purpose, through in-depth interviews with 12 experts in the field, the situation of the market leader with the name of the first companion in Khorasan Razavi province was investigated. The proposed model is based on data base theory and qualitative approach. Data analysis has been done in three stages of open, central and selective coding using MaxQuda.

The findings of intelligent leadership are: 1 -The leadership model includes causes, background, intervening factors and strategies, consequences and a central category. 2 -Causal conditions include organizational culture, management structure and commitment, market dynamics, technological changes and legal requirements. 3 -The central category is a combination of transformational, systemic, technological, collaborative and customer leadership. 4 -Background conditions include strategy, research and development, technology infrastructure, organizational culture, human resources, customer, marketing, artificial intelligence and machine learning. 5 -Strategies include security and corporate data governance, marketing, product, planning, performance management, human resources, collaboration and partnership. 6 -The leadership model leading to improvement includes organizational and financial performance, customer satisfaction, organizational culture, competitive advantage and innovation.

Keywords

intelligent leadership, telecom industry, data base theory, artificial intelligence.

1-PhD Student, Department of Business Administration, Torbat-e Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat-e Heydariyeh, Iran. M.haddadrazavi@gmail.com

2-Assistant Professor, Department of Public Administration, Torbat-e Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat-e Heydariyeh, Iran. (Corresponding Author) Hosseinzadeh56@gmail.com

3-Assistant Professor, Department of Public Administration, Torbat-e jam Branch, Islamic Azad University, Torbat-e jam, Iran. h.j.ahmadi@gmail.com



فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی

دوره چهارم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۴۰۳

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۶۴-۸۱

تأثیر استراتژی‌های مدیریت جهادی بر توسعه پایدار اقتصاد دریایی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۰۴ هدی زینالی

چکیده

امروزه چالش‌های اقتصادی و زیست‌محیطی توسعه پایدار را به اولوی‌های اساسی برای کشورهای تبدیل کرده است. در این راستا، استراتژی‌های مدیریت جهادی به‌عنوان رویکردی نوین در بهره‌برداری از منابع دریایی و حفظ محیط زیست اهمیت یافته‌اند. این پژوهش تأثیر این استراتژی‌ها بر توسعه پایدار اقتصاد دریایی ایران را بررسی می‌کند. روش پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی؛ به لحاظ داده، کمی؛ و به لحاظ طراحی، توصیفی-تحلیلی با رویکرد همبستگی است. داده‌ها از ۳۳۵ پاسخ‌دهنده به پرسشنامه محقق‌ساخته گردآوری شد و روایی و پایایی ابزار با شاخص‌های معتبر تأیید شد. یافته‌ها نشان داد استراتژی‌های مدیریت جهادی شامل توسعه انسانی، عدالت، حفاظت از محیط زیست و مشارکت اجتماعی با اطمینان ۹۹ درصد بر توسعه پایدار اقتصاد دریایی مؤثرند. بیشترین تأثیر به مشارکت اجتماعی با ضریب ۰.۷۴۳ تعلق داشت. این نتایج نشان می‌دهد که استراتژی‌های مدیریت جهادی با افزایش بهره‌وری اقتصادی و حفاظت از منابع دریایی، زمینه‌ساز بهبود شرایط زیست‌محیطی و اجتماعی هستند. یافته‌های پژوهش می‌تواند مبنای علمی برای سیاست‌گذاران و فعالان اقتصادی در طراحی برنامه‌های مؤثر در حوزه اقتصاد دریایی قرار گیرد.

کلمات کلیدی

مدیریت جهادی، توسعه پایدار، اقتصاد دریایی، حفاظت از محیط زیست

تأثیر استراتژی‌های مدیریت جهادی بر توسعه پایدار اقتصاد دریایی / زینالی

مقدمه

توسعه پایدار اقتصاد دریایی در عصر حاضر به‌عنوان یک موضوع حیاتی و اساسی مطرح است، به‌ویژه با توجه به چالش‌های اقتصادی و زیست‌محیطی که کشور با آن‌ها مواجه است. ایران با دسترسی به سواحل طولانی و منابع دریایی غنی، پتانسیل بالایی برای بهره‌برداری از این منابع دارد. اما در عین حال، این منابع با تهدیداتی همچون آلودگی، تغییرات اقلیمی و بهره‌برداری غیرمستدام مواجه هستند (کامرانی و همکاران، ۱۴۰۳). بنابراین، توجه به توسعه پایدار اقتصاد دریایی می‌تواند به‌عنوان یک راهکار موثر در حفظ این منابع و بهبود کیفیت زندگی جوامع محلی مطرح شود. این امر نه تنها به حفظ تنوع زیستی و اکوسیستم‌های دریایی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد در مناطق ساحلی نیز منجر شود (دینیز^۱ و همکاران، ۲۰۲۴).

علاوه بر این، در شرایط کنونی که کشورهای مختلف به دنبال توسعه پایدار و تأمین امنیت غذایی هستند، ایران نیز باید به این موضوع توجه ویژه‌ای داشته باشد. با توجه به جمعیت رو به رشد و نیاز به منابع غذایی، توسعه پایدار اقتصاد دریایی می‌تواند به تأمین نیازهای غذایی کشور و کاهش وابستگی به واردات کمک کند. همچنین، این رویکرد می‌تواند به تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه مدیریت منابع دریایی و حفاظت از محیط زیست منجر شود. بنابراین، اهمیت مسئله توسعه پایدار اقتصاد دریایی در ایران نه تنها به لحاظ اقتصادی، بلکه از نظر اجتماعی و زیست‌محیطی نیز غیرقابل انکار است (استادی جعفری، ۱۴۰۰).

توسعه پایدار اقتصاد دریایی به معنای بهره‌برداری از منابع دریایی به‌گونه‌ای است که نیازهای کنونی جامعه را تأمین کند، بدون آنکه توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهای خود را به خطر اندازد. این مفهوم شامل مدیریت بهینه منابع دریایی، حفظ تنوع زیستی، کاهش آلودگی و ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار در جوامع ساحلی می‌باشد. توسعه پایدار اقتصاد دریایی به دنبال ایجاد تعادل میان بهره‌برداری اقتصادی و حفاظت از محیط زیست است و بر این اساس، به‌منظور تحقق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی باید رویکردهای نوین و مؤثری در مدیریت منابع دریایی اتخاذ شود (وانگ^۲ و همکاران، ۲۰۲۰).

اقتصاد دریایی با چالش‌های متعددی مواجه است که می‌تواند بر توسعه پایدار آن تأثیر منفی بگذارد. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های صنعتی و شهری است که به تخریب اکوسیستم‌های دریایی و کاهش کیفیت آب منجر می‌شود. همچنین، بهره‌برداری غیرمستدام از منابع دریایی، مانند صید بی‌رویه، تهدید جدی برای تنوع زیستی و توازن اکولوژیکی در دریاها محسوب

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

می‌شود. این مسائل نه تنها به منابع طبیعی آسیب می‌زنند، بلکه می‌توانند به کاهش کیفیت زندگی جوامع محلی و افزایش فقر در مناطق ساحلی منجر شوند. بنابراین، پرداختن به این چالش‌ها و یافتن راهکارهای مؤثر برای مدیریت پایدار منابع دریایی امری ضروری است. علاوه بر این، عدم هماهنگی و همکاری میان نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی در زمینه مدیریت منابع دریایی، از دیگر چالش‌های مهم در این حوزه است. فقدان برنامه‌ریزی جامع و یکپارچه برای توسعه پایدار اقتصاد دریایی، به‌ویژه در زمینه آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی، می‌تواند به عدم استفاده بهینه از منابع و فرصت‌های موجود منجر شود. به همین دلیل، اهمیت پرداختن به این مسائل و چالش‌ها در راستای توسعه پایدار اقتصاد دریایی، نه تنها به حفظ منابع طبیعی و بهبود شرایط زیست‌محیطی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به رشد اقتصادی و اجتماعی کشور نیز منجر شود (سبحانیان و همکاران، ۱۴۰۲).

ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

تأثیر استراتژی‌های مدیریت جهادی بر توسعه پایدار اقتصاد دریایی به‌طور قابل توجهی با توجه به اصول بنیادی مدیریت جهادی و اهداف توسعه پایدار قابل تبیین است. مدیریت جهادی به‌عنوان یک رویکرد نوین، بر اساس ارزش‌های انسانی، عدالت اجتماعی، و حفاظت از محیط زیست شکل گرفته است. این رویکرد با تأکید بر توسعه انسانی و آموزش، می‌تواند به توانمندسازی جوامع محلی در مناطق ساحلی کمک کند و از طریق ارتقاء کیفیت آموزش و مهارت‌های زندگی، نیروی انسانی را برای بهره‌برداری پایدار از منابع دریایی آماده سازد. به‌علاوه، با ترویج فرهنگ یادگیری و ایجاد انگیزه برای یادگیری مداوم، این استراتژی‌ها می‌توانند به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی در جوامع ساحلی کمک کنند و به‌تبع آن، توسعه پایدار اقتصاد دریایی را تسهیل نمایند (ذبیح‌الله‌نژاد و شریفی‌ولیلای، ۱۴۰۰).

از سوی دیگر، استراتژی‌های مدیریت جهادی با تأکید بر عدالت اجتماعی و اقتصادی، می‌توانند به توزیع عادلانه منابع و فرصت‌های شغلی در صنعت دریایی کمک کنند. این رویکرد به‌ویژه در شرایطی که جوامع محلی با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی مواجه هستند، می‌تواند به افزایش مشارکت اجتماعی و توانمندسازی اقتصادی منجر شود. همچنین، با توجه به اهمیت حفاظت از محیط زیست در توسعه پایدار، مدیریت جهادی می‌تواند به ترویج شیوه‌های پایدار در بهره‌برداری از منابع دریایی و کاهش آلودگی کمک کند. به‌طور کلی، این استراتژی‌ها با ایجاد هماهنگی میان اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، می‌توانند به‌طور مؤثری به توسعه پایدار اقتصاد دریایی کمک نمایند و از این

تأثیر استراتژی‌های مدیریت جهادی بر توسعه پایدار اقتصاد دریایی / زینالی

طریق، به بهبود کیفیت زندگی جوامع محلی و حفظ منابع طبیعی منجر شوند (عالی‌پور و عنایتی، ۱۳۹۹). در ادامه به بررسی مفاهیم مرتبط با هر یک از استراتژی‌های مدیریت جهادی پرداخته می‌شود. توسعه انسانی و آموزش به‌عنوان یکی از ارکان اصلی استراتژی‌های مدیریت جهادی، به تقویت و توانمندسازی نیروی انسانی در جوامع محلی می‌پردازد (بیک‌زاد و همکاران، ۱۴۰۰). این مفهوم بر این باور استوار است که سرمایه انسانی، به‌ویژه در مناطق ساحلی و دریایی، باید به‌طور مستمر تقویت شود تا بتواند در برابر چالش‌های اقتصادی و اجتماعی ایستادگی کند. آموزش رسمی و غیررسمی، کارگاه‌های مهارتی، و برنامه‌های مشاوره‌ای از جمله ابزارهای مؤثر در این راستا هستند که می‌توانند به ارتقاء مهارت‌های شغلی و زندگی افراد کمک کنند. با ایجاد فرهنگ یادگیری و ترویج یادگیری مداوم، جوامع محلی می‌توانند از فرصت‌های اقتصادی بهره‌برداری کنند و به‌طور مؤثری در توسعه پایدار اقتصاد دریایی نقش ایفا نمایند. همچنین عدالت اجتماعی و اقتصادی در استراتژی‌های مدیریت جهادی به‌عنوان یک اصل کلیدی مطرح است که به توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها در جامعه می‌پردازد. این مفهوم بر این اساس است که همه افراد باید به‌طور برابر از امکانات و منابع موجود بهره‌مند شوند و هیچ‌کس به‌دلیل جنسیت، نژاد یا وضعیت اقتصادی خود از فرصت‌های شغلی و اجتماعی محروم نگردد. در زمینه اقتصاد دریایی، این امر می‌تواند به ایجاد فرصت‌های شغلی برابر، حمایت از زنان و اقلیت‌ها، و توانمندسازی اقتصادی جوامع محلی منجر شود. همچنین، با تشویق به مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و ایجاد شبکه‌های اجتماعی، می‌توان به تقویت حس همبستگی و همکاری در میان اعضای جامعه کمک کرد (رن و جی، ۲۰۲۱).

از طرف دیگر توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست به‌عنوان یکی دیگر از اصول بنیادین مدیریت جهادی، بر اهمیت حفظ منابع طبیعی و اکوسیستم‌های دریایی تأکید دارد. این رویکرد به‌دنبال ایجاد تعادل میان بهره‌برداری اقتصادی و حفاظت از محیط زیست است، به‌طوری که نیازهای کنونی جامعه تأمین شود بدون آنکه توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهای خود به خطر بیفتد (حیدری‌بهنوییه، ۱۴۰۲). در این راستا، استفاده از شیوه‌های پایدار در صید و بهره‌برداری از منابع دریایی، مدیریت بهینه پسماندها، و ترویج فرهنگ حفاظت از محیط زیست می‌تواند به حفظ تنوع زیستی و بهبود کیفیت زندگی در جوامع ساحلی کمک کند. این امر نه تنها به حفاظت از منابع طبیعی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار نیز منجر شود (لی و همکاران، ۲۰۲۰).

در نهایت همکاری و مشارکت اجتماعی به‌عنوان یک استراتژی کلیدی در مدیریت جهادی، بر اهمیت تعامل و هم‌افزایی میان اعضای جامعه تأکید دارد. این مفهوم به‌ویژه در زمینه مدیریت منابع دریایی اهمیت دارد، زیرا بهره‌برداری پایدار از این منابع نیازمند همکاری میان نهادهای دولتی،

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

سازمان‌های غیردولتی و جوامع محلی است. با ترویج فرهنگ مشارکت و ایجاد شبکه‌های همکاری، می‌توان به تبادل تجربیات و دانش میان فعالان حوزه دریایی کمک کرد و از این طریق، به بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری و مدیریت منابع دریایی دست یافت. این همکاری‌ها می‌تواند به افزایش آگاهی عمومی درباره چالش‌های محیط زیستی و اقتصادی، و همچنین به تقویت روحیه همبستگی و مسئولیت اجتماعی در جوامع محلی منجر شود. در نهایت، مشارکت اجتماعی می‌تواند به تحقق اهداف توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی در مناطق ساحلی کمک کند (چوداری^۵ و همکاران، ۲۰۲۱).

نظریه‌های مختلفی در زمینه چالش‌ها و مسائل توسعه پایدار اقتصاد دریایی وجود دارد که هر یک به نوعی به تحلیل و تبیین مشکلات موجود پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال، نظریه‌های مدیریت پایدار منابع طبیعی بر اهمیت حفظ تعادل میان بهره‌برداری اقتصادی و حفاظت از محیط زیست تأکید دارند (برکس^۶، ۲۰۱۹). با این حال، این نظریه‌ها غالباً به چالش‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از عدم عدالت در توزیع منابع و فرصت‌ها توجه کافی ندارند. همچنین، نظریه‌های توسعه انسانی معمولاً بر آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی تأکید دارند، اما کمتر به نقش همکاری و مشارکت اجتماعی در تحقق اهداف توسعه پایدار پرداخته‌اند (کومار^۷، ۲۰۲۱). در نتیجه، این نظریه‌ها نیاز به تجدیدنظر و توسعه دارند تا بتوانند به‌طور جامع‌تری به چالش‌های پیچیده‌ای که جوامع محلی در زمینه اقتصاد دریایی با آن‌ها مواجه هستند، پاسخ دهند.

پژوهش حاضر با تأکید بر استراتژی‌های مدیریت جهادی و توسعه پایدار، به دنبال شناسایی و تحلیل چالش‌های موجود در حوزه اقتصاد دریایی است. وجه تمایز این پژوهش در این است که به‌جای تمرکز صرف بر جنبه‌های اقتصادی، به بررسی ابعاد فرهنگی و اجتماعی نیز می‌پردازد و سعی دارد تا ارتباطات میان این ابعاد را مورد تحلیل قرار دهد. در بررسی پیشینه پژوهش‌های موجود، مشخص شده است که بسیاری از مطالعات به‌صورت جداگانه به جنبه‌های اقتصادی یا اجتماعی پرداخته‌اند و کمتر به ارتباطات میان این ابعاد توجه شده است. این شکاف پژوهشی ضرورت انجام تحقیقاتی جامع و یکپارچه را در این حوزه نشان می‌دهد. نقاط ضعف پژوهش‌های فعلی شامل عدم توجه کافی به نیازهای جوامع محلی و عدم بررسی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی بر توسعه پایدار است. بسیاری از پژوهش‌ها به‌طور عمده بر روی داده‌های کمی و تحلیل‌های اقتصادی تمرکز کرده‌اند و از تحلیل‌های کیفی و بررسی تجربیات محلی غافل مانده‌اند. پژوهش حاضر با ترکیب این دو رویکرد، سعی دارد تا یک تصویر جامع از چالش‌ها و فرصت‌های موجود در حوزه اقتصاد دریایی ارائه دهد و به‌این‌ترتیب به نیاز به تحقیقات بیشتر در این حوزه پاسخ دهد. درنهایت بهره‌وران و ذی‌نفعان این پژوهش شامل جوامع محلی، سیاست‌گذاران، سازمان‌های

تأثیر استراتژی‌های مدیریت جهادی بر توسعه پایدار اقتصاد دریایی / زینالی

غیردولتی و محققان در حوزه‌های مرتبط با توسعه پایدار و مدیریت منابع دریایی هستند. جوامع محلی می‌توانند از نتایج این پژوهش برای بهبود شرایط معیشتی و اقتصادی خود بهره‌برداری کنند و در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مدیریت منابع دریایی مشارکت بیشتری داشته باشند. سیاست‌گذاران و مسئولان دولتی می‌توانند با استفاده از یافته‌های پژوهش، سیاست‌های مؤثرتری برای مدیریت پایدار منابع دریایی تدوین کنند. همچنین، این پژوهش می‌تواند به محققان و دانشگاہیان در زمینه‌های مرتبط با توسعه پایدار و اقتصاد دریایی به‌عنوان یک منبع علمی معتبر کمک کند و زمینه‌ساز تحقیقات آینده باشد. درنهایت با توجه به آنچه گفته شد هدف مقاله حاضر "تأثیر استراتژی‌های مدیریت جهادی بر توسعه پایدار اقتصاد دریایی" است. با توجه به آنچه گفته شد فرضیه اصلی و فرعی به قرار زیر است: فرضیه اصلی: استراتژی‌های مدیریت جهادی بر توسعه پایدار اقتصاد دریایی تأثیر دارد.

فرضیه های فرعی:

- استراتژی توسعه انسانی بر توسعه پایدار اقتصاد دریایی تأثیر دارد
- استراتژی عدالت محوری بر توسعه پایدار اقتصاد دریایی تأثیر دارد
- استراتژی حفاظت از محیط زیست بر توسعه پایدار اقتصاد دریایی تأثیر دارد.
- استراتژی مشارکت اجتماعی بر توسعه پایدار اقتصاد دریایی تأثیر دارد.

روش‌شناسی

با توجه به هدف اصلی پژوهش حاضر، نوع پژوهش بر اساس اهداف پژوهش از نوع تحقیقات کاربردی؛ بر اساس نوع داده از نوع تحقیقات کمی است؛ بر اساس ماهیت (رویکرد و طراحی) از نوع توصیفی-تحلیلی با رویکرد همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه کارشناسان سازمان‌های ذی ربط حوزه دریایی شامل شرکت‌های کشتیرانی، شرکت‌های صیادی، صنایع تبدیل و فرآوری محصولات دریایی، شرکت‌های گردشگری دریایی، حمل و نقل دریایی، سازمان شیلات و سازمان محیط زیست بودند که به عنوان یک جامعه هدف کلیدی در پژوهش حاضر انتخاب شدند. حجم نمونه در این پژوهش با توجه به استفاده از آزمون تحلیل عاملی تأییدی، ۳۵۰ پاسخ دهنده به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد و پرسشنامه میان آن‌ها توزیع شد که ۱۵ پرسشنامه به دلیل ناقص بودن کنار گذاشته شد و عملیات آماری بر روی ۳۳۵ پاسخ دهنده انجام شد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش با توجه به جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی سهمیه‌ای استفاده شد و برای این منظور ۵۰ پرسشنامه به صورت آنلاین میان پاسخ دهندگان در هر یک از این ۷ سازمان توزیع شد. در

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

این پژوهش به منظور گردآوری اطلاعات از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شد. در این پژوهش به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته برگرفته از مبانی نظری و پیشینه مرتبط استفاده شد. این پرسشنامه‌ها شامل سوالات بسته پاسخ و بر اساس یک طیف ۵ درجه‌ای لیکرت بود که به صورت آنلاین در میان پاسخ دهندگان توزیع شد و داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزارهای آماری مورد تحلیل قرار گرفتند. این پرسشنامه شامل سوالاتی بود که روایی آن با روایی محتوا و پایایی آن ابتدا در یک گروه آزمایشی ۳۰ نفره اجرا و سپس اصلاحات لازم صورت گرفت و آنگاه پرسشنامه نهایی در میان گروه هدف توزیع شد. پرسشنامه این بخش شامل ۷۵ گویه با طیف اندازه‌گیری لیکرت ۵ درجه‌ای از خیلی زیاد تا خیلی کم بود که به سنجش نظر پاسخ دهندگان می‌پردازد. به منظور تعیین روایی پرسشنامه از روایی ظاهری، محتوایی و سازه استفاده شد. در روایی ظاهری پرسشنامه‌ها قبل از توزیع توسط پژوهش‌گر، چند نفر از اعضای نمونه و برخی خبرگان مورد بررسی قرار گرفت. در روایی محتوایی با کمک فرم‌های لاوشه نسبت روایی محتوا^۸ و شاخص روایی محتوا^۹ به کمک ده نفر از خبرگان پژوهش بررسی شد. با توجه به اینکه مقدار نسبت روایی محتوا برای همه سؤال‌ها بالای ۰/۶۲ به دست آمد هیچ سؤالی نیاز به حذف شدن نداشت به جز در پرسشنامه استراتژی‌های مدیریت جهادی که سه شاخص به دلیل مغایرت با ارزش‌های فرهنگی، اخلاقی و دینی کشور حذف شد و پرسشنامه از ۵۳ شاخص به ۵۰ شاخص کاهش یافت. در مورد روایی سازه نیز از دو نوع روایی همگرا و واگرا با کمک نرم‌افزار اسمارت پی ال اس^{۱۰} استفاده شد که یافته‌ها بیانگر تایید روایی سازه بود که نتایج در جدول زیر قابل ملاحظه است.

در این پژوهش پایایی از طریق ضریب آلفای کرونباخ^{۱۱}، پایایی ترکیبی^{۱۲} و اومگای مک دونالد^{۱۳} محاسبه شد. مقادیر این ضریب برای همه سازه‌های پرسشنامه بالای ۰/۷ (هیر و همکاران، ۲۰۱۷) به دست آمد که نشان‌دهنده پایا بودن ابزار اندازه‌گیری بود. لازم به ذکر است در پژوهش‌هایی که از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده می‌شود، از اومگای مک‌دونالد برای ارزیابی پایایی به دلیل دقت بیشتر، استفاده می‌شود (مک‌دونالد^{۱۴}، ۱۹۹۹). در تجزیه و تحلیل داده‌ها، در بخش کمی با توجه به سؤال‌های پژوهش از روش‌های توصیف و تحلیل آماری داده، در بخش توصیفی، توصیف آماری ویژگی‌های جمعیت شناختی شامل سن، جنسیت، تحصیلات و سابقه کار از درصد فراوانی، جدول و نمودار و همچنین برای توصیف متغیرهای پژوهش از میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی با نرم افزار IBM SPSS-27 نسخه Statistics سال ۲۰۱۵ استفاده شد.

در بخش تحلیل آماری داده برای پاسخ به فرضیه‌های پژوهش از آزمون‌های همبستگی پیرسون،

تأثیر استراتژی‌های مدیریت جهادی بر توسعه پایدار اقتصاد دریایی / زینالی

تحلیل عاملی تأییدی و مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم افزار SmartPls-V3 استفاده شد.

یافته‌ها

در این بخش ابتدا به توصیف آماری داده‌ها و سپس به تحلیل (استنباط) آماری داده‌ها پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است که قبل تحلیل داده‌ها فرایند پیش پردازش داده‌ها در دو بخش الزامی و اقتضایی شامل عملیات پاک‌سازی داده‌ها، نرمال‌سازی، تبدیل ویژگی‌ها و انتخاب ویژگی‌ها جهت افزایش کیفیت و دقت نتایج نهایی انجام شد. در این پژوهش، بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه در جدول زیر ابتدا به توصیف آماری ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شامل سن، جنسیت، تحصیلات، سابقه کار پرداخته می‌شود:

جدول ۱- توصیف آماری ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مربوط به پاسخ دهندگان

(حجم نمونه = ۳۳۵ پاسخ دهنده)

ویژگی جمعیت‌شناختی	طبقه	درصد	فراوانی	بیشترین فراوانی	کمترین فراوانی
سن	پائین‌تر از ۲۰ سال	٪۳۲	۱۰۷	پائین‌تر از ۲۰ سال	بالای ۵۰ سال
	بین ۲۱ تا ۳۰ سال	٪۲۸	۹۴		
	بین ۳۱ تا ۴۰ سال	٪۲۲	۷۴		
	بین ۴۱ تا ۵۰ سال	٪۱۴	۴۷		
	بالای ۵۰ سال	٪۴	۱۳		
جنسیت	مرد	٪۵۷	۱۹۱	مرد	زن
	زن	٪۴۳	۱۴۴		
تحصیلات	دیپلم و پایین‌تر	٪۲۱	۷۰	لیسانس	فوق دیپلم
	فوق دیپلم	٪۷	۲۳		
	لیسانس	٪۳۷	۱۲۴		
	فوق لیسانس	٪۱۹	۶۴		
	دکتری	٪۶	۲۰		
سابقه کار	کمتر از ۵ سال	٪۳۰	۱۰۰	بین ۶ تا ۱۰ سال	بالای ۲۰ سال
	بین ۶ تا ۱۰ سال	٪۳۹	۱۳۰		
	بین ۱۱ تا ۲۰ سال	٪۱۸	۶۰		
	بالای ۲۰ سال	٪۱۳	۴۵		

پس از بررسی توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش، ابتدا متغیرهای آشکار یا شاخص‌های اندازه‌گیری کننده متغیرهای پنهان (مکنون) که همان شاخص‌های ۷۵ گانه اندازه‌گیری

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

کننده ۵ متغیر مکنون است بررسی شد. لازم به ذکر است، بهترین معیار استاندارد می‌تواند با آن می‌توان توزیع‌های مختلف را با یک توزیع نرمال می‌توان بررسی کرد، همانا استفاده از شاخص چولگی و کشیدگی است (هیر^{۱۵} و همکاران، ۲۰۲۰). در این راستا کلاین (۲۰۱۶)، معتقد است توزیع فراوانی داده‌ها با شاخص چولگی بین مثبت و منفی ۳ و کشیدگی بین مثبت و منفی ۵ نشان دهنده، توزیعی نرمال است.

بر اساس مقادیر کمینه و بیشینه شاخص‌ها (متغیرهای آشکار) که البته پس از پیش پردازش داده‌ها که پیشتر گزارش آن به صورت مفصل بررسی شده است، نمودارهای جعبه‌ای نشان داد که کلیه‌ی نمرات در بازه ۱ تا ۵ قرار دارد و داده‌ای پرت بعد از پیش پردازش داده‌ها در داده‌هایی که برای آزمون فرضیات آماده می‌شود، وجود ندارد. همچنین با توجه به یافته‌ها می‌توان گفت، ضرایب چولگی و کشیدگی تمام شاخص‌ها در دامنه قابل قبول قرار دارد و بنابراین فرض لازم برای نرمال بودن توزیع داده‌های پژوهش در متغیرهای آشکار برقرار است.

در ادامه، بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه برای توصیف آماری متغیرهای پژوهش از میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی با نرم افزار IBM SPSS-27 نسخه Statistics سال ۲۰۱۵ استفاده شد که نتایج در جدول ۴ قابل مشاهده است:

جدول ۲- توصیف آماری سازه‌های پژوهش از طریق شاخص‌های مرکزی، پراکندگی و توزیع داده

(حجم نمونه = ۳۳۵ آزمودنی)

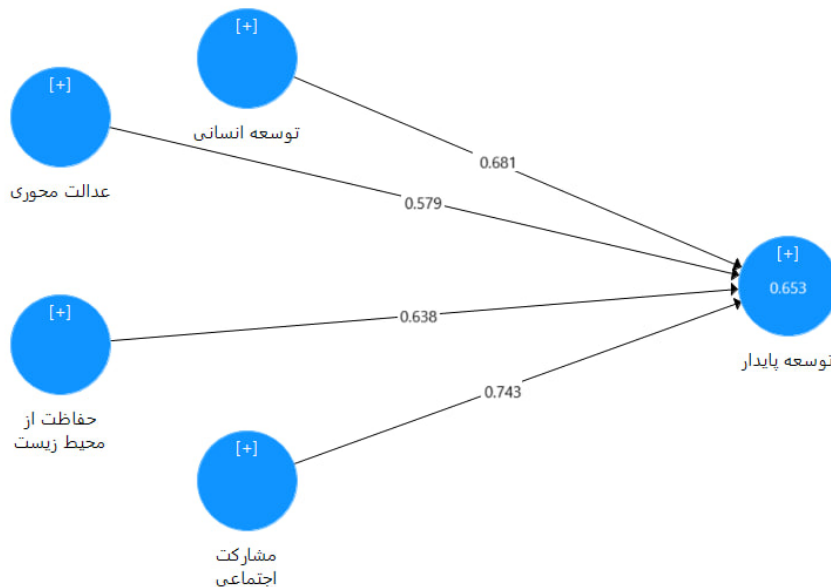
سازه	میانگین سازه (لیکرت)	انحراف معیار	آماره چولگی	آماره کشیدگی	کمینه	بیشینه
توسعه انسانی	۴/۳	۲/۲	۰/۱۵	۰/۳	۱	۵
عدالت محوری	۳/۳	۱/۵	۰/۰۵	۰/۲	۱	۵
حفاظت از محیط زیست	۴/۱	۱/۸	۰/۱	۰/۲	۱	۵
مشارکت اجتماعی	۳/۸	۱/۰۵	۰/۱	۰/۱	۱	۵
توسعه پایدار اقتصاد دریایی	۴/۲	۱/۷	۰/۱۳	۰/۱۱	۱	۵

به طور کلی، داده‌های به دست آمده از این سازه‌ها نشان‌دهنده نرمال بودن توزیع داده‌ها در این سازه‌ها است، چرا که در دامنه قابل قبول که قبلاً ذکر شد، قرار دارد و که این امر به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که از آزمون‌های آماری پارامتریک مناسب برای تحلیل‌های بعدی استفاده کنند.

در بخش تحلیل آماری داده برای پاسخ به فرضیه‌های پژوهش از آزمون مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم افزار SmartPls-V3 استفاده شد. لازم به ذکر است که مفروضات مدل‌سازی معادلات

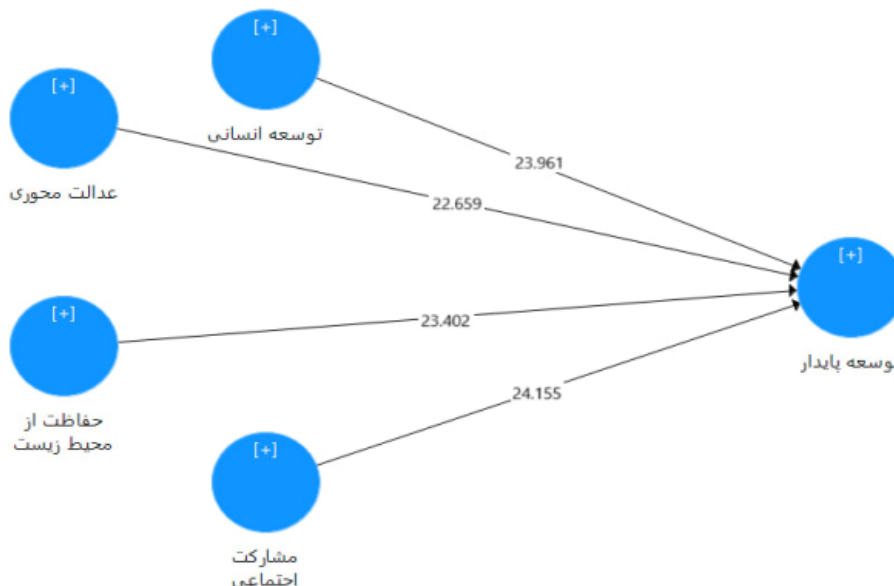
تأثیر استراتژی‌های مدیریت جهادی بر توسعه پایدار دریایی / زینالی

ساختاری شامل مفروضه استقلال مشاهدات، مقیاس اندازه‌گیری، کفایت حجم نمونه، نرمال بودن توزیع خطاها، خطی بودن روابط بین متغیرهای پنهان با یکدیگر، عدم وجود چندهمخطی بین متغیرهای پنهان بررسی و تایید شدند. همچنین قبل از تحلیل فرضیه‌های پژوهش با مدسازی معادلات ساختاری ابتدا مدل‌های اندازه‌گیری برای هر یک از سازه‌های پژوهش بررسی شدند. برای این منظور با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده از ۳۳۵ پاسخ‌دهنده، مدل‌های اندازه‌گیری به منظور تحلیل ماتریس کواریانس، بارهای عاملی، آزمون معناداری، خطاهای استاندارد به منظور ارزیابی روایی و پایایی پرسشنامه تحلیل شدند و سپس شاخص‌های برازش مدل نیز در انتها پس از جاگذاری اشکال مربوط به بارعاملی و ضرایب معناداری تی برگرفته از نرم افزار بررسی و نتایج بیانگر برازش مدل اندازه‌گیری بود. در نهایت، به منظور تحلیل فرضیه‌های پژوهش و بررسی روابط علی بین متغیرهای پژوهش، از مدل معادلات ساختاری با نرم افزار پی‌ال‌اس استفاده شد که نتایج در زیر آورده شده است:



شکل ۱- نمایش گرافیکی ضرایب مسیر در مدل ساختاری

در شکل زیر ضرایب معناداری آورده شده است.



شکل ۲- نمایش گرافیکی ضرایب معناداری در مدل ساختاری

در جدول ۵، ضریب مسیر به همراه مقدار معناداری آورده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مسیرها مورد پذیرش قرار گرفته شده است.

جدول ۳- ضرایب مسیر، مقادیر معناداری و وضعیت آن‌ها

وضعیت	مقدار تی	ضریب مسیر	مسیر	
			←	
تأیید شد	۲۳/۹۶۱	۰/۵۷۹	←	توسعه انسانی
تأیید شد	۲۲/۶۵۹	۰/۶۳۸	←	عدالت محوری
تأیید شد	۲۳/۴۰۲	۰/۶۸۱	←	حفاظت از محیط زیست
تأیید شد	۲۴/۱۵۵	۰/۷۴۳	←	مشارکت اجتماعی

همان‌طور که در شکل فوق قابل مشاهده است ضریب معناداری تی برای هر یک از شاخص‌ها و مؤلفه‌ها بالاتر از ۲/۵۸ شده است و لذا با ۹۹ درصد اطمینان همه شاخص‌های برای هر یک از مؤلفه‌ها و مؤلفه‌ها برای هر یک از ابعاد تأیید می‌شود و هیچ شاخص و مؤلفه‌ای نیاز به حذف شدن ندارد.

شاخص ضریب تعیین R² متغیر وابسته: ضریب R² مربوط به متغیرهای پنهان درون‌زا (وابسته) است و تاثیر متغیرهای مستقل بر یک متغیر وابسته را نشان می‌دهد که سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و

تأثیر استراتژی‌های مدیریت جهادی بر توسعه پایدار اقتصاد دریایی / زینالی

۰/۶۷ به‌عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R2 در نظر گرفته می‌شوند. مقدار R2 برای توسعه پایدار اقتصاد دریایی ۰/۶۵۳ به دست آمد.

شاخص ارتباط پیش بین Q2: این معیار، قدرت پیش‌بینی مدل در متغیر وابسته را نشان می‌دهد. ملاک تفسیر Q2، سه مقدار ۰، ۰.۱۵ و ۰.۳۵ عنوان قدرت پیش‌بینی کم، متوسط و قوی می‌باشد. اگر این شاخص مثبت باشد مطلوب است. مقدار Q2، ۰.۳۱۲، ۰.۲۲۱، ۰.۲۳۸ و ۰.۲۹۵ است که مثبت و در سطح مطلوب است. بر همین اساس می‌توان گفت قدرت پیش‌بینی مدل مطلوب است.

شاخص GOF: شاخص که برای برازش توسط تنن هاوس و همکاران (۲۰۰۵) معرفی شده است، ملاک کلی برازش است که با محاسبه میانگین هندسی میانگین اشتراک و به‌صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$Gof = \sqrt{\overline{communalities} \times R^2} = \sqrt{0.52 * 0.653} = 0.582$$

متخصصان مدل یابی ساختاری به روش PLS شاخص GOF کمتر از ۰/۱ را کوچک، بین ۰/۱ تا ۰/۲۵ را متوسط و بیش از ۰/۳۶ را بزرگ قلمداد می‌کنند. با در نظر گرفتن این معیارها شاخص برازش مدل نمونه مورد بررسی ۰/۵۸۲ به دست آمد که جز اندازه‌های بزرگ است. با توجه به این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که مدل آزمون شده در نمونه مورد بررسی برازش مناسبی دارد. همچنین با توجه به اینکه بارهای عاملی تمامی متغیرهای آشکار مدل بیشتر از ۰/۵ و معناداری بیشتر از ۲/۵۸ است، می‌توان گفت سازه حاضر از روایی مطلوبی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر استراتژی‌های مدیریت جهادی بر توسعه پایدار اقتصاد دریایی پرداخته است. هدف این تحقیق، شناسایی و تحلیل اثرات استراتژی‌های مدیریتی جهادی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در راستای توسعه پایدار اقتصاد دریایی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که استراتژی‌های مدیریت جهادی در چهار حوزه اصلی توسعه انسانی، عدالت اجتماعی، حفاظت از محیط زیست و مشارکت اجتماعی تأثیر معناداری بر توسعه پایدار اقتصاد دریایی دارند. این تحقیق به‌ویژه بر تقویت مشارکت اجتماعی به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در دستیابی به توسعه پایدار تأکید دارد. استراتژی مشارکت اجتماعی با ضریب ۰/۷۴ بیشترین تأثیر را در میان سایر استراتژی‌ها دارد، که نشان‌دهنده اهمیت این عنصر در فرآیند توسعه پایدار است. این یافته‌ها تأکید دارند بر این که برای دستیابی به توسعه پایدار در حوزه اقتصاد دریایی، باید به تقویت مشارکت‌های اجتماعی و

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

همکاری‌های بین‌سازمانی توجه ویژه‌ای صورت گیرد. توسعه انسانی به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در ادبیات توسعه پایدار، به فرآیند توانمندسازی افراد و ارتقاء کیفیت زندگی آن‌ها اشاره دارد (کومار، ۲۰۲۱). در زمینه اقتصاد دریایی، این مفهوم به‌ویژه اهمیت دارد زیرا جوامع محلی به‌طور مستقیم به منابع دریایی وابسته هستند. پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی جوامع محلی منجر شود (برکس، ۲۰۱۹). به‌علاوه، با توجه به نظریه‌های توسعه پایدار، توسعه انسانی به‌عنوان یک پیش‌نیاز برای تحقق اهداف توسعه پایدار شناخته می‌شود، زیرا افراد توانمندتر می‌توانند به‌طور مؤثرتری در مدیریت منابع و حفاظت از محیط زیست مشارکت کنند (زارع و محمدی، ۲۰۲۲). تحقیق همچنین نشان می‌دهد که استراتژی‌های مدیریت جهادی در حوزه توسعه انسانی، می‌توانند به‌طور مستقیم به بهبود مهارت‌ها و توانمندی‌های نیروی انسانی در حوزه دریایی منجر شوند. این بهبود توانمندی‌ها در بلندمدت می‌تواند منجر به افزایش بهره‌وری اقتصادی در صنعت دریایی و در نتیجه، به حفظ و بهره‌برداری پایدار از منابع دریایی کمک کند. علاوه بر این، این رویکرد به توزیع عادلانه‌تر منابع و فرصت‌ها در این صنعت کمک کرده و شرایط اجتماعی و زیست‌محیطی جوامع محلی را بهبود می‌بخشد. در نتیجه، توانمندسازی منابع انسانی نه تنها بهره‌وری اقتصادی را بهبود می‌بخشد بلکه به توسعه پایدار نیز کمک می‌کند.

در زمینه عدالت اجتماعی و اقتصادی، پژوهش به لزوم توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها در جوامع ساحلی و مناطق دریایی تأکید دارد. ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و کاهش نابرابری‌های اجتماعی در این مناطق از اهداف کلیدی استراتژی‌های مدیریت جهادی در حوزه عدالت به شمار می‌رود. با توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها، می‌توان به کاهش فقر و ارتقاء سطح زندگی در جوامع ساحلی و دیگر مناطق وابسته به اقتصاد دریایی کمک کرد. این امر همچنین به تقویت مشارکت اجتماعی و اعتماد در جوامع محلی منجر می‌شود، که نتیجه آن بهبود کیفیت زندگی افراد و افزایش مشارکت آن‌ها در فرآیندهای توسعه است.

مشارکت اجتماعی یکی از ارکان مهم استراتژی‌های مدیریت جهادی به‌شمار می‌رود. این استراتژی می‌تواند به افزایش آگاهی عمومی در خصوص چالش‌های زیست‌محیطی و اقتصادی کمک کرده و فرآیندهای تصمیم‌گیری در حوزه مدیریت منابع دریایی را بهبود بخشد. جوامعی که در فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکت دارند، احتمال بیشتری برای بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست دارند. این نوع مشارکت به‌ویژه در مواردی که تصمیمات مهمی در خصوص مدیریت

تأثیر استراتژی‌های مدیریت جهادی بر توسعه پایدار اقتصاد دریایی / زینالی

منابع دریایی اتخاذ می‌شود، می‌تواند موجب افزایش مسئولیت‌پذیری و حساسیت بیشتر نسبت به حفظ محیط زیست گردد.

در نهایت، پژوهش به این نتیجه رسیده است که استراتژی‌های مدیریت جهادی با تمرکز بر توسعه انسانی، عدالت اجتماعی و مشارکت اجتماعی می‌توانند به‌عنوان یک مدل موفق در توسعه پایدار اقتصاد دریایی مطرح شوند. این رویکرد نه تنها به حفظ و بهره‌برداری پایدار از منابع دریایی کمک می‌کند، بلکه به ایجاد شرایط عادلانه‌تر و بهبود کیفیت زندگی جوامع ساحلی نیز می‌انجامد. بنابراین، تقویت این استراتژی‌ها می‌تواند به تحقق اهداف توسعه پایدار در بخش اقتصاد دریایی کمک شایانی نماید.

با توجه به چالش‌های موجود در حوزه اقتصاد دریایی، استراتژی‌های مدیریت جهادی با تأکید بر عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط زیست به‌عنوان یک مدل موفق برای توسعه پایدار در این حوزه مطرح می‌شوند. این استراتژی‌ها می‌توانند به بهبود سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه پایدار کمک کرده و شرایط زندگی جوامع محلی را ارتقا دهند. یافته‌ها نشان می‌دهد که استراتژی‌های مدیریت جهادی، به‌ویژه در زمینه مشارکت اجتماعی، تأثیر معناداری بر توسعه پایدار اقتصاد دریایی دارند. مشارکت اجتماعی باعث افزایش آگاهی عمومی، بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری و مدیریت منابع دریایی می‌شود.

همچنین، تأکید بر حفاظت از محیط زیست در این استراتژی‌ها می‌تواند به بهبود کیفیت منابع دریایی، کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی و حفظ تنوع زیستی کمک کند. پژوهش‌های پیشین نیز نشان می‌دهند که این رویکردها باعث کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در جوامع ساحلی و افزایش بهره‌وری اقتصادی در صنعت دریایی می‌شود. پیشنهادهای برای بهبود تأثیر این استراتژی‌ها شامل تشکیل گروه‌های خودجوش محلی برای تبادل تجربیات، برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای جوامع محلی و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پایدار است. این پژوهش همچنین محدودیت‌هایی مانند استفاده از نمونه‌گیری غیرتصادفی دارد که می‌تواند بر تعمیم نتایج تأثیر بگذارد. در نهایت، این پژوهش می‌تواند به‌عنوان مبنای علمی برای تدوین سیاست‌های پایدار و توسعه اقتصاد دریایی در مناطق مختلف کشور مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

- ۱) مهدی-استادی جعفری. (۲۰۲۱). «توسعه دریامحور و اقتصاد دریا، ضرورتی بی بدیل در تحقق اقتصاد پویا و مقاومتی کشور».
- ۲) بیک زاد جعفر، رزم جو مریم و رحمتی مریم. (۲۰۲۱). «الگوسازی تاثیر مدیریت جهادی و رفتار سیاسی بر بهره‌وری نیروی انسانی با نقش واسطه ای فضیلت سازمانی».
- ۳) حیدری بهنوییه، رنجبر، مختار، گیوکی و حیدری بهنوییه. (۲۰۲۳). «طراحی و اعتبارسنجی مدل توسعه پایدار جمهوری اسلامی ایران با رویکرد مدیریت جهادی. فصلنامه آموزش و بهبود منابع انسانی» ۱۲ (سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲)، ۱۰۲-۱۱۷.
- ۴) ذبیح‌الهنزاد، شریفی و لیلانی. (۲۰۲۱). «تحقق اقتصاد مقاومتی با رویکرد مدیریت جهادی؛ راه‌کاری برای توسعه اقتصادی. دانش انتظامی مازندران» ۴۵(۱۲)، ۶۱-۹۶.
- ۵) رضایی، م. و نیکوکار، ج. (۱۳۹۸). «عدالت اجتماعی و اقتصادی در مدیریت منابع دریایی: بررسی موردی استان مازندران». مجله علوم اجتماعی و انسانی ۱۵(۴)، ۱۰۰-۱۱۵.
- ۶) زارعی، ع. و رحیمی، ن. (۱۳۹۹). «نقش آموزش در توسعه پایدار جوامع ساحلی ایران». فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی، ۱۰(۱)، ۲۰-۳۵.
- ۷) سبحانیان، دسینه، نجاتی و بلاغی اینالو. (۱۴۰۲). «اقتصاد دریا محور؛ تولید، اشتغال و صادرات: رویکرد تعادل عمومی قابل محاسبه‌ی چند منطقه‌ای». نشریه علمی پژوهشی اقیانوس‌شناسی، ۱۴(۵۶)، ۳۱-۴۶.
- ۸) عالی پور، عنایتی و ترانه. (۲۰۲۱). «طراحی مدل آینده بازار کار در افق ۱۴۰۴ با رویکرد مدیریت جهادی و اقتصاد مقاومتی». فصلنامه اقتصاد دفاع و توسعه پایدار، ۵(۱۸)، ۱۳۵-۱۵۸.
- ۹) کامرانی، دلیری، مسلم، غطاوی، صبا. (۲۰۲۴). «عدالت آبی: جایگاه صید خُرد در توسعه پایدار اقتصاد دریامحور در آب‌های ایرانی خلیج فارس». نشریه علمی پژوهشی اقیانوس‌شناسی ۱۵(۵۷)، ۱۱-۱۹.
- ۱۰) کرمی، سعید، حسینی، محمد. (۱۴۰۱). «توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست در مناطق ساحلی ایران. مجله محیط زیست و توسعه پایدار» ۸(۲)، ۷۵-۹۰.
- ۱۱) هاشمی، محمود. و غلامی، سعید. (۱۴۰۰). «مدیریت پایدار منابع دریایی و توسعه اقتصادی: چالش‌ها و راهکارها. مجله اقتصاد دریایی ایران»، ۱۲(۳)، ۴۵-۶۰.

- 12) Ochoa-Ochoa, L. M., Ríos-Muñoz, C. A., Johnson, S. B., Flores-Villela, O. A., Arroyo-Cabrales, J., & Martínez-Gordillo, M. (2019). Invasive species: Legislation and species list considerations from Mexico. *Environmental Science & Policy*, 96, 59-63.
- 13) Choudhary, P., Khade, M., Savant, S., Musale, A., Chelliah, M. S., & Dasgupta, S. (2021). Empowering blue economy: From underrated ecosystem to sustainable industry. *Journal of environmental management*, 291, 112697.
- 14) Diniz, N. V., Cunha, D. R., de Santana Porte, M., Oliveira, C. B. M., & de Freitas Fernandes, F. (2024). A bibliometric analysis of sustainable development goals in the maritime industry and port sector. *Regional Studies in Marine Science*, 69, 103319.
- 15) Gonzalez, G. M., Wiff, R., Marshall, C. T., & Cornulier, T. (2021). Estimating spatio-temporal distribution of fish and gear selectivity functions from pooled scientific survey and commercial fishing data. *Fisheries Research*, 243, 106054.
- 16) Kumar, P., Uthappa, A. R., Chavan, S. B., Chichaghare, A. R., Debta, H., Bhat, S., & Dagar, J. C. (2023). Achieving biodiversity conservation, livelihood security and sustainable development goals through agroforestry in coastal and island regions of India and Southeast Asia. In *Agroforestry for sustainable intensification of agriculture in Asia and Africa* (pp. 429-486). Singapore: Springer Nature Singapore.
- 17) Lee, K. H., Noh, J., & Khim, J. S. (2020). The Blue Economy and the United Nations' sustainable development goals: Challenges and opportunities. *Environment international*, 137, 105528.
- 18) Ren, W., & Ji, J. (2021). How do environmental regulation and technological innovation affect the sustainable development of marine economy: New evidence from China's coastal provinces and cities. *Marine Policy*, 128, 104468.
- 19) Smith, J., & Brown, T. (2020). The role of community engagement in sustainable marine resource management. *Ocean & Coastal Management*, 182, 104932. <https://doi.org/10.1016/j.ocecoaman.2019.104932>
- 20) Wang, X., Yuen, K. F., Wong, Y. D., & Li, K. X. (2020). How can the maritime industry meet Sustainable Development Goals? An analysis of sustainability reports from the social entrepreneurship perspective. *Transportation Research Part D: Transport and Environment*, 78, 102173.
- 21) Thompson, G., & Ritchie, H. (2021). Integrating social equity into marine resource management: Challenges and opportunities. *Marine Policy*, 127, 104316. <https://doi.org/10.1016/j.marpol.2021.104316>
- 22) Wang, X., Yuen, K. F., Wong, Y. D., & Li, K. X. (2020). How can the maritime industry meet Sustainable Development Goals? An analysis of

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

sustainability reports from the social entrepreneurship perspective. Transportation Research Part D: Transport and Environment, 78, 102173.

یادداشت‌ها:

-
- 1- Diniz
 - 2- Wang
 - 3- Ren & Ji
 - 4- Lee
 - 5- Choudhary
 - 6- Berkes
 - 7- Kumar
 - 8- CVR
 - 9- CVI
 - 10- Smart-Pls 3
 - 11- α
 - 12- CR
 - 13- McDonald's Omega
 - 14- McDonald
 - 15- Hair

The Impact of Jihadi Management Strategies on Sustainable Development of the Marine Economy

Receipt: 03/11/2024

Acceptance: 24/11/2024

Hoda Zeynali

Abstract

Today, economic and environmental challenges have made sustainable development a top priority for countries. In this regard, Jihadi management strategies have gained significance as an innovative approach to utilizing marine resources and preserving the environment. This study examines the impact of these strategies on the sustainable development of Iran's marine economy. The research method is applied in terms of purpose, quantitative in data type, and descriptive-analytical with a correlational approach in design. Data were collected from 335 respondents using a researcher-made questionnaire, and the validity and reliability of the tool were confirmed with standard indices. Findings revealed that Jihadi management strategies, including human development, justice, environmental protection, and social participation, significantly affect the sustainable development of Iran's marine economy with 99% confidence. Social participation had the highest impact, with a coefficient of 0.743. These results indicate that Jihadi management strategies, by enhancing economic productivity and protecting marine resources, contribute to improved environmental and social conditions. The findings provide a scientific basis for policymakers and economic stakeholders to design effective programs in the marine economy sector.

Keywords

Jihadi Management, Sustainable Development, Marine Economy, Environmental Protection

Department of Business Management, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
zeynalihoda@gmail.com



طراحی الگوی حکمرانی اقتصادی با توجه به رهنمودهای رهبر انقلاب

احمد ملکی سورکی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۲۷ شمس‌السادات زاهدی^۲

محمد منتظری^۳

چکیده

هدف این پژوهش طراحی الگوی حکمرانی اقتصادی با توجه به رهنمودهای رهبر انقلاب بود. روش تحقیق از نوع تحقیقات کیفی با رویکرد تحلیل مضمون بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه صاحب‌نظران علمی در حوزه موضوع پژوهش بود. انتخاب نمونه به تعداد لازم جهت رسیدن به اشباع نظری و به روش نمونه‌گیری گلوله برفی انجام شد (۱۶ نفر). ابزار پژوهش مصاحبه اکتشافی بود. روایی نتایج پژوهش بر اساس شایستگی حرفه‌ای نمونه مصاحبه شده، روایی محتوایی چارچوب مصاحبه، میزان توافق مصححان کدگذاری (۲ پژوهشگر خبره: ۰/۷۳) تأیید شد. تحلیل داده‌ها با استفاده کدگذاری سه‌مرحله‌ای متناسب با روش تحقیق انجام شد. در این پژوهش از این‌رو ۱۱۰ گزاره کلامی، ۱۵ مضمون فرعی و ۷ مضمون اصلی الزامات حکمرانی اقتصادی برای سازمان‌ها، ملاحظات سازمان‌ها برای حکمرانی اقتصادی، ملاحظات سازمان‌ها برای حکمرانی اقتصادی، ظرفیت‌سازی مدیریتی سازمان‌ها، ظرفیت‌سازی اقتصادی سازمان‌ها، ظرفیت‌سازی اجتماعی سازمان‌ها، ظرفیت‌سازی علمی سازمان‌ها کدگذاری گردید.

کلمات کلیدی

حکمرانی اقتصادی، سازمان، رهنمود، رهبر انقلاب

۱- دانشجوی دکتری، گروه مدیریت، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران. ahmad.maleki.1979@gmail.com

۲- استاد، گروه مدیریت، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران. (نویسنده مسئول) szahedi@iau.ac.ir

۳- دانشیار، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. montazer56@pnu.ac.ir

عصر کنونی، عصر جهانی شدن، انقلاب اطلاعات و تولید دانش است. این عصر نیز مانند هر عصر دیگری شرایط و ایجابات خاص خود را دارد (پندی^۱، ۲۰۲۳). با توجه به اینکه محیط‌های رقابتی امروزی رو به رشد هستند و حرکت سازمان‌ها به سمت پیچیدگی و پویایی، شروع شده است، توانایی یادگیری زودتر و سریع‌تر از رقبا، تنها مزیت نسبی در دهه آینده خواهد بود و می‌بایست چشم‌اندازها و اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت سازمان‌ها به‌نوعی دیگر بررسی شود و خلاقیت، نوآوری به همراه استفاده از اطلاعات بروز می‌بایست جزء جدانشدنی تصمیم‌گیری مدیران باشد و تنها سازمانی می‌تواند ادعای برتری و موفقیت کند که از قابلیت‌ها، تعهد، ظرفیت یادگیری کارکنان در تمام سطوح سازمان به‌بهترین نحو استفاده نماید (زارع، ۱۴۰۱). امروزه تغییرات گسترده‌ای در سطح جهان رخ داده است که این تغییرات تمامی حیطه‌ها از جمله سازمان‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده است (طاهری، ۱۴۰۰). شکل‌گیری سازمان‌های نوین، با ساختارهای جدید سبب شده است تا انواع مختلفی از سازمان‌ها ایجاد گردد. شکل‌گیری این سازمان‌ها سبب گردیده است تا بیش‌ازپیش سازمان‌های فعلی را جهت تطابق با اصول سازمان‌های امروزی هدفمند نماید. به‌صورتی که همخوانی سازمان‌ها با اصول نوین سازمانی به‌عنوان یک دغدغه و نگرانی مشخص شده است (ژانگ^۲، ۲۰۲۰). یکی از مسائل کلیدی در خصوص سازمان‌های امروزی، نیاز این سازمان‌ها به تعامل منظم و یکپارچه با محیط می‌باشد. به‌صورتی که رمز موفقیت سازمان‌های امروزی را تعامل آنان با محیط پیرامون خود و شناخت دقیق و جامع آنان از این محیط قلمداد نموده‌اند (لادی^۳، ۲۰۲۰) تعامل با محیط سبب می‌گردد تا ظرفیت‌های جدیدی به سازمان‌ها اضافه گردد که این ظرفیت‌ها در صورتی که به‌صورت مناسبی اجرایی گردد، سبب ارتقا عملکرد سازمان‌ها می‌گردد (شهbaz^۴، ۲۰۲۲). شکل‌گیری این مسئله و گسترده‌گی سازمان‌ها سبب ایجاد حکمرانی شده است. نظام اقتصادی یکی از مهم‌ترین نظام‌های اجتماعی اصلی است؛ چراکه در ایجاد ساختار اجتماعی، به‌عنوان یک کل دخالت دارد. نظام اقتصادی شاهرگ توسعه اجتماعی، تکیه‌گاه آن است و در رابطه میان فعالیت اقتصادی و دیگر فعالیت‌ها و مظاهر مربوط به وجود اجتماعی انسان تجلی می‌کند. حکمرانی اقتصادی عنوانی است که در آنجا تولید و کاربرد دانش برای یک بخش مهم در رشد اقتصادی و خلق رفاه و ثروت مشارکت دارد، درحالی‌که عوامل سنتی تولید که عبارت‌اند از نیروی کار، سرمایه، مواد خام کارآفرینی همچنان با اهمیت باقی می‌مانند، دانش عامل اصلی است که باعث ایجاد رشد و خلق ارزش جدید برای رقابتی بودن خواهد بود (فرازمند^۵، ۲۰۲۳). حکمرانی اقتصادی به سیستم نهادها و رویه‌هایی اطلاق می‌شود که برای دستیابی به اهداف اتحادیه در زمینه اقتصادی، یعنی

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

هماهنگی سیاست‌های اقتصادی برای ارتقای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی ایجاد شده است. بحران‌های مالی، مالی و اقتصادی که در سال ۲۰۰۸ آغاز شد، نشان داد که اتحادیه اروپا به مدلی مؤثرتر از مدیریت اقتصادی نسبت به هماهنگی اقتصادی و مالی موجود تا آن زمان نیاز دارد (خدایاروف^۶، ۲۰۲۲). تحولات در حاکمیت اقتصادی که هنوز ادامه دارد، شامل هماهنگی و نظارت تقویت‌شده بر سیاست‌های مالی و اقتصاد کلان و ایجاد چارچوبی برای مدیریت بحران‌های مالی است (بیلی^۷، ۲۰۲۳)؛ بنابراین حکمرانی اقتصادی شامل فرآیندهایی است که از طریق حمایت از حقوق مالکیت، اجرای قراردادهای و انجام اقدامات جمعی برای ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی و سازمانی مناسب، از فعالیت‌های اقتصادی و معاملات اقتصادی حمایت می‌کند. این فرآیندها در داخل نهادها، رسمی و غیررسمی انجام می‌شود (گالی^۸، ۲۰۲۳) حوزه حاکمیت اقتصادی به مطالعه و مقایسه عملکرد نهادها و مختلف در شرایط مختلف، سیر تحول این نهادها و انتقال از مجموعه‌ای از نهادها به مجموعه دیگر می‌پردازد. (کریسولوس^۹، ۲۰۲۳). توسعه اقتصادی مبتنی بر دانش به‌عنوان تنها استراتژی رونق و توسعه، یک ضرورت حیاتی و یک فرصت ایده‌ال برای حرکت سریع‌تر کسب‌وکارهای نوظهور باهدف ایجاد ارزش در اقتصاد جهانی قلمداد می‌شوند (جمشیدی و بافنده، ۲۰۱۹). لذا رونق تولید و درآمد سرلوحه برنامه‌های اقتصادی کشورهای مختلف قرار دارد که نیل به آن مستلزم شناخت و بررسی ارزش‌افزوده تولیدشده توسط بخش‌های مختلف تولید کشور می‌باشد (یوسفی و همکاران، ۲۰۱۶). واضح است که میزان تحقق این هدف، مستلزم حرکت به سوی نوآوری و ایجاد هم‌افزایی مثبت در ترکیب محصولات و خدمات در قلمرو فعالیت‌های یک کسب‌وکار دانش‌بنیان است (انتظاریان، ۲۰۲۲). از این‌رو نام‌گذاری سال‌های قبل تحت عنوان تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال، رونق تولید، جهش تولید، تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها و درنهایت نام‌گذاری سال جاری بنام تولید، دانش‌بنیان و کارآفرینی دانش‌بنیان از سوی رهبر فرزانه انقلاب، به‌وضوح مبین آن است که رویکرد حاکمیت فرزانه برای غلبه بر مشکلات اقتصادی، تکیه بر تقویت و حمایت هدفمند از توانمندی‌های داخلی و تولید در داخل است. در سال رونق تولید هدف، جلوگیری از تعمیق رکود و حفظ شرایط موجود صنایع تولیدی بود تا بتوان در گام بعد و در ادامه مسیر به "جهش در تولید" دست شد. به همین منظور، نام‌گذاری سال تولید ملی، سنگ بنای محور چرخه اقتصاد کشور گردید (معاونت مطالعات امور تولیدی، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، در چند سال اخیر اعمال تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی علیه کشور بر فضای کسب‌وکار و توان رقابت‌پذیری و بهره‌وری کشور اثر نامطلوبی گذاشته است و از یک‌سو توان مردم جامعه را برای تأمین کالاهای مصرفی با مشکل مواجه کرده و از سوی دیگر با کاهش قدرت خرید افراد، رکود

طراحی الگوی حکمرانی اقتصادی با توجه به رهنمودهای رهبرانقلاب/ملکی سورکی، زاهدی و منتظری

اقتصادی و بحران ادامه حیات را برای فعالان این عرصه موجب شده است (دهقان پوری و همکاران، ۲۰۲۰).

مطابق با فرمایشات رهبر انقلاب، این موفقیت دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه و به تبع آن پیشسازی تولیدات مبتنی بر اقتصاد دانش‌بنیان را به همراه داشته است؛ اما بررسی ساختارهای اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و پیشرو مؤید آن است که اثربخشی تولید در گرو تبلور دانش در محصولات و خدمات جدید، ارتقاء سطح اقتصاد و رفاه، تولید ثروت و ارزش‌افزوده از طریق توسعه کسب‌وکارهای دانش‌بنیان بوده و پایدارترین اقتصادها در جهان مربوط به اقتصادهای دانش‌بنیان می‌باشد (جمشیدی و همکاران، ۲۰۱۹). اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصادی مبتنی بر تولید، توزیع و مصرف ارزش اقتصادی برخاسته از دانش و فناوری است که جریانی از یک سیستم اقتصادی پویا را در جامعه به جریان می‌اندازد (نوجریا و مارتینس^{۱۱}، ۲۰۲۰). از این رو به رسمیت شناختن نقش محوری دانش در اقتصاد بی‌ثبات امروزی، نتیجه به‌کارگیری فناوری، یادگیری و توسعه سرعت فنی و علمی است که از آن منتج می‌شود (کارایانیس و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۸). چنانچه تلاش در راستای عملیاتی کردن فرمایشات مقام رهبری در یک سال گذشته که تأکید به حمایت از تولیدکنندگان داخلی در صنایع مختلف داشته‌اند. در همین راستا، دستوم و همکاران (۲۰۲۰) معتقدند که اقتصاد دانش‌بنیان حلقه واسطه بین دانشگاه، دولت و جامعه با صنعت می‌باشد. این رویکرد تعاملی مشتمل بر مجموعه‌ای از سازوکارهای مشارکتی نهادهای مختلف باهدف خوداتکایی در تولید و بومی‌سازی دانش تولید می‌باشد که رهبر فرزانه انقلاب در نام‌گذاری سال ۱۴۰۱ به‌عنوان نیروی هم‌افزا برای دولت و جامعه توصیه اکید داشته‌اند. در واقع مهم‌ترین اهرم توانمندسازی کسب‌وکارهای دانش‌بنیان به خلق دانش و نوآوری با ایجاد ارزش رقابتی در کسب‌وکارها مربوط می‌شود که بستر مستعدی در تبیین و مدل‌سازی فرایندهای تولید، تحقیق و توسعه، غنی‌سازی علمی و فنی، آموزش، پرورش و توسعه انسانی، انتقال دانش و نشر و اشاعه نوآوری در کشور را فراهم نموده است (انتظاریان، ۲۰۲۲: ۳۲؛ انصاری و همکاران، ۲۰۲۰: ۴۰۲). پژوهش انجام‌شده غروی (۱۴۰۳) در تحقیقی با عنوان حکمرانی خوب با مدیریت اصولی برای توسعه اقتصادی در مناطق آزاد تجاری که نتایج نشان داد که مهم‌ترین چالش این مناطق وجود تعارض منافع و تضاد در اهداف و کارکرد در نظام حکمرانی مناطق آزاد می‌باشد که باعث تصمیم‌گیری‌های نامناسب مدیریتی شده که خود مانع استفاده از فرصت‌های موجود در مناطق آزاد می‌باشد که می‌توان با بازنگری در ساختار دبیرخانه مناطق آزاد و همین‌طور با حکمرانی الکترونیک در بخش‌های متعدد از بسیاری از تعارض منافع موجود، کاست. حاجیلو (۱۴۰۳) در تحقیقی با عنوان که ارتقای سیستم‌های اطلاعاتی و

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

فناوری در مدیریت اقتصادی: راهکاری جامع برای بهبود حکمرانی، شفافیت و کارایی که نتایج نشان می‌دهد که استفاده از سیستم‌های پیشرفته مدیریت اطلاعات، هوش مصنوعی، بلاک چین، اینترنت اشیا و تحلیل داده‌های بزرگ می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی کیفیت تصمیم‌گیری اقتصادی را بهبود بخشد، فساد را کاهش دهد و منجر به افزایش بهره‌وری اقتصادی شود. این مقاله همچنین چالش‌ها و ملاحظات اخلاقی مرتبط با استفاده از این فناوری‌ها را مورد بحث قرار می‌دهد و راهکارهایی برای مدیریت این چالش‌ها ارائه می‌کند. حمادی (۱۴۰۳) در تحقیقی با عنوان بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر روی ریسک اقتصادی در این مطالعه در یک نمونه ۴۷ کشور از کشورهای در حال توسعه و نوظهور تأثیر متوسط شاخص‌های حکمرانی خوب و همچنین به‌صورت مجزا شاخص‌های حکمرانی خوب بر روی ریسک اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. برآورد ۷ مدل مجزا استحکام نتایج خوبی را برای نتیجه‌گیری مطمئن‌تر از مدل ارائه می‌نماید. نتایج تخمین با رویکرد GMM نشان می‌دهد که حکمرانی خوب و شاخص‌ها آن به‌طور معنی‌داری تأثیر منفی بر روی ریسک اقتصادی دارد. بدین معنی که بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب، ریسک اقتصادی را تا حدی زیادی کاهش می‌دهد. همچنین رشد اقتصادی، آزادی اقتصادی، صنعتی شدن وجود منابع طبیعی غنی ریسک اقتصادی را کاهش داده ولی اندازه دولت و نرخ بیکاری ریسک اقتصادی را افزایش می‌دهد.

رخیده دخت (۱۴۰۲) در تحقیقی با عنوان اصول اندیشه‌های اقتصادی رهبر معظم انقلاب و مستندات قرآنی و روایی آن که نتایج بیان می‌کند که اصول اندیشه‌های اقتصادی رهبر معظم انقلاب از جمله؛ اصل اقتصاد مردم محور، اصل آزادی اقتصادی و نظام رقابت، اصل احترام به مالکیت خصوصی، اصل عدالت توزیعی، اصل اقتصاد درون‌زا و برون‌نگر و اصل دانش‌بنیان بودن اقتصاد و مبانی اندیشه اقتصادی ایشان از جمله؛ تجلی توحید در اقتصاد، کرامت انسانی و عزت مؤمنانه، مصالح جمعی و مصالح فردی، کارآمدی دین در اقتصاد و معاد باوری و نقش آن در اقتصاد می‌باشد و در نهایت پژوهشگر به این نتیجه می‌رسد که تکیه کامل مقام معظم رهبری بر خداوند متعال در کنار اندیشه پیشرو ایشان در حوزه اقتصاد منجر به ایجاد تفکری نو در میان رهبران سیاسی و دینی کشورهای جهان گردیده است. ایشان با نگاهی توحیدی به دنبال دستیابی جامعه به رشد و تعالی هستند و تلاش می‌کنند با چشم‌انداز روشن دینی و اقتصادی مسیر توسعه و رشد را در سطح جامعه و خانواده و فرد فراهم آورند. بیگی (۱۴۰۲) در تحقیقی با عنوان طراحی مدل حکمرانی شرکت‌های دولتی در چارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی، حاکی از این است که مدل حکمرانی شرکتی مبتنی بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بایستی بر مبنای چهار ویژگی «انطباق‌پذیری»، «عدالت

طراحی الگوی حکمرانی اقتصادی با توجه به رهنمودهای رهبرانقلاب/ملکی سورکی، زاهدی و منتظری

مشارکت محور»، «فساد زدایی و سلامت» و «مدیریت جهادی» طراحی شود. در ادامه تحلیل ادبیات نظری و مصاحبه‌های انجام‌شده، ۱۰۳ مفهوم در راستای الزامات تحقق این ویژگی‌ها شناسایی شد که در قالب ۲۲ تم فرعی انتزاع یافت. همچنین نتایج اعتبارسنجی این تم‌های فرعی، به مثابه الزامات طراحی مدل حکمرانی مطلوب در مرحله دوم، نشان داد که کلیه این الزامات، به استثنای یک مورد، به تأیید خبرگان رسیده است؛ بنابراین به خط‌مشی‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان توصیه می‌شود که برای محقق ساختن نظام حکمرانی شرکتی مبتنی بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، «پیچیدگی و تنوع‌بخشی»، «ذی‌نفع محوری»، «شفافیت اطلاعات» و «خادمیت» را در طراحی مدل مطلوب مدنظر قرار دهند. بخشی (۱۴۰۱) در تحقیقی با عنوان بررسی اثر نظام سیاسی و منابع طبیعی بر کیفیت حکمرانی اقتصادی که با تدوین یک چارچوب تحلیلی و ارائه نتایج تجربی نشان داده می‌شود که حضور منابع طبیعی در نظام‌های دموکراسی، اثر منفی بر کیفیت حکمرانی اقتصادی نداشته است. بلکه کیفیت دموکراسی عامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری کیفیت نهادهای مرتبط با حکمرانی اقتصادی بوده است. در مقابل، حضور منابع طبیعی در نظام دیکتاتوری متمرکز که قدرت سیاسی به‌طور انحصاری در اختیار یک فرد قرار دارد، اثر منفی بر کیفیت حکمرانی اقتصادی داشته است؛ اما چنین اثری در دیکتاتوری‌های غیرمتمرکز که قدرت سیاسی بین اعضا گروه حاکم تقسیم‌شده است، مشاهده نمی‌شود. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد در کنار نوع نظام سیاسی، نوع منبع طبیعی نیز در شکل‌گیری پدیده شومی منابع مؤثر است. تحلیل حساسیت بیانگر پایداری نتایج نسبت به تغییر متغیر وابسته، افزودن متغیرهای کنترل و تغییر نمونه است. پناهی (۱۴۰۱) در تحقیقی با عنوان اعتبارسنجی الگوی حکمرانی خوب از منظر اقتصادی به این نتیجه رسید که نتایج حاکی از آن است که بهبود سیاست‌های اقتصادی و شفاف‌سازی اطلاعات و اقدامات اقتصادی بر مبارزه با فساد و پاسخگویی عمومی اثر می‌گذارد. این عوامل نیز بر توسعه اقتصادی و رضایتمندی شهروندان تأثیر می‌گذارند. از این طریق می‌توان به پیامدهای اقتصادی حکمرانی خوب دست پیدا کرد؛ بنابراین مدیران استان آذربایجان غربی با رعایت اصول زیربنایی حکمرانی خوب می‌توانند به اهداف مرتبط با رشد و توسعه اقتصادی دست پیدا کنند. رعابائی (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان بررسی اصل عدالت در حکمرانی اقتصادی مبتنی بر نظریه شهید صدر که نتایج تحقیق حاکی از آن است که در حکمرانی اقتصادی بر اساس قاعده عدالت، لازم است فرصت‌های اقتصادی، آموزشی، درآمدها، امکانات و مواهب عمومی و نیز اطلاعات به‌صورت عادلانه در جامعه توزیع شود؛ به‌طوری‌که ضمن برخورداری همه افراد از حداقل‌ها، زمینه بهره‌برداری بیشتر از این فرصت‌ها و ثروت‌ها برای همگان مساوی باشد. کلیچ (۱۴۰۰) در تحقیق با تحلیل مضامین

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

اقتصادی بیانیه گام دوم انقلاب که نتایج ۴ مضمون فراگیر دستاوردهای اقتصادی انقلاب اسلامی، پیشرفت و توسعه اقتصادی، امنیت اقتصادی و چالش‌های اقتصادی برگرفته از مفاهیم اقتصادی بیانیه مورد بحث و مذاقه قرار گرفتند. خدیارف (۲۰۲۲) در تحقیقی با عنوان بهبود حکمرانی اقتصادی در اقتصاد بازار به این نتیجه رسید که سه راهبرد پیشنهاد شده است تا راه توسعه پایدار اکوسیستم اقتصاد به اشتراک گذاشته شود: همبستگی با منافع متقابل، همکاری برای موفقیت مشترک و تعهد به مسئولیت اجتماعی را پیشنهاد می‌کند پرنوس (۲۰۲۲) در تحقیقی با عنوان کاربرد اخلاق تجاری و قانون تجارت در دموکراسی اقتصادی که بر پایداری تجارت تأثیر می‌گذارد به این نتیجه رسید که قانون تجارت بر دموکراسی اقتصادی تأثیر معناداری دارد و همچنین اخلاق تجاری بر دموکراسی اقتصادی تأثیر معنادار دارد. لدی (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان حاکمیت اقتصادی اتحادیه اروپا و کووید-۱۹: یادگیری سیاست و پنجره‌های فرصت به این نتیجه رسید که صندوق حمایت از بحران همه‌گیر و برنامه خرید اضطراری بیماری همه‌گیر نمونه‌هایی از یادگیری تک‌حلقه‌ای را نشان می‌دهد که اصول حاکمیت اقتصادی را دست‌نخورده می‌گذارد. با این حال و برخلاف واکنش بحران منطقه یورو، پذیرش تسهیلات بازبایی و تاب‌آوری نشان‌دهنده یک تصمیم جسورانه است و یادگیری دو حلقه را پیشنهاد می‌کند. استدلال می‌شود که بحران کووید-۱۹ یک مقطع حساس برای اتحادیه اروپا است. در نتیجه، حاکمیت اقتصادی اتحادیه اروپا به عملکرد نظارتی خود محدود نمی‌شود و اکنون با یک عملکرد باز توزیعی نیز تکمیل می‌شود. از این رو توجه به مقوله تولید بر مبنای دانش بومی و اشتغال کارآفرین، ضامن سلامت اقتصادی کشور، خودکفایی و استقلال اقتصادی و اجتماعی کشور بود و در نهایت به توسعه اقتصادی و ارتقای رفاه و سطح زندگی مردم می‌انجامد این در حالی است که کشور ایران از عوامل اصلی لازم برای استحکام بخشیدن به تولید ملی مانند نیروی انسانی، مواد اولیه، زمین و انرژی بسیاری برخوردار است و هنر تلفیق امکانات و عوامل مزبور که تحت مدیریت در سطوح کلان و خرد از آن یاد می‌شود، لذا می‌توان با افزایش بهره‌وری و کارایی در تولید، تقلیل ضایعات و بهره‌گیری لازم از علم و فناوری موجبات شکوفایی تعیین شده در برنامه توسعه را فراهم نمود (کاشف و همکاران، ۲۰۱۵)؛ بنابراین مطابق با فرمایشات مقام معظم رهبری، موضوع تولید ملی، پایه و منبع اصلی توسعه علم و فناوری است که تحقق این مقوله مستلزم شناسایی و مرتفع سازی مشکلات اقتصادی و تأمین منابع مورد نیاز برای این مهم می‌باشد. به عبارت دیگر تولید نیازمند فراهم بودن زیرساخت‌هایی است و دولت به عنوان بستر ساز فضای کسب و کارها باید تلاش کند که شرایط اولیه را برای تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران فراهم نماید. بر اساس مطالعات انجام گرفته توسط اتحادیه همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه پایدارترین اقتصادها در

طراحی الگوی حکمرانی اقتصادی با توجه به رهنمودهای رهبرانقلاب/ملکی سوری، زاهدی و منتظری

جهان مربوط به اقتصادهای دانش‌محور است و در این میان کسب‌وکارهای کوچک دانش‌بنیان موتور محرک و توسعه این اقتصادها هستند (انتظاربان، ۲۰۲۲).

بنابراین، نوآوری این پژوهش به معنای تحول و ارتقای رویکردهای مدیریت منابع و تصمیم‌گیری اقتصادی به شکلی است که سازمان را در مسیر پایداری، رقابت‌پذیری و انطباق با تغییرات محیطی یاری دهد. این نوآوری می‌تواند در سه حوزه کلیدی ابزارها، فرایندها و اصول حکمرانی موردبررسی قرار گیرد. در حوزه ابزارها، بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی، تحلیل داده‌های کلان، بلاک چین و اینترنت اشیا به سازمان‌ها این امکان را می‌دهد که داده‌های مالی و اقتصادی خود را به‌صورت لحظه‌ای تحلیل کنند، ریسک‌ها را به‌موقع شناسایی کنند و تصمیماتی مبتنی بر شواهد اتخاذ کنند. برای مثال، بلاک چین می‌تواند در ایجاد شفافیت و امنیت در فرایندهای مالی و زنجیره تأمین سازمان‌ها تحول ایجاد کند.

در حوزه فرایندها، نوآوری شامل طراحی مدل‌های جدید تصمیم‌گیری است که مشارکت همه ذی‌نفعان، از جمله کارکنان، مشتریان و سهام‌داران را در نظر می‌گیرد. این فرایندهای نوآورانه می‌توانند با استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال و ابزارهای همکاری آنلاین تسهیل شوند و منجر به افزایش کارآمدی و پاسخگویی در تصمیم‌گیری شوند. برای مثال، ایجاد سازوکارهایی برای رأی‌گیری دیجیتال در موضوعات مهم اقتصادی یا استفاده از هوش مصنوعی برای پیشنهاد تصمیم‌های بهینه، می‌تواند این حوزه را متحول کند.

از نظر اصول حکمرانی، نوآوری می‌تواند شامل تلفیق رویکردهای سنتی با مفاهیمی نوین مانند حکمرانی مبتنی بر پایداری، مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) و سرمایه انسانی باشد. این اصول به سازمان‌ها کمک می‌کنند تا نه تنها اهداف کوتاه‌مدت مالی خود را دنبال کنند، بلکه به پایداری بلندمدت و اثرات اجتماعی و زیست‌محیطی تصمیمات اقتصادی نیز توجه داشته باشند. برای مثال، طراحی نظام‌های انگیزشی برای کارکنان که با معیارهای پایداری و نوآوری همسو باشند، می‌تواند از روش‌های نوآورانه در این زمینه باشد.

در نهایت، حکمرانی اقتصادی به معنای تطبیق مداوم با تغییرات محیطی و اقتصادی است. سازمان‌ها با استفاده از این رویکرد می‌توانند در مواجهه با چالش‌هایی مانند نوسانات اقتصادی، بحران‌های مالی، تغییرات اقلیمی و تقاضاهای متغیر مشتریان، عملکردی انعطاف‌پذیر و مؤثر داشته باشند. این نوآوری همچنین به افزایش اعتماد ذی‌نفعان کاهش فساد و سوء مدیریت کمک کرده و راه را برای رقابت پایدارتر و کارآمدتر باز می‌کند؛ بنابراین توجه به حکمرانی اقتصادی در سازمان‌های دولتی کشور باعث

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

شده است تا امروزه شاهد برخی تصمیم‌گیری‌هایی حیاتی در بخش مختلف سازمان‌های دولتی باشیم. از طرفی نبود مطالعات جامع در خصوص حکمرانی اقتصادی سبب گردیده است تا شواهد کافی در این خصوص ایجاد نگردد. به عبارتی عدم مطالعه در خصوص حکمرانی اقتصادی باعث شده است تا دغدغه توجه به این پدیده وجود نداشته باشد. این مسئله سبب گردیده است تا تحقیق حاضر باهدف ارائه مدل ارائه الگوی حکمرانی اقتصادی در سازمان‌های دولتی می‌باشد و قصد پاسخگویی به این سؤال را دارد که ارائه الگوی حکمرانی اقتصادی در سازمان‌های دولتی چگونه می‌باشد

روش پژوهش

روش تحقیق مطالعه حاضر از نوع تحقیقات کیفی با رویکرد تحلیل مضمون بود. جامعه آماری پژوهش (جهت مصاحبه) شامل کلیه خبرگان و صاحب‌نظران حوزه موضوع پژوهش بود: (مدیران سازمان‌های دولتی کشور و نخبگان آگاه به حکمرانی اقتصادی و توسعه اقتصادی). انتخاب نمونه به روش نمونه‌گیری گلوله برفی انجام شد. از این‌رو نمونه آماری به تعداد قابل کفایت (رسیدن به اشباع نظری در استخراج مفاهیم) با روش قضاوتی نمونه‌گیری شد (۱۶ نفر). در این پژوهش از مصاحبه سیزدهم محقق به اشباع نظری رسید و مصاحبه‌ها تا مصاحبه شانزدهم ادامه یافت.

استخراج یافته‌ها حاضر یک رویکرد استقرایی (جزء به کل) بر اساس مصاحبه اکتشافی و مطالعه نظامند کتابخانه‌ای برای تکمیل آن بود. روایی این بخش بر اساس شایستگی فردی نمونه مصاحبه شده، روایی محتوایی چارچوب انجام مصاحبه و میزان توافق مصححان کدگذاری (۲ پژوهشگر خبره مدیریت منابع انسانی: ۰/۷۳) استخراج مفاهیم صورت گرفت. انجام مصاحبه‌ها بر اساس چارچوب تحلیلی طراحی شده از قبل صورت گرفت. در بخش مصاحبه، با ارائه بازخورد به مصاحبه‌شوندگان و قرار دادن آن‌ها در مسیر پژوهش به طوری که بر نحوه پاسخگویی آن‌ها تأثیر نگذارد، به منظور افزایش روایی درونی اقدام شد. ضمناً، پس از انجام هر مصاحبه، الگوی به دست آمده تا آن مرحله ارائه می‌شد و در صورتی که مصاحبه‌شونده نکاتی را نسبت به الگو داشت، مورد بحث قرار می‌داد. این کار پس از انجام مصاحبه انجام می‌شد تا مصاحبه خالی از هرگونه پیش‌فرض و جهت‌گیری انجام شود. از آنجایی که مؤلفه پایایی به گستره تکرارپذیری یافته‌های پژوهش اشاره دارد و در انجام مطالعات کیفی پژوهشگر به تفسیر موضوع مورد مطالعه می‌پردازد. کار گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه یافت که پژوهشگر اطمینان حاصل کند که ادامه کار چیز تازه‌ای به دانسته‌های او نمی‌افزاید. پس از انجام ۱۶ مصاحبه در طی دوره شش ماه، تحلیل داده‌ها نشان داد که داده جدید به داده‌های قبلی اضافه نشد؛ زیرا درصد بالایی از داده‌های مستخرج از مصاحبه‌های آخر تکراری بود؛ بنابراین، با رسیدن به حد اشباع نظری، به مصاحبه‌ها پایان

طراحی الگوی حکمرانی اقتصادی با توجه به رهنمودهای رهبرانقلاب/ملکی سورکی، زاهدی و منتظری

داده شد. پژوهشگران کیفی به جای واژه اعتبار و روایی، از واژه‌های مقبولیت، انتقال‌پذیری و تأییدپذیری استفاده می‌کنند. روایی رونوشت مطالعه کتابخانه‌ای و ابزار مصاحبه ابتدا با استفاده از نظر متخصصان ارزیابی گردید. سپس از طریق روش‌های روایی کدگذاری و توافق مصححان بررسی شد.

جهت تحلیل داده‌ها از سه مرحله کدگذاری برای دسته‌بندی مؤلفه‌های شناسایی‌شده استفاده گردید. کدگذاری با استفاده از مطالعات قبلی و نظر متخصصان انجام شد. مدل پژوهش نیز بر اساس روابط شناسایی‌شده به صورت یک چارچوب سیستمی مفهومی ترسیم گردید. هم‌زمان با گردآوری داده‌ها، کار تحلیل آن‌ها طی سه مرحله کدگذاری نیز شروع شد. پس از استخراج کدها، آن‌ها طبقه‌بندی می‌شوند؛ مقایسه مداوم، تفاوت‌ها و تشابهات بین این کدها را آشکار می‌کند؛ طبقات جدا و یا ادغام می‌گردند تا نظریه در روند این فرایند شکل گیرد. منابع و متون موجود نیز در روند تکمیل تئوری مورد استفاده قرار می‌گیرند. روش کدگذاری سه‌مرحله‌ای برای چارچوب‌بندی مفهومی مؤلفه‌های استخراجی استفاده خواهد شد که عبارت است از: کدگذاری شامل دو مرحله اصلی است: کدگذاری باز (محوری)، کدگذاری انتخابی (گزینشی) و کدگذاری نظری (موضوعی). در کدگذاری باز، داده‌ها شکسته می‌شوند. سپس به لحاظ مفهومی گروه‌بندی می‌گردند و مقوله‌ها و ویژگی‌های آن‌ها تولید می‌شود. در این مرحله از کدگذاری اقدام به گردآوری آزاد داده‌ها تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که اثرات مقوله محوری، نمودار کدگذاری انتخابی نیز به معنای محدود کردن کدگذاری به آن دسته از متغیرهایی است که مربوط به متغیر محوری هستند؛ به عبارتی زمانی که مقوله محوری، نمودار شده کدگذاری انتخابی آغاز شده و مصاحبه‌ها در جهت متغیر محوری کدگذاری می‌شوند. این فرضیه‌ها در یک نظریه با هم عمل می‌کنند و دغدغه اصلی مشارکت‌کنندگان را تشریح می‌کنند. درنهایت زمانی که مقوله‌های مختلف به همدیگر و متغیر محوری مرتبط شدند، محصول نظریه داده بنیاد شکل می‌گیرد و شبیه نظریه (مدل) می‌شود.

یافته‌های پژوهش

به‌منظور پاسخ‌دهی سؤالات پژوهش از روش پژوهش کیفی استفاده شد. بدین منظور، با ۱۶ نفر از مدیران سازمان‌های دولتی کشور و نخبگان آگاه به حکمرانی اقتصادی و توسعه اقتصادی مصاحبه‌هایی نیمه ساختاریافته به عمل آمد و به اشباع نظری رسیدیم. در این بخش، داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از فن تحلیل موضوعی تحلیل‌شده است. درنتیجه، با استفاده از فرایند کدگذاری، عوامل مرتبط با توسعه و مؤلفه‌های حکمرانی اقتصادی مبتنی بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

شناسایی شده و الگوی مفهومی نحوه حکمرانی اقتصادی مبتنی بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری تدوین گردید. در ادامه تحلیل‌های مرتبط با الگوی اکتشافی ارائه گردیده است.

جدول ۱: اهم گزاره‌های کلامی یا کدهای شناسایی شده برای مؤلفه‌های حکمرانی اقتصادی مبتنی بر

دیدگاه‌های مقام معظم رهبری

غیرمتمرکز بودن این نوع حکمرانی و تمرکز زدا بودن در سطح مناطق
اصلاحات نهادی و بازسازی بوروکراسی و مشارکت‌دهی مناطق و نهادها
همگرایی حکمرانی اقتصادی برای پاسخ به پیچیدگی نهادی اقتصادی سازمان‌ها
تناسب ساختاری و کارکردی حکمرانی اقتصادی با ماهیت اقتصادی نظام سازمان‌ها
جلب حمایت عمومی و اجتماعی از طریق سازمان‌ها برای حکمرانی
مشارکت‌دهی گروه‌ها و پاسخگویی به نیروهای دموکراتیک
الزام مشارکت‌پذیری بالا در حکمرانی اقتصادی وجود آن در سازمان‌ها
تطبیق حکمرانی با فرهنگ محیط سازمان‌ها کشور
انطباق حکمرانی اقتصادی با الگوی حکمرانی شبکه‌ای و اهداف حکمرانی خوب
درجه نظام‌مندی سازمان‌ها و راهبردپذیری سازمان‌های دولتی
قابلیت تنظیم‌گیری و رهبری فرابخشی در سازمان‌ها دولتی
سازگاری تغییر دولت‌ها با محیط‌های و منافع جدید سازمان‌ها
تناسب توزیع منابع و حمایت‌ها در بین سطوح سازمان‌ها
تلفی شدن صنعت سازمان‌ها به‌عنوان یک بازار و سیستم اقتصادی
ظرفیت‌سنجی سازمان‌ها برای توسعه در شرایط بحران ملی و محیطی
شناخت تجارب پیشین حکمرانی اقتصادی برای بحران‌ها
الزامات حکمرانی اقتصادی برای شرایط بحران
جلوگیری از رابطه‌گرایی و مساعدسازی فضای انتخاب و شایسته‌سالاری انتصاب مسئولان سازمان‌ها
پیشگیری از خطاهای مدیریتی و سلیقه‌ای مدیران در سطوح اجرایی سازمان‌ها
کاهش سقف شیشه‌ای در سازمان‌ها تأکید بر مشارکت‌دهی زنان و اقلیت‌ها در سطوح مدیریتی و تصمیم‌گیری
کاهش شکاف و ناهماهنگی میان تخصص و مسئولیت‌ها در امور مربوط به سازمان‌ها
مشارکت مدیران نهادهای دولتی عمومی
اعضای شوراهای تصمیم‌گیری و هیئت‌مدیره‌ها و مدیران سازمان‌ها
نقش اساتید دانشگاهی و تحلیلگران علمی
مشارکت نقش فعالان رسانه، بازار و صنعت سازمان‌ها
مشارکت زنان و اقلیت‌ها در مدیریت و سیاست‌گذاری سازمان‌ها

طراحی الگوی حکمرانی اقتصادی با توجه به رهنمودهای رهبرانقلاب/ملکی سورکی، زاهدی و منتظری

رونق بخشی اقتصادی سازمان‌ها از طریق خصوصی سازی و برون سپاری در سازمان‌ها
کمک به سازمان‌ها برای تأمین مالی و درآمدزایی
استفاده از نوآوری و تحقیق و توسعه در سازمان‌ها کارآفرینی و تجاری سازی
ایجاد تناسب بین سرمایه گذاری و هزینه های اقتصادی
افزایش رقابت پذیری بازار سازمان‌ها از طریق مشارکت‌دهی بخش‌های غیردولتی
افزایش امنیت ریسک و سرمایه گذاری اقتصادی در سازمان‌ها
بازنگری در سیستم مدیریت مالی سازمان‌های کاهش هزینه‌های جاری
جلب توجه سیاست گذاران به ظرفیت‌های اقتصادی سازمان‌ها برای بهبود اقتصاد ملی
نظام‌سازی بازار و صنعت سازمان‌ها و از طریق مستندسازی فعالیت‌ها و اطلاعات
مسئولیت اجتماعی لزوم دخالت مدیران و کارمندان در تصمیم‌گیری نسبت به جامعه و سایر نهادها نسبت به سازمان‌ها
مدیریت تنوع جمعیت و ذی‌نفعان در سازمان‌ها
تأمین امنیت اجتماعی فضاهای مختلف سازمان‌ها
تکنیک‌های بازاریابی اجتماعی مطابق با خرده فرهنگ‌ها
گفتمان سازی در جامعه سازمان‌ها برای حکمرانی اقتصادی
جریان سازی رسانه‌ای برای بهبود حکمرانی سازمان‌ها با رویکرد شبکه‌های اجتماعی
استفاده از نوآوری‌ها و توسعه تحقیق و پژوهش‌های مرتبط با سیاست گذاری سازمان‌ها
استفاده از ابزارهای دانش و فناوری برای کاهش پیچیدگی سیاست گذاری عمومی
وجود دانش سیاست گذاری و خبرگی برای سازمان‌ها و نهادهای دولتی
تخصصی سازی حکمرانی و تعیین مراجع تخصصی برای سیاست گذاری در سازمان‌ها
به روز رسانی سیاست‌ها در هر دوره تغییرات در دولت
مهندسی مجدد فرآیندهای سیاستی - ساختاری سازمان‌ها
روزآمدی ساختارهای سازمانی متناسب با تحولات محیطی
تناسب بین برنامه‌های کوتاه مدت و بلندمدت
میزان همسویی سیاست‌ها با اسناد بالا دستی
همخوانی و تطبیق سیاست‌ها با شرایط اقتصادی و منافع سیاسی
انطباق سیاست‌ها با توانمندی‌های بومی در توسعه سازمان‌ها
ضرورت پیوستگی سیاست گذاری در سیکل‌های سیاسی و انتخاباتی
هماهنگی بین سطح سیاستی، برنامه‌ای و اجرایی
کاهش نفوذ پذیری سیاسی ساختار و تشکیلات سازمان‌های
ثبات رویه در اجرای سیاست‌ها با تغییرات دوره‌ای دولت
تقویت دانش مالی مدیران سازمان‌ها در حوزه تحریم‌ها

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

آمدگی فضای فکری در سازمان‌ها جهت توسعه حامیان مالی اجتماعی
ایجاد لابراتورهای خلاقیت در جهت دور زدن تحریم‌ها
بهره‌گیری از تجارب کشورهای پیشرو در زمینه سازمان‌ها
الگوبرداری از ساختارهای سازمان‌ها سایر کشورها
بهره‌گیری از تجارب کشورهای موفق در زمینه مدیریت بحران
انطباق سیاست‌ها با تحولات جهانی
تقویت شاخص‌های اخلاقی در ساختار سازمان‌ها
گروه‌بندی مخاطبان و شکل‌گیری برنامه‌ریزی دقیق برای تمام گروه‌ها
کاهش منفعت‌طلبی یک‌جانبه با رفع خواسته‌ها و نیازها
ایجاد قابلیت‌های مدیریتی مناسب در جهت استفاده از فرصت‌های محیطی
یکپارچه‌سازی سیستم پایش و اطلاعات محیطی و توسعه سازمان‌ها
توسعه ارتباطات و همکاری بین سازمانی در حوزه سازمان‌ها با رویکرد هم‌افزایی
شناخت بحران‌ها و ارتباط آن‌ها ابعاد حکمرانی
توانمندی مدیریت بحران در سازمان‌ها به‌ویژه در شرایط بحران اقتصادی و اجتماعی
نوع شناسی بحران‌های محیطی سازمان‌ها و نحو تأثیرگذاری آن‌ها
ایجاد آمادگی رفتاری برای مدیریت بحران
کاربرد سیستم‌های اطلاعاتی در سیاست‌گذاری
بازبینی سیاست‌های پیشین و موجود
شناخت و بررسی ملی، منطقه‌ای و جهانی
پشتوانه حقوقی و حمایت ساختاری
به‌کارگیری فنون‌های آینده‌پژوهی برای سیاست‌گذاری سازمان‌های
گرایش به تصمیم‌سازی در کنار تصمیم‌گیری در نهادهای سیاست‌گذار
متناسب‌سازی ساختارهای سازمانی سازمان‌ها برای اجرای حکمرانی اقتصادی
تجهیز لزوم دخالت مدیران و کارمندان در تصمیم‌گیری ملی سیاست‌گذار سازمان‌ها به ابزارهای سیاستی
چارچوب زمانی مشخص برای بودجه و بودجه‌ی
حسابرسی مالی و بودجه سازمان‌های
یکپارچه‌سازی هم‌افزایی و همکاری هماهنگی
اجرایی سازی مصوبات توسعه سازمان‌ها با مشارکت بین سازمانی
تقسیم‌کار میان بخشی و بین سازمان در تعامل دانشگاه-صنعت-دولت-جامعه برای توسعه سازمان‌ها
پیش‌بینی منابع برای اجرای سیاست‌های توسعه سازمان‌ها
بهره‌گیری از توان علمی و سرمایه انسانی دانشگاه‌ها

طراحی الگوی حکمرانی اقتصادی با توجه به رهنمودهای رهبرانقلاب /ملکی سورکی، زاهدی و منتظری

پایش شاخص‌های عملکردی سیاست‌ها، برنامه‌ها و فرآیندهای تصمیم‌گیری
کارایی شبکه اطلاعاتی و پایش محیطی نهادهای دولتی
ارزیابی جامع و مستمر بهره‌وری سازمان‌ها و تشکیلات سازمان‌های
پیشگیری و کنترل از فساد و کج کارکردی در سازمان‌ها
عدالت در توزیع و تخصیص منابع دولتی حوزه سازمان‌ها
ارتقای شفافیت و گزارشگری برنامه‌ای و عملکردی
ارتقای نهادی و حقوقی سازمان‌ها در نظام دولت و حاکمیت
ارتقای شفافیت و کاهش فساد در مدیریت سازمان‌ها
ارتقای بهره‌وری و عملکرد سازمان‌ها
توسعه منابع فیزیکی و بهبود توزیع زیرساخت سازمان‌ها
رشد صنعت و بازار محصولات و خدمات سازمان‌ها
افزایش مشارکت ذینفعان و متقاضیان در سازمان‌ها
همسوسازی جریان توسعه «بالا به پایین» و «پایین به بالا» سازمان‌ها
توازن توسعه بین حوزه‌های سازمان‌ها پرورشی، همگانی و رقابتی
تأمین و دسترسی منابع سازمان‌ها در شرایط بحران طبیعی و اقتصادی
سازگاری سیستم سازمان‌ها با تغییرات و نوسانات اقتصادی و سیاسی
حفظ بهره‌وری و توسعه سازمان‌ها در شرایط بحران و چالش‌های محیطی
نقش سازمان‌ها در توسعه زیستی و انسانی جامعه (سلامت و...)
کارکرد سازمان‌ها در توسعه اجتماعی و فرهنگی (مشارکت، نشاط و...)
نقش سازمان‌ها در توسعه اقتصادی (اشتغال‌زایی، رونق بازار و...)
کارکرد سازمان‌ها در توسعه سیاسی (منزلت بین‌المللی، همبستگی ملی و...)
نقش سازمان‌ها در توسعه پایدار (زیست‌محیطی و...)

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد صاحب‌نظران در مصاحبه‌های انجام‌شده گزاره‌های کلامی زیادی را در ارتباط با مؤلفه‌های حکمرانی اقتصادی مبتنی بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری بیان نموده‌اند. به‌منظور جمع‌بندی و شناسایی مؤلفه‌های اصلی حکمرانی اقتصادی مبتنی بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، کدها (مفاهیم) شناسایی شده تعداد ۱۱۰ کد شناسایی شد. خبرگان و مطلعین کلیدی به طیف وسیعی از مؤلفه‌های مرتبط با نحوه حکمرانی اقتصادی مبتنی بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری اشاره نموده‌اند. پس از مرحله اول کدگذاری، تمامی کدها برای تحلیل مرتب گردید. در این مرحله تمامی کدهایی که به‌وسیله یک مصاحبه‌شونده کلیدی تشخیص داده شده است به‌صورت منظم مرتب و در یک ردیف ارائه گردید.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

در فاز بعدی تحلیل، ابتدا مجموعه تم‌های ایجادشده به منظور اطمینان از کدگذاری صورت گرفته مورد بازبینی مجدد قرار گرفت و سپس از منظر تجانس درونی و تباین بیرونی تمامی کدهای مرتبط که از نظر موضوعی نیز دارای تشابه بودند در یک طبقه قرار گرفت. با توجه به نتایج جدول ۲ میزان فراوانی مفاهیم شناسایی شده و پیشینه پژوهش، مقوله‌های اصلی و زیر مقوله‌ها زیر به‌عنوان حکمرانی اقتصادی مبتنی بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری شناسایی و گزارش گردیده است.

جدول ۲: مقوله‌های اصلی و زیر مقوله‌های مرتبط با حکمرانی اقتصادی مبتنی بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری

مضمون فرعی	مؤلفه محوری
	غیرمتمرکز بودن این نوع حکمرانی و تمرکز زدا بودن در سطح مناطق
انطباق‌پذیری	اصلاحات نهادی و بازسازی بوروکراسی و مشارکت‌دهی مناطق و نهادها
سیستمی	همگرایی حکمرانی اقتصادی برای پاسخ به پیچیدگی نهادی اقتصادی سازمان‌ها
	تناسب ساختاری و کارکردی حکمرانی اقتصادی با ماهیت اقتصادی نظام سازمان‌ها
	جلب حمایت عمومی و اجتماعی از طریق سازمان‌ها برای حکمرانی
تطبیق با محیط	مشارکت‌دهی گروه‌ها و پاسخگویی به نیروهای دموکراتیک
اجتماعی	الزام مشارکت‌پذیری بالا در حکمرانی اقتصادی وجود آن در سازمان‌ها
	تطبیق حکمرانی با فرهنگ محیط سازمان‌ها کشور
همخوانی با مفروضات علمی	انطباق حکمرانی اقتصادی با الگوی حکمرانی شبکه‌ای و اهداف حکمرانی خوب
	درجه نظام‌مندی سازمان‌ها و راهبردپذیری سازمان‌های دولتی
	قابلیت تنظیم‌گیری و رهبری فرابخشی در سازمان‌ها دولتی
رویکرد فرابخشی	سازگاری تغییر دولت‌ها با محیط‌های و منافع جدید سازمان‌ها
توسعه سازمان‌ها	تناسب توزیع منابع و حمایت‌ها در بین سطوح سازمان‌ها
	تلقی شدن صنعت سازمان‌ها به‌عنوان یک بازار و سیستم اقتصادی
ملاحظات	ظرفیت‌سنجی سازمان‌ها برای توسعه در شرایط بحران ملی و محیطی
مدیریت بحران	شناخت تجارب پیشین حکمرانی اقتصادی برای بحران‌ها
	الزامات حکمرانی اقتصادی برای شرایط بحران
تصدی‌گری و رهبری سازمان‌ها	جلوگیری از رابطه‌گرایی و مساعدسازی فضای انتخاب و شایسته‌سالاری انتصاب مسئولان سازمان‌ها
	پیشگیری از خطاهای مدیریتی و سلیقه‌ای مدیران در سطوح اجرایی سازمان‌ها
	کاهش سقف شیشه‌ای در سازمان‌ها تأکید بر مشارکت‌دهی زنان و اقلیت‌ها در سطوح مدیریتی و تصمیم‌گیری
	کاهش شکاف و ناهماهنگی میان تخصص و مسئولیت‌ها در امور مربوط به سازمان‌ها
مشارکت	مشارکت مدیران نهادهای دولتی عمومی
نقش‌های فردی	اعضای شوراهای تصمیم‌گیری و هیئت‌مدیره‌ها و مدیران سازمان‌ها

طراحی الگوی حکمرانی اقتصادی با توجه به رهنمودهای رهبرانقلاب /ملکی سوری، زاهدی و منتظری

نقش اساتید دانشگاهی و تحلیلگران علمی	
مشارکت نقش فعالان رسانه، بازار و صنعت سازمانها	
مشارکت زنان و اقلیتها در مدیریت و سیاست گذاری سازمانها	
رونق بخشی اقتصادی سازمانها از طریق خصوصی سازی و برون سپاری در سازمانها	
کمک به سازمانها برای تأمین مالی و درآمدزایی	کارآمدی نظام
استفاده از نوآوری و تحقیق و توسعه در سازمانها کارآفرینی و تجاری سازی	مالی سازمانها
ایجاد تناسب بین سرمایه گذاری و هزینه های اقتصادی	
افزایش رقابت پذیری بازار سازمانها از طریق مشارکت دهی بخش های غیردولتی	
افزایش امنیت ریسک و سرمایه گذاری اقتصادی در سازمانها	حمایت صنعت سازمانها
بازنگری در سیستم مدیریت مالی سازمانها کاهش هزینه های جاری	
جلب توجه سیاست گذاران به ظرفیت های اقتصادی سازمانها برای بهبود اقتصاد ملی	
نظامندسازی بازار و صنعت سازمانها و از طریق مستندسازی فعالیتها و اطلاعات	
مسئولیت اجتماعی لزوم دخالت مدیران و کارمندان در تصمیم گیری نسبت به جامعه و سایر نهادها نسبت به سازمانها	مشارکت دهی جامعه سازمانها
مدیریت تنوع جمعیت و ذینفعان در سازمانها	
تأمین امنیت اجتماعی فضاهای مختلف سازمانها	
تکنیک های بازاریابی اجتماعی مطابق با خرده فرهنگها	فرهنگ سازی حکمرانی خوب
گفتمان سازی در جامعه سازمانها برای حکمرانی اقتصادی	
جریان سازی رسانه ای برای بهبود حکمرانی سازمانها با رویکرد شبکه های اجتماعی	
استفاده از نوآوریها و توسعه تحقیق و پژوهش های مرتبط با سیاست گذاری سازمانها	قابلیت فناوری
استفاده از ابزارهای دانش و فناوری برای کاهش پیچیدگی سیاست گذاری عمومی	
وجود دانش سیاست گذاری و خبرگی برای سازمانها و نهادهای دولتی	منابع دانشی
تخصصی سازی حکمرانی و تعیین مراجع تخصصی برای سیاست گذاری در سازمانها	
به روزرسانی سیاستها در هر دوره تغییرات در دولت	روزآمدی سیاست گذاری
مهندسی مجدد فرآیندهای سیاستی - ساختاری سازمانها	
روزآمدی ساختارهای سازمانی متناسب با تحولات محیطی	
تناسب بین برنامه های کوتاه مدت و بلندمدت	
میزان همسویی سیاستها با اسناد بالا دستی	تطبیق سیستمی سیاستها
همخوانی و تطبیق سیاستها با شرایط اقتصادی و منافع سیاسی	
انطباق سیاستها با توانمندی های بومی در توسعه سازمانها	

بر اساس یافته های جدول ۲ مهم ترین الگوی حکمرانی اقتصادی مبتنی بر دیدگاه های مقام معظم رهبری شامل ۱۵ مضمون فرعی می باشد به دست آمد.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

جدول ۳: چارچوب بندی کدهای اولیه به مضامین فرعی

مضمین اصلی	مضمون فرعی	مؤلفه محوری
الزامات حکمرانی اقتصادی برای سازمان‌ها	انطباق پذیری	غیرمتمرکز بودن این نوع حکمرانی و تمرکز زدا بودن در سطح مناطق اصلاحات نهادی و بازسازی بوروکراسی و مشارکت‌دهی مناطق و نهادها
	سیستمی	همگرایی حکمرانی اقتصادی برای پاسخ به پیچیدگی نهادی اقتصادی سازمان‌ها تناسب ساختاری و کارکردی حکمرانی اقتصادی با ماهیت اقتصادی نظام سازمان‌ها
سازمان‌ها	تطبیق با محیط	جلب حمایت عمومی و اجتماعی از طریق سازمان‌ها برای حکمرانی مشارکت‌دهی گروه‌ها و پاسخگویی به نیروهای دموکراتیک
	اجتماعی	الزام مشارکت پذیری بالا در حکمرانی اقتصادی وجود آن در سازمان‌ها تطبیق حکمرانی با فرهنگ محیط سازمان‌ها کشور
ملاحظات سازمان‌ها برای حکمرانی اقتصادی	همخوانی با مفروضات علمی	انطباق حکمرانی اقتصادی با الگوی حکمرانی شبکه‌ای و اهداف حکمرانی خوب درجه نظام‌مندی سازمان‌ها و راهبردپذیری سازمان‌های دولتی
	رویکرد	قابلیت تنظیم‌گیری و رهبری فرابخشی در سازمان‌ها دولتی
ملاحظات سازمان‌ها برای حکمرانی اقتصادی	فرابخشی توسعه	سازگاری تغییر دولت‌ها با محیط‌های و منافع جدید سازمان‌ها
	سازمان‌ها	تناسب توزیع منابع و حمایت‌ها در بین سطوح سازمان‌ها تلقی شدن صنعت سازمان‌ها به‌عنوان یک بازار و سیستم اقتصادی
مدیریت بحران	ملاحظات	ظرفیت‌سنجی سازمان‌ها برای توسعه در شرایط بحران ملی و محیطی
	مدیریت بحران	شناخت تجارب پیشین حکمرانی اقتصادی برای بحران‌ها الزامات حکمرانی اقتصادی برای شرایط بحران
ظرفیت‌سازی مدیریتی سازمان‌ها	تصدی‌گری و رهبری	جلوگیری از رابطه‌گرایی و مساعدسازی فضای انتخاب و شایسته‌سالاری انتصاب مسئولان سازمان‌ها
	سازمان‌ها	پیشگیری از خطاهای مدیریتی و سلیقه‌ای مدیران در سطوح اجرایی سازمان‌ها کاهش سقف شیشه‌ای در سازمان‌ها تأکید بر مشارکت‌دهی زنان و اقلیت‌ها در سطوح مدیریتی و تصمیم‌گیری
مشارکت	ظرفیت‌سازی	کاهش شکاف و ناهماهنگی میان تخصص و مسئولیت‌ها در امور مربوط به سازمان‌ها
	مدیریتی	مشارکت مدیران نهادهای دولتی عمومی
نقش‌های فردی	مشارکت	اعضای شوراهای تصمیم‌گیری و هیئت‌مدیره‌ها و مدیران سازمان‌ها
	نقش‌های فردی	نقش اساتید دانشگاهی و تحلیلگران علمی
ظرفیت‌سازی اقتصادی	مشارکت	مشارکت نقش فعالان رسانه، بازار و صنعت سازمان‌ها
	کارآمدی نظام	مشارکت زنان و اقلیت‌ها در مدیریت و سیاست‌گذاری سازمان‌ها
مالی سازمان‌ها	کارآمدی نظام	رونق‌بخشی اقتصادی سازمان‌ها از طریق خصوصی‌سازی و برون‌سپاری در سازمان‌ها
	مالی سازمان‌ها	کمک به سازمان‌های برای تأمین مالی و درآمدزایی

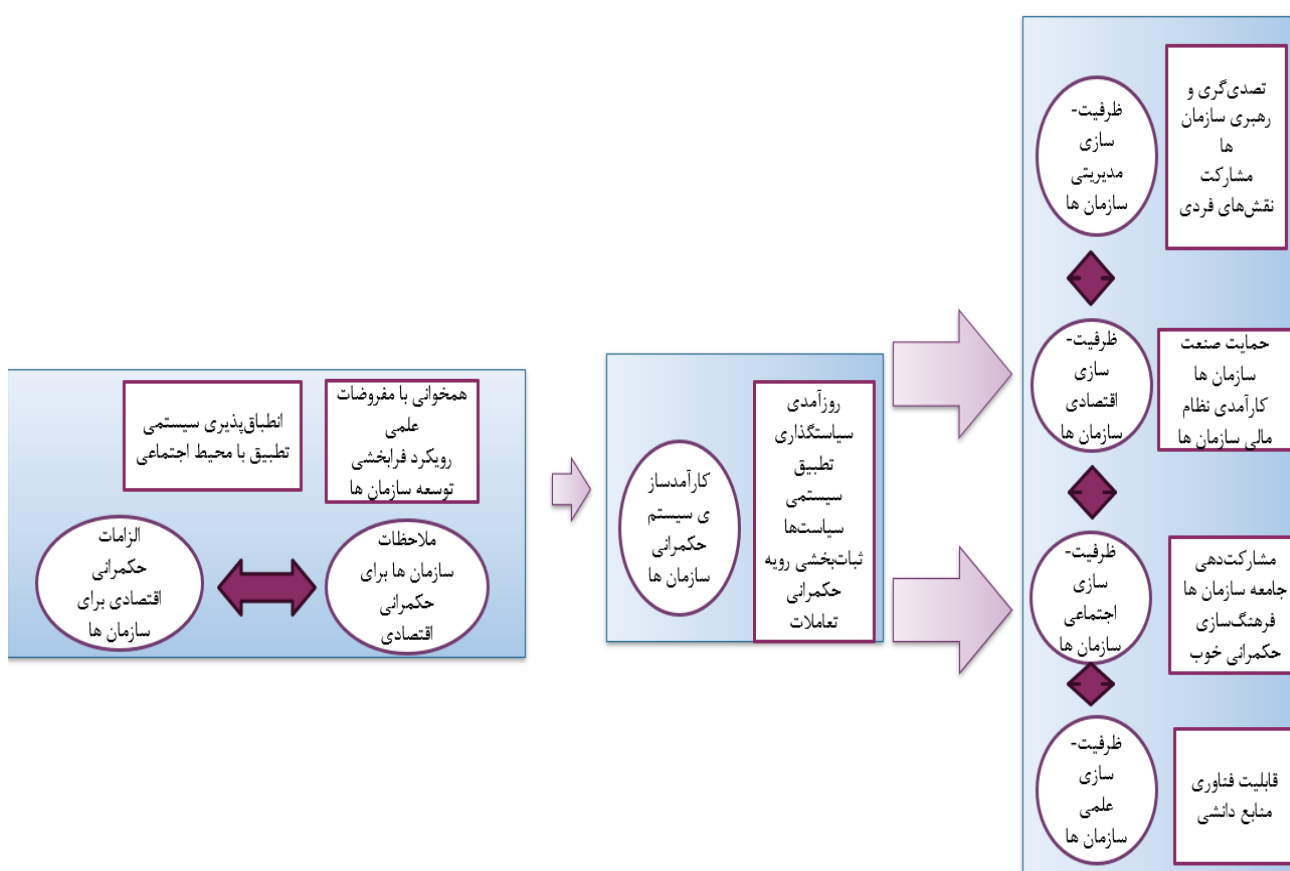
طراحی الگوی حکمرانی اقتصادی با توجه به رهنمودهای رهبرانقلاب /ملکی سوری، زاهدی و منتظری

استفاده از نوآوری و تحقیق و توسعه در سازمان‌ها کارآفرینی و تجاری‌سازی	سازمان‌ها
ایجاد تناسب بین سرمایه‌گذاری و هزینه‌های اقتصادی	
افزایش رقابت‌پذیری بازار سازمان‌ها از طریق مشارکت‌دهی بخش‌های غیردولتی	
افزایش امنیت ریسک و سرمایه‌گذاری اقتصادی در سازمان‌ها	حمایت صنعت
بازنگری در سیستم مدیریت مالی سازمان‌های کاهش هزینه‌های جاری	سازمان‌ها
جلب توجه سیاست‌گذاران به ظرفیت‌های اقتصادی سازمان‌ها برای بهبود اقتصاد ملی	
نظام‌سازی بازار و صنعت سازمان‌ها و از طریق مستندسازی فعالیت‌ها و اطلاعات	
مسئولیت اجتماعی لزوم دخالت مدیران و کارمندان در تصمیم‌گیری نسبت به جامعه و سایر نهادها نسبت به سازمان‌ها	مشارکت‌دهی
مدیریت تنوع جمعیت و ذینفعان در سازمان‌ها	جامعه سازمان‌ها
تأمین امنیت اجتماعی فضاهای مختلف سازمان‌ها	ظرفیت‌سازی اجتماعی
تکنیک‌های بازاریابی اجتماعی مطابق با خرده‌فرهنگ‌ها	فرهنگ‌سازی
گفتمان‌سازی در جامعه سازمان‌ها برای حکمرانی اقتصادی	حکمرانی خوب
جریان‌سازی رسانه‌ای برای بهبود حکمرانی سازمان‌ها با رویکرد شبکه‌های اجتماعی	
استفاده از نوآوری‌ها و توسعه تحقیق و پژوهش‌های مرتبط با سیاست‌گذاری سازمان‌ها	ظرفیت‌سازی علمی
استفاده از ابزارهای دانش و فناوری برای کاهش پیچیدگی سیاست‌گذاری عمومی	منابع دانشی
وجود دانش سیاست‌گذاری و خبرگی برای سازمان‌ها و نهادهای دولتی	سازمان‌ها
تخصصی‌سازی حکمرانی و تعیین مراجع تخصصی برای سیاست‌گذاری در سازمان‌ها	
به‌روزرسانی سیاست‌ها در هر دوره تغییرات در دولت	روزآمدی
مهندسی مجدد فرآیندهای سیاستی - ساختاری سازمان‌ها	سیاست‌گذاری
روزآمدی ساختارهای سازمانی متناسب با تحولات محیطی	
تناسب بین برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت	تطبیق
میزان همسویی سیاست‌ها با اسناد بالا دستی	سیستمی
همخوانی و تطبیق سیاست‌ها با شرایط اقتصادی و منافع سیاسی	سیاست‌ها
انطباق سیاست‌ها با توانمندی‌های بومی در توسعه سازمان‌ها	سیستم حکمرانی
ضرورت پیوستگی سیاست‌گذاری در سیکل‌های سیاسی و انتخاباتی	سازمان‌ها
ثبات‌بخشی رویه هماهنگی بین سطح سیاستی، برنامه‌ای و اجرایی	حکمرانی
کاهش نفوذپذیری سیاسی ساختار و تشکیلات سازمان‌های	
ثبات رویه در اجرای سیاست‌ها با تغییرات دوره‌ای دولت	
تقویت دانش مالی مدیران سازمان‌ها در حوزه تحریم‌ها	
آمادگی فضای فکری در سازمان‌ها جهت توسعه حامیان مالی اجتماعی	تعاملات
ایجاد لابراتورهای خلاقیت در جهت دور زدن تحریم‌ها	

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

بر اساس مراحل کدگذاری فوق، مدل مفهومی پژوهش به صورت شکل زیر ترسیم گردید. ترتیب و روابط کلی بین سازه‌ها بر اساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش به همراه نظرات گروه کانونی و مصححان کدگذاری انجام شد.

در کدگذاری سوم به شکل‌دهی مضامین اصلی از تم‌های فرعی اقدام شد. از این رو ۶۱ مضمون فرعی در چارچوب ۷ مضمون اصلی کدگذاری گردید. سپس به دلیل تعداد بالای مضامین فرعی به کدگذاری چهارم که کدگذاری نظری است اقدام شد.



شکل ۱: مؤلفه‌های حکمرانی اقتصادی مبتنی بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش از این رو ۱۱۰ گزاره کلامی، ۱۵ مضمون فرعی و ۷ مضمون اصلی الزامات حکمرانی

طراحی الگوی حکمرانی اقتصادی با توجه به رهنمودهای رهبرانقلاب/ملکی سورکی، زاهدی و منتظری

اقتصادی برای سازمان‌ها، ملاحظات سازمان‌ها برای حکمرانی اقتصادی، ملاحظات سازمان‌ها برای حکمرانی اقتصادی، ظرفیت‌سازی مدیریتی سازمان‌ها، ظرفیت‌سازی اقتصادی سازمان‌ها، ظرفیت‌سازی اجتماعی سازمان‌ها، ظرفیت‌سازی علمی سازمان‌ها کدگذاری گردید. سلام (۲۰۲۱) در تحقیقی اجرای حکمرانی خوب باهدف ارتقاء عملکرد دستگاه‌های مدنی دولتی در دولت منطقه‌ای سطح حکمرانی خوب و پاسخگویی کمتر از حد متوسط است. همچنین ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که میان بعضی فرایندهای حکمرانی خوب و ارتقاء عملکرد رابطه معناداری وجود دارد. نگابیتو (۲۰۲۱) در تحقیقی با عنوان تأثیر شیوه حکمرانی خوب و سبک‌های رهبری تحول‌آفرین بر عملکرد دولت‌های محلی به این نتیجه رسید که به این نتیجه رسید که دولت‌های محلی از نظر شاخص‌های حکمرانی خوب در ۴ مؤلفه نتیجه‌گرایی، شفاف‌سازی، ظرفیت‌سازی و پاسخگویی در وضعیت مطلوب و بهینه قرار داشتند اما عملکرد واقعی س دولت‌های محلی از نظر اثربخشی وظایف و نقش‌ها و ارتقای ارزش‌ها مورد تأیید نبود. همچنین نتایج نشان داد که دولت‌های محلی از نظر حکمرانی خوب از نظر اهمیت به ترتیب در زمینه‌های پاسخگویی، نتیجه‌گرایی، ظرفیت‌سازی، شفاف‌سازی دارای اهمیت بودند. مالاگیلا (۲۰۲۱) در تحقیقی با عنوان حاکمیت شرکتی و عملکرد در سازمان‌های ورزشی: مورد لیگ‌های برتر انگلستان به این نتیجه رسید که امتیاز لیگ در باشگاه‌هایی با هیئت‌مدیره بزرگ‌تر، درصد بالاتری نسبت به شرکت‌های مدیران غیر اجرایی دارند. همچنین رابطه بین همین مجموعه متغیرها و عملکرد مالی، به جز امتیاز لیگ که با بازده دارایی معنی‌دار و منفی هستند. به نظر می‌رسد یافته‌های ما نشان‌دهنده اولویت‌بندی عملکرد در زمین بر عملکرد خارج از زمین توسط سازمان‌های ورزشی است. شواهد تا حد زیادی برای استفاده از معیارهای جایگزین و مدل‌های برآورد قوی است. به نظر می‌رسد کارکردهای حکمرانی اقتصادی در مسیر رشد و توسعه مسائل شغلی و ایجاد زیرساخت‌های سازمانی می‌تواند منجر به عملکرد شغلی کارکنان گردد و میزان عملکرد شغلی را تحت تأثیر قرار دهد. احمدی (۱۳۹۷) در تحقیقی باهدف شناسایی نماگرها و تعیین شاخص دیدبان حکمرانی ورزشی فدراسیون‌ها که تحلیل عامل اکتشافی (چرخش واریماکس) چهار عامل شفافیت، حکمرانی، نظارت و همبستگی (۰/۵۸ درصد تبیین واریانس) و ۲۵ نماگر را در ساختار شاخص آشکار کرد. همچنین یافته‌ها نشان داد امتیاز شاخص دیدبان حکمرانی ورزشی در ابعاد شفافیت ۲/۶۷، حکمرانی ۲/۵۶، بازرسی ۲/۴۲ و همبستگی ۲/۴۳ و امتیاز نهایی شاخص ۳۸ درصد و پایین‌تر از متوسط بود. نتایج این مطالعه به شناسایی عوامل حکمرانی ورزشی به‌منظور اولویت‌بندی و تنظیم اقدامات در فدراسیون‌های ورزشی منجر شد. زارعیان (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان اعتباریابی و هنجاریابی پرسشنامه حکمرانی خوب در

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

وزارت ورزش و جوانان ایران که بر اساس نتایج تحلیل عاملی، شاخص‌های تلاش تا حصول نتیجه، تأکید بر اثربخشی نقش‌ها و وظایف، ارتقای رفتار حرفه‌ای و مبتنی بر قانون، شفاف‌سازی، ظرفیت‌سازی و کارگروهی، بازخورد و پاسخگویی و تأکید بر دانش‌افزایی به‌عنوان هفت اصول حکمرانی خوب در وزارت ورزش و جوانان شناسایی شد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که مدل اصول حکمرانی خوب در وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران از برآزش مطلوبی برخوردار است. عامری (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان تبیین اثر ظرفیت جذب، حکمرانی سازمانی و سایش اجتماعی بر رفتار نوآورانه کارکنان وزارت ورزش و جوانان ایران که نتایج تحقیق نشان داد، بین ظرفیت جذب با رفتار نوآورانه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین حکمرانی سازمانی با رفتار نوآورانه تأثیر مثبت بسیار ضعیفی وجود دارد. بین سایش اجتماعی با رفتار نوآورانه رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بدون شک حکمرانی خوب به‌واسطه ایجاد استانداردهای شغلی و پیاده‌سازی یک سری استانداردهای مناسب در محیط کاری می‌تواند زمینه جهت بهبود بهره‌وری کارکنان را افزایش دهد. احمدی (۱۳۹۸) به این نتیجه رسید که انتشار سند دیپلماسی تجاری، مشارکت بخش خصوصی، اصلاح ساختار نهادی، حذف خود تحریمی، تربیت دیپلمات‌های تجاری، مدیریت بخش واردات، حمایت از کسب‌وکارهای داخلی، اولویت‌دهی به کشورهای همسایه، اتصال به زنجیره ارزش جهانی، پرهیز از خام‌فروشی به‌عنوان ده راهبرد کلی معرفی کرد. رستمی (۱۳۹۸) به این نتیجه رسید که ضعف نظام ساختاری در بستر جذب و انتقال ظرفیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی، عدم تعادل کارکردهای اقتصادی در پیشبرد توسعه تجارت خارجی در بازارهای بین‌المللی و تخریب زنجیره ارزش در استفاده از ظرفیت‌های داخلی و افزایش فعالیت‌های غیر مولد را شناسایی کرد؛ که با یافته‌های این تحقیق همخوان می‌باشد. در میان انگیزه‌های داخلی بازسازی، ملت‌سازی، یکپارچه‌سازی اجتماعی و کنترل اجتماعی را دنبال می‌کنند؛ بنابراین حکمرانی اقتصادی در سازمان‌ها یکی از موضوعات کلیدی در مدیریت مدرن است که نقش مهمی در بهبود عملکرد سازمانی، تخصیص بهینه منابع و ارتقای شفافیت دارد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی در زمینه طراحی مدل‌های نوین حکمرانی اقتصادی انجام شود که بتواند چالش‌های خاص سازمان‌ها در مواجهه با تغییرات محیطی و اقتصادی را تحلیل کند. حکمرانی اقتصادی در سازمان‌ها یک چارچوب کلیدی برای مدیریت مؤثر منابع، شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری و پاسخگویی در قبال ذینفعان به شمار می‌رود. با توجه به پیچیدگی فزاینده محیط‌های اقتصادی و فناوری، ضرورت بازنگری در روش‌ها و رویکردهای حکمرانی اقتصادی بیش‌ازپیش احساس می‌شود. پژوهش‌های آتی می‌توانند به بررسی مدل‌های جدید حکمرانی اقتصادی بپردازند که از مفاهیم نوین مانند پایداری،

طراحی الگوی حکمرانی اقتصادی با توجه به رهنمودهای رهبرانقلاب/ملکی سورکی، زاهدی و منتظری

شفافیت و عدالت سازمانی بهره می‌گیرند. همچنین، تحلیل تأثیر فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی، داده‌کاوی و بلاک چین در افزایش اثربخشی و شفافیت فرآیندهای حکمرانی اقتصادی از موضوعات حیاتی است که می‌تواند قابلیت انطباق سازمان‌ها با تغییرات سریع محیطی را افزایش دهد. مطالعات تطبیقی میان سازمان‌های موفق در کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه نیز می‌تواند درس‌های ارزشمندی ارائه کند، به‌ویژه در زمینه سازگاری این مدل‌ها با فرهنگ‌ها و قوانین مختلف. علاوه بر این، بررسی نقش نهادهای نظارتی داخلی و خارجی در بهبود حکمرانی اقتصادی و شناسایی نقاط ضعف سیستم‌های نظارتی موجود از اهمیت بالایی برخوردار است. تأکید بر ارتباط حکمرانی اقتصادی با مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) و تأثیر آن بر افزایش اعتماد عمومی، کاهش فساد و تقویت برند سازمان نیز حوزه‌های پژوهشی است که می‌تواند به یافته‌های ارزشمندی منجر شود.

از جنبه دیگری، پژوهش‌ها می‌توانند نقش عوامل انسانی مانند فرهنگ سازمانی، سبک رهبری و مشارکت کارکنان در اجرای مؤثر حکمرانی اقتصادی را مورد بررسی قرار دهند. این امر می‌تواند به شناسایی موانع نرم‌افزاری و رفتاری کمک کند که در مسیر اجرای حکمرانی اقتصادی قرار دارند. همچنین، مطالعه تأثیر حکمرانی اقتصادی بر شاخص‌های عملکردی مانند بهره‌وری، رضایت کارکنان، سودآوری و پایداری مالی سازمان از جنبه‌های کاربردی دیگری است که می‌تواند سازمان‌ها را در ارزیابی اثربخشی سیاست‌ها و فرآیندهای اقتصادی خود یاری دهد.

درنهایت، با توجه به اهمیت فزاینده حکمرانی اقتصادی در مواجهه با چالش‌هایی همچون بحران‌های مالی، نوسانات بازار و تغییرات قوانین، ضرورت تدوین چارچوب‌های نظری و عملی برای ارتقای حکمرانی اقتصادی در سازمان‌ها کاملاً محسوس است. پژوهشگران می‌توانند از ابزارهای چند رشته‌ای، شامل اقتصاد، مدیریت، حقوق و فناوری، بهره بگیرند تا راهکارهایی جامع و عملی برای حل این چالش‌ها ارائه کنند.

منابع

- (۱) رعایائی مهدی، داودآبادی فراهانی محسن. بررسی اصل عدالت در حکمرانی اقتصادی مبتنی بر نظریه شهید صدر (با تأکید بر عدالت توزیعی). فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی. ۱۴۰۰؛ ۷(۱): ۱۰۷-۱۳۲
- (۲) بخشی آئی، رضا، نیلی، مسعود و برکچیان، سید مهدی. (۱۴۰۱). بررسی اثر نظام سیاسی و منابع طبیعی بر کیفیت حکمرانی اقتصادی. سیاست‌گذاری عمومی ۵۵-۴۱، ۸(۳).
- (۳) اسعدی، مرضیه و لطفی هروی، محمد مهدی. (۱۳۹۹). اقتصاد زیست- فناوریانه: تحلیل روش‌های ارزیابی و حکمرانی اقتصادی. پژوهشنامه اقتصادی ۱۸۳-۱۳۱، ۲۰(۷۹).
- (۴) طاهری، صنم (۱۴۰۰). بررسی جایگاه عدالت در حکمرانی اقتصادی از منظر اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده اقتصاد
- (۵) پناهی، اسماعیل، آرایبی، وحید و جمشیدی، مینا. (۱۴۰۱). اعتبارسنجی الگوی حکمرانی خوب از منظر اقتصادی. فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۲(۲). ۱۰.
- (۶) کلیچ، لیلا، عقیلی، سید وحید و خجسته باقرزاده، حسن. (۱۴۰۰). تحلیل مضامین اقتصادی بیانیه گام دوم انقلاب. فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۴(۹).
- (۷) بیگی، وحید، ابوبی اردکان، محمد، مقیمی، سید محمد و نوبخت، محمدباقر. (۱۴۰۲). طراحی مدل حکمرانی شرکت‌های دولتی در چارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، مدیریت دولتی، ۱۵(۱).
- (۸) شجاع، رضا، محمدی ریوف، مصطفی. (۱۳۹۶). سیاست‌گذاری مبتنی بر ساختار در ورزش ایران، اولین کنفرانس حکمرانی و سیاست‌گذاری عمومی، تهران، دانشگاه صنعتی شریف-پژوهشکده سیاست‌گذاری علم، فناوری و صنعت دانشگاه صنعتی شریف -اندیشکده مطالعات حاکمیت و سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف، ۸-۱.
- (۹) میرزایی پری، یحیی؛ خلیلی، مهدی؛ رضایی، اطهر. (۱۳۹۷). حکمرانی داده؛ ضرورتی برای مواجهه با تحولات پیش روی صنعت بیمه، بیست و پنجمین همایش ملی بیمه و توسعه، تهران، پژوهشکده بیمه، ۹-۱.
- 10) Alonso Dos Santos, M. Calabuig Moreno, F. (2020). Management, marketing and economy in sports organizations. 28, 175-179
- 11) Mahaputra, M. R. & Saputra, F. (2021). Application Of Business Ethics And Business Law On Economic Democracy That Impacts Business Sustainability. Journal of Law, Politic and Humanities, 1(3), 115-125.

- 12) Mungiu-Pippidi, A. (2020). The Rise and Fall of Good-Governance Promotion. *Journal of Democracy*, 31(1), 88-102.
- 13) Helliwell, J. F. Huang, H. Grover, S. & Wang, S. (2018). Empirical linkages between good governance and national well-being. *Journal of Comparative Economics*, 46(4), 1332-1346.
- 14) Keping, Y. (2018). Governance and good governance: A new framework for political analysis. *Fudan Journal of the Thomas, C. (2020). Race as a Technology of Global Economic Governance. UCLA L. Rev.* 67, 1860.
- 15) Ladi
- 16) , S. & Tsarouhas, D. (2020). EU economic governance and Covid-19: policy learning and windows of opportunity. *Journal of European Integration*, 42(8), 1041-1056.
- 17) Ansell, C. & Torfing, J. (Eds.). (2022). *Handbook on theories of governance*. Edward Elgar Publishing.
- 18) Zhang, Y. Pinkse, J. & McMeekin, A. (2020). The governance practices of sharing platforms: Unpacking the interplay between social bonds and economic transactions. *Technological Forecasting and Social Change*, 158, 120133.
- 19) Farazmand, A. (Ed.). (2023). *Global encyclopedia of public administration, public policy, and governance*. Springer Nature.
- 20) Mauerhofer, V. (2019). An introduction and overview on law, politics and governance: Institutions, organizations and procedures for Ecological Economics. *Ecological Economics*, 165, 106396.
- 21) Khudoyarov, R. (2022). Improving economic governance in a market economy. *Galaxy International Interdisciplinary Research Journal*, 10(2), 610-612.
- 22) Shahbaz, M. Wang, J. Dong, K. & Zhao, J. (2022). The impact of digital economy on energy transition across the globe: The mediating role of government governance. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 166, 112620.
- 23) GALLI, G. (2023). The role of public investments in the EU economic governance framework.
- 24) Chryssogelos, A. (2023). 6. Contesting international economic governance: the 'people' and trade in the Trump and Brexit rhetoric. *Contestation and Polarization in Global Governance: European Responses*, 108.
- 25) Bailey, D. Labory, S. & Tomlinson, P. R. (2023). 19. Industrial policy beyond market failure: structural dynamics, innovation and economic governance for industrial development. *Handbook of Industrial Development*, 322.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۳

26) Pandey, N. Andres, C. & Kumar, S. (2023). Mapping the corporate governance scholarship: Current state and future directions. *Corporate Governance: An International Review*, 31(1), 127-160. *Humanities and Social Sciences*, 11(1), 1-8.

27) Prinos, I. & Manley, J. (2022). The Preston Model: Economic Democracy, Cooperation, and Paradoxes in Organisational and Social Identification. *Sociological Research Online*, 13607804211069398.

یادداشت‌ها:

-
- 1 Pandey
 - 2 Zhang
 - 3 Ladi
 - 4 Shahbaz
 - 5 Farazmand
 - 6 Khudoyarov
 - 7 Bailey
 - 8 GALLI
 - 9 Chryssogelos
 10. Nogueira & Martines
 11. Carayannis etal

Designing an Economic Governance Model According to the Guidelines of the Revolutionary Leader

Receipt: 02/11/2024 Acceptance: 17/12/2024

Ahmad Maleki Sourki¹

Shams al Sadat Zahedi²

Mohammad Montazeri³

Abstract

The aim of this research was to design an economic governance model according to the guidelines of the Revolutionary Leader. The research method was qualitative research with a content analysis approach. The statistical population of the research included all scientific experts in the field of the research subject. The sample selection was carried out in the required number to reach theoretical saturation and was carried out using the snowball sampling method (16 people). The research tool was an exploratory interview. The validity of the research results was confirmed based on the professional competence of the interviewed sample, the content validity of the interview framework, and the level of agreement of the coding correctors (2 expert researchers: 0.73). Data analysis was carried out using three-stage coding appropriate to the research method. In this study, 110 verbal statements, 15 subthemes, and 4 main themes were coded: economic governance requirements for organizations, organizational considerations for economic governance, organizational considerations for economic governance, organizational managerial capacity building, organizational economic capacity building, organizational social capacity building, and organizational scientific capacity building.

Keywords

Economic governance, organization, guidance, revolutionary leader

1-PhD Student, Department of Management, Sirjan Branch, Islamic Azad University, Sirjan, Iran.
ahmad.maleki.1979@gmail.com

2-Professor, Department of Management, Sirjan Branch, Islamic Azad University, Sirjan, Iran.
(Corresponding Author) szahedi@iau.ac.ir

3-Associate Professor, Department of Management, Payam Noor University, Tehran, Iran.
montazer56@pnu.ac.ir

contents



1-Designing a comprehensive model for the impact of artificial intelligence on good indicators in the administrative system: metacombination characteristics	
Fouad Ismail Qalo, Mahrokh Lotf Elahi Haqi and Mohammad Nazir Parviz.....	1
2-The Impact of the Arab Revolutions on the Security of the Zionist Regime	
Amirhossein jozdani.....	22
3-Design and Validation of Intelligent Leadership Model in Telecom Industry Based on Foundation Data Theory (Study Case: First Mobile Operator in Razavi Khorasan)	
Mehrdad haddadrazavi, Ali Hosseinzadeh and Hoda JannesarAhmadi.....	4
4-The Impact of Jihadi Management Strategies on Sustainable Development of the Marine Economy	
Hoda Zeynali.....	64
5-Designing an Economic Governance Model According to the Guidelines of the Revolutionary Leader	
Ahmad Maleki Sourki, Shams al Sadat Zahedi and Mohammad Montazeri.....	82